

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جلد دوم از بسته دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی

# حقوق جزای اختصاصی

(مطابق قانون کاهش حبس‌های تعزیری)

شامل:

- ☐ درسنامه دکترا
- ☐ محشای قوانین و مقررات جزایی
- ☐ نکات کاربردی و مهم
- ☐ آرای وحدت رویه
- ☐ تست و خودسنجی

**کوشزد: به دلیل نمونه بودن فایل قیمت کتاب و سال چاپ را در سایت مشاهده نمایید.**

سرشناسه: دپارتمان تخصصی دکتری حقوق جزا و جرمشناسی  
 عنوان: حقوق جزای اختصاصی (مطابق تغییرات قانون کاهش حبس‌های تعزیری)  
 مشخصه نشر: تهران، انتشارت عدلیه، سال...  
 نوبت چاپ: پنجم...  
 مشخصات ظاهری: ص ۴۴۴  
 وضعیت فهرست نویسی: فیپا  
 موضوع: حقوق جزای اختصاصی  
 شناسه افزوده: جرایم علیه اشخاص - جرایم علیه اموال و مالکیت - جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی  
 شناسه افزوده: حقوق جزای اختصاصی ۱، حقوق جزای اختصاصی ۲، حقوق جزای اختصاصی ۳  
 شناسه افزوده: قتل عمد، قتل شبه عمد، قتل خطای محض  
 شناسه افزوده: کلاهبرداری - خیانت در امانت - سرقت  
 شناسه افزوده: محاربه - بغی - افساد فی الارض - جاسوسی - جعل - افشای اسرار  
 قیمت: ..... تومان

**تلفن:**

۰۲۱ - ۶۶۰۹۰۱۰۰۲

۰۲۱ - ۶۶۵۸۱۷۴۸

Email: nashreadliye@gmail.com

http://www.adlpub.com

آدرس دفتر مرکزی:

تهران - میدان انقلاب - خ جمائزاده جنوبی - پلاک ۹۴ - طبقه ۴ - واحد ۱۷

کانال تلگرام عدلیه را در گوشی خود دنبال کنید:

@PHDdoktori

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

فقط اخلاق است که باعث احترام به حقوق معنوی می‌شود.

## فهرست مطالب

۵	سخنی با خوانندگان کتاب
۷	بخش اول: درسنامه
۸	فصل اول: جرایم علیه اشخاص
۶۳	فصل دوم: جرایم علیه اموال و مالکیت
۹۱	فصل سوم: جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی
۱۷۹	بخش دوم: مساله‌های کاربردی
۱۹۳	بخش سوم: نکات طلایی
۲۱۵	بخش چهارم: نکات مستخرج از سؤالات دکتری
۲۲۷	بخش پنجم: آرای وحدت رویه
۲۳۱	بخش ششم: محشای قوانین جزایی
۳۶۱	بخش هفتم: مجموعه آزمون‌های دکتری نیمه متمرکز (سال ۹۰ الی ۹۸)
۴۳۹	بخش نهم: ضمیمه (سوال و پاسخ: قانون کاهش حبس‌های تعزیری مصوب ۱۳۹۹)

عدلیه - ناشر بسته های دکتری - ۹۶۹۲۱۰۰۲ - ۳۶۶۴۶۶۳۱۴۶ - ۳۶۶۴۶۶۳۱۴۶

## سخنی با خوانندگان کتاب

مسئله تصمیم خوبی گرفته‌اید در انتخاب این کتاب برای مطالعه آزمون دکتری امسال؛ اگر یک نگاه کوچک به صفحات کتاب داشته باشید و تورقی در قسمت‌های مختلف آن زده باشید متوجه می‌شوید؛ که تقریباً آنچه برای آزمون لازم بوده، در متن کتاب آمده است. از دلایل مهم تالیف این کتاب مشکلاتی است که داوطلبان دکتری جزا در منبع‌یابی کتب آموزشی با آن رو به رو می‌شود و این مشکل دقیقاً همان نبود کتاب آزمونی به صورت کاربردی و تخصصی آزمون دکتری جزا و جرم‌شناسی است؛ در غیر این صورت می‌دانیم که کتاب با موضوع حقوق جزای اختصاصی زیاد است اما کتاب آزمونی برای دکتری جزا، خوب کم بوده و نایاب است و اگر هم هست تأکیدشان بر آزمون وکالت بوده است. بنابراین مهمترین نکته در مورد کتاب حقوق جزای اختصاصی؛ کاربردی بودن و ذکر نکات و موضوعات مساله محور و طرح تست های شبیه ساز با پاسخ های تشریحی بوده که به تثبیت و یادگیری مطالب کتاب بسیار کمک خواهد کرد.

باری؛ داوطلبان عزیز لازم است قبل از شروع به مطالعه این کتاب در جریان چند نکته قرار بگیرند:

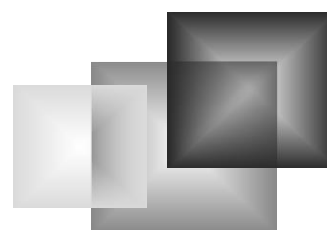
اولین موضوع اینکه هدف اصلی ما از تالیف این کتاب یک نکته بیشتر نیست: تسلط داوطلب بر کتب اساتید رفرنس و مطالعه چندین و چند کتاب فقط و فقط در یک کتاب تخصصی. بنابراین در تالیف این کتاب جامع برای آزمون هم کتب اساتید طراح مدنظر بوده و هم کتب اساتیدی که احتمال طرح سوال از کتاب آنها وجود داشته و یا وجود دارد. اضافه بر آن در جای جای سوالات سعی شده است که نگاهی ویژه به نظرات و تئوری های مطرح شده در خصوص جزای اختصاصی انداخته شود. ضمناً در بیان تئوری ها و نظرات اساتید طراح، به دلیل اهمیت موضوع حتی در جایی که نیاز به تشریح مطلب وجود دارد؛ این کار با حوصله و دقت فراوان همراه با تخصص لازم انجام شده است. ضمناً به دلیل اهمیت قوانین و مقررات جزایی از اشاره به این منابع نیز غافل نشده ایم؛ (مخصوصاً قانون کاهش حبس‌های تعزیری).

با ذکر مطالب فوق حال، به مهمترین مزیت این کتاب (حقوق جزای اختصاصی) می‌رسیم: با مطالعه این کتاب داوطلب، در حقیقت چندین و چند کتاب را به صورت هدفدار مطالعه کرده است با این اطمینان که نکته ای از نکات مهم کتب رفرنس از قلم نیافتاده است. بنابراین داوطلب به جای آنکه چندین کتاب را یک بار بخواند به این نکته خواهد رسید که یک کتاب خوب را چندین بار مطالعه کند و در نتیجه رتبه قابل قبولی مطمئناً در آزمون دکتری کسب خواهد کرد. در این صورت زحمتهای نتیجه خواهد داد و ما هم خوشحال از اینکه توانسته‌ایم رضایت نسبی داوطلب را کسب کنیم و اصولاً بهتر از رضا و خشنودی دل مردم چه چیزی (در این دوره) مهمتر است! امری که انجام خدمت صادقانه را حداقل در مجموعه عدلیه ضروری می‌کند. در پایان هر چند در تالیف این کتاب عالی‌ترین حد دقت به کار گرفته شده که کتاب به‌عنوان رفرنس اصلی در مطالعه داوطلبان دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی قرار گیرد یک خواسته هم داریم مبنی بر اینکه اگر احیاناً اشتباهی و یا لغزشی در ارائه صحیح مطالب صورت گرفته (کما اینکه بدون نقص تنها ایزد باریتعالی است) در هنگام مطالعه علامت زده و به اطلاع نویسندگان از طریق آی دی تلگرام و یا ایمیل<sup>۱</sup> برسانید. مسلماً کمک شما است که کتاب را غنی تر و پخته تر می‌کند.

### دپارتمان تخصصی دکتری حقوق جزا

عدلیه - ناشر بسته های دکتری - ۹۶۹۲۱۰۰۲ - ۳۱۴۶۳۱۴۶ - ۹۳۶۴۴۶۳۱۴۶

# بخش اول: درسنامه



## گوشزد: نمونه صفحات از حقوق جزای اختصاصی ۳ آورده می‌شود.

### ✓ فصل اول: جرایم علیه اشخاص

و

### ✓ فصل دوم: جرایم علیه مالکیت

و

### ✓ فصل سوم: جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی

در این بخش به جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی پرداخته می‌شود. علت نامگذاری جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی این است که با اینکه تمام جرایم، امنیت کشور و آسایش عمومی را به نوعی خدشه‌دار می‌کنند (و اگر اینچنین نبود؛ اساساً به عنوان جرم در محدوده حقوق جزا قرار نمی‌گرفتند). لیکن، این ویژگی در برخی از جرایم روشن‌تر و ملموس‌تر است. به بیان دیگر، جرایمی وجود دارند که به طور مستقیم با مفاهیم امنیت ملی و آسایش عمومی در ارتباط می‌باشند. جرایمی مثل جاسوسی، شورش یا تحریک مردم به شورش، جمع‌آوری اطلاعات محرمانه، سوء قصد به جان مقامات سیاسی بلند پایه، تشویق بیگانگان به اشغال کشور، کمک به دشمن اشغالگر، تهدید به بمب‌گذاری هواپیما و کشتی و وسایل نقلیه مشابه و نظایر آنها، به طور مستقیم با حاکمیت ملی و اساس و پایه‌های یک نظام و حکومت ارتباط دارند و از این رو، جرایم علیه امنیت محسوب می‌شوند. از سوی دیگر، جرایمی مثل جعل و قلب سکه، از باب اینکه **اعتماد عمومی** را نسبت به صحت اسناد، نوشتجات، اوراق بهادار، اسکناس، سکه و نظایر آنها سلب کرده و در مواردی (مثل جعل اسکناس رایج) **بنیان‌های اقتصادی جامعه را متزلزل می‌سازند؛** جرایم علیه آسایش عمومی محسوب شده‌اند. به عبارت دیگر، تفاوت بین جرایمی مثل جعل اسکناس و قلب سکه با جرایمی مثل قتل و سرقت آن است که **در اولی شاید اساساً هیچ فرد خاصی متضرر نشود؛** مثلاً کسی که اسکناس جعلی را می‌گیرد به نوبه خود آن را علیه دیگری به کار برده و به جایش چیزی می‌گیرد؛ **در اینجا، بیش از همه بنیان‌های اقتصادی جامعه و اعتماد مردم به پول رایج کشور است که آسیب می‌بیند و از این طریق، آسایش عمومی مختل می‌گردد؛ لیکن در قتل و سرقت، ضرر اولیه و ابتدایی به یک یا چند فرد به خصوص وارد می‌گردد و اختلالی که در آسایش عمومی در نتیجه ارتکاب این دو جرم حاصل می‌شود تنها یک امر ثانوی و تبعی است.** بنا به دلیل پیش گفته، جرایمی که به طور مستقیم با امنیت کشور و آسایش عمومی برخورد دارند؛ تحت مطالبی که ذکر شد؛ طبقه‌بندی شده‌اند.

<ul style="list-style-type: none"> <li>• برخی از جرایم به طور مستقیم با اساس و بنیان‌های یک حکومت مرتبط هستند؛ (به بیان دیگر، این جرایم جداً امنیت کشور را به هم می‌ریزند) مانند شورش یا سوء قصد به جان مقامات: <b>جرایم علیه امنیت کشور گفته می‌شود.</b></li> </ul>	جرایم علیه امنیت کشور
<ul style="list-style-type: none"> <li>• برخی از جرایم، بیشتر از اینکه ضرر شخصی و خصوصی داشته باشند؛ <b>بنیان‌های اقتصادی جامعه را متزلزل می‌سازند؛</b> (به بیان دیگر لزوماً بر هم زنده امنیت کشور نیستند) و بیشتر نظم اقتصادی، اجتماعی، سیاسی را به صورت بالقوه و یا بالفعل، بر هم می‌زنند؛ مانند جعل اسکناس و قلب سکه <b>جرایم علیه آسایش عمومی گفته می‌شود.</b></li> </ul>	جرایم علیه آسایش عمومی



<b>مواد مرتبط با جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی</b>	
<b>قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲: مواد ۲۷۹ الی ۲۸۸</b>	<b>مخاربه و جرایم مرتبط با آن</b>
<p><b>قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲: مواد ۳۷-۳۸-۱۲۲-</b> ۲۶۳ و ۲۶۲</p> <p><b>قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵: مواد ۴۹۸ الی ۵۱۷ و</b> ۵۴۳ الی ۵۴۸ و ۵۵۸ الی ۵۶۹ و مواد ۶۰۹-۶۱۰-۶۱۱ و مواد ۶۷۶-۶۷۷-۶۷۸ و</p> <p><b>قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸: مواد ۱ الی ۵ و</b> مواد ۸ الی ۱۱</p> <p><b>قانون جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲: مواد ۱۸</b> الی ۲۸</p> <p><b>قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵</b></p> <p><b>قانون مبارزه با تامین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۴</b></p>	<b>جرایم علیه امنیت مستوجب تعزیر</b>
<p><b>قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵: مواد ۵۲۳ الی ۵۴۲- مواد</b> ۵۵۵-۶۸۱-۵۵۶ و ۶۸۲</p> <p><b>قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸: مواد ۹۵ الی ۱۰۷ و</b> <b>قانون جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲: مواد ۹۵ ال</b> ۱۰۷</p>	<b>جعل و استفاده از سند مجعول</b>
<b>قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵: مواد ۵۱۸ الی ۵۲۱</b>	<b>قلب سکه و جرایم مرتبط با آن</b>
<p><b>قانون مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و</b> <b>کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷: ماده ۳</b></p> <p><b>قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵: ماده ۵۳۹ - مواد ۵۸۸</b> الی ۵۹۴- و ماده ۶۰۳</p> <p><b>قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: مواد ۱۹ و ۲۲</b></p> <p><b>قانون جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲: ماده ۱۱۸</b></p>	<b>رشاء و ارتشاء</b>

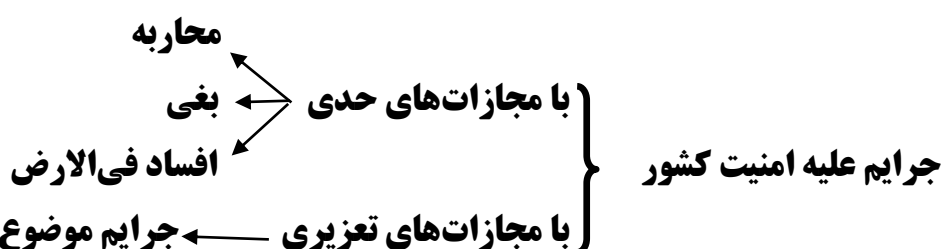
## محاربه

### جرایم علیه امنیت کشور، شامل دو دسته جرایم است:

**اول-** برخی از آنها جرایم علیه امنیت کشور با مجازات محاربه است که شامل محاربه، بغی و افساد فی الارض می باشد.

**دوم-** برخی از جرایم علیه امنیت کشور با مجازات تعزیری می باشد که شامل جرایم موضوع مواد ۴۹۸ الی ۵۱۲ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ می باشد.

دو مورد فوق به صورت ذیل قابل تقسیم بندی است:



ماده اصلی در مورد محاربه ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی می باشد:

**ماده ۲۷۹- محاربه عبارت از کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنها است، به نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد. هرگاه کسی با انگیزه شخصی به سوی یک یا چند شخص خاص سلاح بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد و نیز کسی که به روی مردم سلاح بکشد، ولی در اثر ناتوانی موجب سلب امنیت نشود، محارب محسوب نمی شود.**

مفهوم محاربه:

### محاربه به معنای جنگ و کارزار با تشکیلات حکومت اسلامی است.<sup>۱</sup>

مصدق و نمونه بارز جرایم علیه امنیت در حقوق ایران (و فقه اسلامی) محاربه می باشد<sup>۲</sup> و در بسیاری از جرایم دیگر علیه امنیت نیز، اعمال مجازات خاص پیش بینی شده در قانون علیه مرتکب **مشروط بر محارب محسوب نشدن** وی دانسته شده است. جرم محاربه در مواد ۲۷۹ الی ۲۸۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مورد اشاره قرار گرفته است.

برخی دیگر، هر چند آیه را شامل کفار در حال جنگ با مسلمانان نمی دانند ولی آن را علاوه بر مسلمانان، شامل کفاری هم که به قصد ارباب و غارت اموال مسلمانان می جنگند؛ دانسته اند.

برای شمول آیه، **کافر یا مشرک بودن محاربین شرط نیست** و حتی برخی با توجه به آیه ۳۴ سوره مائده که توبه کنندگان را از شمول آیه مستثنی کرده است؛ تنها مسلمانانی را که در مقابل دولت اسلامی به قیام مسلحانه دست می زنند؛ مشمول آیه دانسته اند. همچنین کفاری که به قصد ارباب و غارت اموال با مسلمانان می جنگند. **از مصادیق بارز محاربین قطاع الطريق هستند که با سلاح راهزنی می کنند.** علاوه بر محاربه با خدا و رسول از «افساد در زمین» نام برده شده است.

### نکته کاربردی: تفاوت اصلی محاربه و بغی: محاربه یک جرم علیه امنیت و بغی یک جرم علیه حکومت است.

<sup>۱</sup> - **محاربه** از ریشه «حرب» گرفته شده و متضاد کلمه «سلم» به معنی صلح می باشد و (در لغت نامه دهخدا) به معنای جنگیدن آمده است. از این جهت در مورد کسی که برای جنگیدن با دیگران یا ترسانیدن آنها سلاح می کشد؛ به کار می رود که وی قصد گرفتن جان یا مال یا امنیت دیگران را دارد. در آیه ۳۳ سوره مائده که اصلی ترین آیه ای است که در بحث از محاربه به آن استناد می شود: «که در زمان حکومت پیامبر اسلام بر شهر مدینه، گروهی از راهزنان به مردم و چوپانان حمله می نمودند و آنان را به وضع فجیعی به قتل می رساندند. لذا آیه ۳۳ سوره مائده در این باب نازل شد) و به معنای جنگ با مسلمانان و مظاهر حاکمیت خدا و پیامبر بوده که همان **کارزار با تشکیلات حکومت اسلامی** می باشد.

<sup>۲</sup> - مهم ترین جرایم علیه امنیت در حقوق ایران جرم محاربه، بغی و افساد فی الارض می باشد و رسیدگی به این جرایم در صلاحیت دادگاههای انقلاب است. در این مورد دیوان عالی کشور در یکی از آرای وحدت رویه خود {رای وحدت رویه شماره ۵۲۱ مورخ ۱۳۶۷/۱۲/۹} اظهار می دارد: «جرایمی که اعلام شده عنواناً در ارتباط با امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران، موضوع بند ۱ ماده واحده قانون حدود و صلاحیت دادرها و دادگاههای انقلاب مصوب اردیبهشت ماه ۱۳۶۲ می باشد که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادرهای انقلاب است... این رای بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.»

**عنصر قانونی:** مواد ۲۷۹ الی ۲۸۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲

**عنصر مادی:** رفتار فیزیکی که عبارت است از اسلحه کشیدن برای ایجاد ناامنی در محیط (برای ترساندن مردم) در فقه اینگونه گفته شده: تجرید السلاح لاخافه الناس: کشیدن سلاح برای ترساندن مردم

عناصر جرم محاربه

**عنصر روانی:** علاوه بر سوء نیت عام که مشتمل بر علم حکمی و قصد انجام رفتار مجرمانه یعنی بیرون کشیدن سلاح و استفاده از آن می‌باشد؛ سوء نیت خاص نیز باید احراز گردد که مشتمل بر علم موضوعی و به ویژه قصد نتیجه یعنی قصد تجاوز به جان و مال، ناموس مردم با قصد ترساندن مردم می‌باشد. در علم موضوعی لازم بوده، محرز گردد که مرتکب می‌داند آنچه که به کار گرفته است؛ عرفاً سلاح بوده و موجب خطر یا ترساندن مردم خواهد شد. بنابراین سوء نیت خاص شامل دو مورد ذیل است:

- قصد تجاوز به جان، مال یا ناموس مردم
- قصد ارباب مردم

**دیدگاه قانونگذار در مورد محاربه:** از نظر قانونگذار ایران، مطابق ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ محاربه «عبارت از کشیدن سلاح، به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنها است؛ به نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد.» بنابراین در محاربه: علاوه بر وجود سوء نیت عام، یعنی عمد در کشیدن سلاح (تجرید السلاح) سوء نیت خاص، یعنی قصد تعرض به جان، مال یا ناموس مردم ضرورت دارد.

### ضابطه نوعی و شخصی در تشخیص عنوان محاربه

- **ضابطه نوعی:** سببیت برای فساد عامه، اخلال در امنیت عمومی، افساد و اخلال در نظام، شکست جبهه اسلام، اسارت یا تسلیم نیروهای خودی، تسلط دشمن بر اراضی، مواضع یا افراد خودی، وارد شدن تلفات جانی به نیروهای خودی، ورود ضربه مؤثر به نیروهای مسلح، تقویت شدن دشمن.
- **بدین ترتیب:** هرگاه رفتار مرتکب در عمل موجب بروز یکی از نتایج سوء فوق گردد؛ عمل او از یک جرم ساده به جرم محاربه تغییر ماهیت خواهد داد.
- **ضابطه شخصی:** از سوی دیگر گاهی با اعمال یک ضابطه شخصی به دلیل قصدی که در ایجاد اخلال و برهم زدن امنیت و... محارب محسوب گردیده است. در صورتی که انجام اعمال فوق به قصد براندازی حکومت و ایجاد فساد (ضابطه شخصی یا ذهنی) یا در مواردی که در نتیجه اعمال مذکور لطمات جبران ناپذیری به عملیات نظامی وارد آید (ضابطه عینی یا نوعی) مرتکب به مجازات محارب محکوم می‌شود.

**سوال:** فرض کنید در یک جرمی قصد اولیه شخصی از کشیدن سلاح حمله به هواپیما یا قطار باشد اما غیرمستقیم عمل او موجب ترس مردم شود؛ عمل او محاربه محسوب می‌شود؟ به بیان دیگر، آیا قصد تعرض به جان، مال یا ناموس مردم باید مستقیماً باشید یا غیر مستقیم نیز امکانپذیر است؟ در پاسخ باید گفت که داشتن قصد غیر مستقیم نیز کفایت می‌کند؛ مثال: هرگاه قصد و نیت اولیه شخصی از کشیدن سلاح، ربودن هواپیما باشد؛ همین که می‌داند که این کار وی موجب سلب امنیت خواهد شد؛ در واقع می‌توان گفت که قصد غیر مستقیم سلب امنیت را دارد و در نتیجه محارب محسوب خواهد شد. از همین رو، ماده ۲۸۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲، راهزنان، سارقان و قاچاقچیان را که دست به سلاح ببرند و موجب سلب امنیت مردم و راه‌ها شوند؛ محارب دانسته است.

از متن ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی معلوم می‌شود که مقنن نظر مشهور فقها را که ارتکاب محاربه را از سوی زن یا مرد، در شهر یا در خارج از شهر و در شب و روز ممکن می‌دانند (به عبارتی در خشکی و دریا و هوا: برآ و بحراً و جواً)؛ پذیرفته و از این جهت محدودیتی برای شمول ماده قائل نشده است که در واقع همان نظر امام خمینی در تحریرالوسیله است.<sup>۱</sup>

از این گذشته استفاده از واژه مردم در ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ دلالت بر آن دارد که برای صدق عنوان محاربه باید نوعی عمومیت در جرم وجود داشته باشد: از همین رو در ادامه ماده ۲۷۹ آمده است: «...هرگاه کسی با انگیزه شخصی به سوی یک یا چند شخص خاص سلاح بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد... محارب محسوب نمی‌شود.»

**مثال کاربردی:** کسی که برای انتقام گیری و زهر چشم گرفتن از همسایه، صاحبخانه یا مغازه دار، بر روی او چاقو کشیده یا به روی او اسید می‌پاشد؛ به دلیل اینکه جرم جنبه عمومی ندارد؛ محاربه محسوب نمی‌شود.

**مثال کاربردی:** فردی که با به کار گرفتن شخص دیگری، به صورت دختری که به خواستگاری وی جواب رد داده بوده و نیز به صورت خواهر وی اسید پاشیده بود؛ به دلیل اینکه جرم جنبه عمومی ندارد؛ محاربه محسوب نمی‌شود.

**نکته:** بنابراین: سلاح کشیدن با انگیزه شخصی از شمول ماده ۲۷۹ خارج است.

### شرط فوق، توسط اداره حقوقی قوه قضائیه نیز مورد تأکید قرار گرفته است:

**نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه به شماره ۷/۱۲۵۷ مورخ ۱۳۷۱/۶/۳** ضمن تأکید بر لزوم عمومی بودن عمل اسلحه کشیدن برای شمول ماده ۱۸۳، مواردی را که جنبه عمومی ندارد؛ مشمول ماده ۱۱۳ قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۶۲ (ماده ۶۹۹ قانون تعزیرات فعلی)<sup>۲</sup> در مورد تهدید کردن افراد به قتل یا ضررهای نفسی یا شرفی یا مالی یا افشاء سر دانسته است.<sup>۳</sup> البته اینکه در عمل هم تعداد زیادی مرعوب رفتار مرتکب شوند؛ ضرورتی ندارد؛ چنانکه در جواهر الکلام در ذیل عبارت «لاخافه الناس/ برای ترساندن مردم» توضیح می‌دهد در محاربه چنانکه یک نفر هم بترسد؛ امکانپذیر است «و لو یک نفر را هم بترساند».

نکته دیگری که از ماده ۲۷۹ استنباط می‌شود؛ **مقید بودن جرم محاربه است؛** زیرا بنا به تصریح ماده: «کسی که به روی مردم سلاح بکشد؛ ولی در اثر ناتوانی موجب سلب امنیت نشود؛ محارب محسوب نمی‌شود.» ناتوانی مورد اشاره می‌تواند هر نوع ناتوانی، اعم از جسمی، روحی، مهارتی و ..... باشد؛ مثل اینکه یک فرد **ضعیف الجثه، زبون یا ناآشنا** با به کار بردن یک سلاح پیچیده آن را به روی دیگران نشانه رود؛ در حالی که همه می‌دانند که وی توان جسمی، روحی یا مهارتی لازم را برای استفاده از آن سلاح ندارد (البته گاه نداشتن مهارت، خود برای دیگران رعب آور است). و یا بر این نکته واقف هستند که آن سلاح اساساً خالی و فاقد فشنگ جهت تیراندازی است. گاه ممکن است خود مرتکب به گونه‌ای برخورد کرده یا کلماتی را بر زبان براند که از ترسیدن مردم و در نتیجه، سلب امنیت جلوگیری نماید؛

**مثال کاربردی:** شخصی جهت نشان دادن میزان شجاعت و دشمن ستیزی خود، ضمن چرخاندن قمه خود در هوا، فریاد بزند که اگر شما مزدوران دشمن بودید؛ همه را از دم تیغ می‌گذراندم.

**مثال کاربردی:** شخصی که شوخ طبع است و این موضوع برای مخاطبان روشن باشد؛ اقداماتی انجام دهد که به دلیل مزاح بودن سخنش توسط مردم جدی گرفته نشود.

<sup>۱</sup> - نظر مشهور فقها در مورد محاربه: (المحاربه، وهی تجرید السلاح برآ أو بحراً لیلاً أو نهاراً لإخافه الناس فی مصر وغیره من ذکر أو أنثی، قوی أو ضعیف من أهل الریبه أم لا قصد الإخافه أم لا علی أصح الأقوال لعموم الآیه المتناول لجميع من ذکر؛ محاربه به معنای برهنه کردن سلاح در خشکی یا دریا، در هنگام شب یا روز برای ترساندن مردم شهر یا غیر شهر است. هرچند امروزه مسئله هواپیما هم به خشکی و دریا اضافه می‌شود و باید بگوییم برآ و بحراً و جواً. در محاربه تفاوتی میان اینکه فاعل این کار مرد است یا زن وجود ندارد. همچنین فرقی نمی‌کند که فاعل قوی باشد یا ضعیف و از افراد شرور باشد یا نباشد؛ چرا که بعضی شرط کرده‌اند که فاعل محاربه باید اهل ریه باشد؛ یعنی اهل شر باشد. همچنین تفاوتی ندارد که قصد ترساندن داشته باشد یا نداشته باشد، ولی اگر قصد ترساندن نداشته باشد، بدون اشکال نیست.)

<sup>۲</sup> - ماده ۶۹۹: «هر کس عالمأ عامداً به قصد متهم نمودن دیگری آلات و ادوات جرم یا اشیایی را که یافت شدن آن در تصرف یک نفر موجب اتهام او می‌گردد بدون اطلاع آن شخص در منزل یا محل کسب یا جیب یا اشیایی که متعلق به او است بگذارد یا مخفی کند یا به نحوی متعلق به او قلمداد نماید در اثر این عمل شخص مزبور تعقیب گردد، پس از صدور قرار منع تعقیب و یا اعلام برائت قطعی آن شخص، مرتکب به حبس از شش ماه تا سه سال و یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می‌شود.»

<sup>۳</sup> - در نظریه مشورتی شماره ۷/۱۲۵۷ - ۱۳۷۱/۶/۳ اداره حقوقی قوه قضائیه آمده است: «اسلحه کشیدن به روی مردم، اگر جنبه عمومی داشته باشد و باعث رعب و هراس و سلب آزادی و امنیت مردم باشد طبق ماده ۱۸۳ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ حکم محارب را دارد ولی اگر جنبه عمومی نداشته باشد طبق تبصره ۲ ماده فوق محارب نیست...»

**نکته: کشیدن سلاح مستلزم شلیک اسلحه نمی‌باشد؛** بنابراین حتی اگر مرتکب، مثلاً هفت تیری را که به سوی مردم نشانه رفته است؛ شلیک نکند وی ممکن است در صورت سلب امنیت، مرتکب جرم محاربه محسوب شود.

**معنای سلاح: به هر وسیله‌ای گفته می‌شود که عرفاً سلاح و وسیله نزع تلقی شود؛ اعم از سرد و گرم.**

تقسیم بندی نظرات فقها در مورد معنای سلاح	
گروه اول	این گروه؛ سلاح را محدود به سلاح آهنین مانند قمه، شمشیر و چاقو کرده‌اند و وسایلی مانند چوب، سنگ و تازیانه را از شمول سلاح خارج دانسته‌اند.
گروه دوم	این گروه؛ استفاده از سنگ و چوب و عصا و تازیانه را برای تحقق عنوان محاربه کافی دانسته‌اند. این گروه در مواردی که مردی در خانه گروهی آتش افکنده و خانه و اشیاء داخل آن را سوزانده، حکم به پرداخت قیمت اثاثیه و کشته شدن وی داده‌اند.
گروه سوم	این گروه؛ مطلق اخذ بقوه و به کار بردن زور و قهر و غلبه، حتی با استفاده از توان و قدرت بدنی را کافی می‌دانند. این نظر، موسع‌ترین نظر است.

با پذیرش نظر گروه اول و دوم که موسع‌تر است، سلاح را می‌توان اعمال ذیل هم دانست:

- شکستن سد و سرازیر کردن آب به سوی خانه‌های مردم
- پاشیدن فلفل یا اسید بر روی آنها
- پخش کردن مواد آلوده و مسموم در هوا

با لحاظ مقررات قانونی<sup>۱</sup> می‌توان ملاک تشخیص سلاح بودن یا نبودن یک وسیله را احراز نمود؛ با این بیان که ماده ۵ قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیر مجاز مصوب ۱۳۹۰ به طور کلی، به سلاح‌هایی مثل سلاح سرد جنگی، سلاح گرم سبک غیر خودکار، سلاح گرم سبک خودکار و سلاح گرم نیمه سنگین و سنگین اشاره کرده است و ماده ۱۱ آن به موادی مثل رادیو اکتیو، میکروبی، منفجره، ناربه (آتش زا)، محترقه، شوک دهنده و گازهای بی حس کنند، بی‌هوش کننده و اشک آور تحت عنوان «**اقلام و مواد تحت کنترل**» اشاره کرده است.

مصادیق اسلحه و سلاح در ماده ۵ و ۱۱	مواد مرتبط با موضوع از قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیر مجاز مصوب ۱۳۹۰
۱. سلاح سرد جنگی و شکاری	<b>ماده ۲-</b> مقصود از سلاح و مهمات در این قانون انواع سلاح‌های گرم و سرد جنگی و شکاری اعم از گلوله‌زنی و غیر گلوله‌زنی و مهمات مربوط به آنها است.
۲. سلاح گرم سبک غیر خودکار	تبصره - اسلحه لیزری و آن دسته از شبه سلاح‌هایی که به دلیل مشابهت و کاربرد، قابلیت جایگزینی سلاح را دارند از حیث احکام مندرج در این قانون، حسب مورد تابع احکام سلاح گرم قرار می‌گیرند و سلاح‌های آموزشی و بی‌هوش کننده تابع احکام سلاح شکاری می‌باشند.
۳. سلاح گرم سبک خودکار	<b>ماده ۳-</b> اقلام و مواد تحت کنترل عبارت از انواع مواد محترقه، ناربه، منفجره اعم از نظامی و غیرنظامی، شیمیایی، رادیواکتیو، میکروبی، گازهای بی‌هوش کننده، بی‌حس کننده و اشک آور و شوک‌دهنده‌ها (شوکرها) و تجهیزات نظامی و انتظامی است.
۴. سلاح گرم نیمه سنگین و سنگین	<b>ماده ۵-</b> هر کس مرتکب قاچاق سلاح گرم یا سرد جنگی یا سلاح شکاری یا قطعات مؤثر یا مهمات آنها شود یا نسبت به ساخت، مونتاژ، فروش یا توزیع هر یک از آنها اقدام کند به ترتیب زیر به حبس تعزیری محکوم می‌شود:
۵. مواد رادیواکتیو یا میکروبی	الف - سلاح سرد جنگی، سلاح شکاری یا مهمات آن، به حبس از شش ماه تا دو سال
۶. مواد منفجره نظامی یا شیمیایی	ب - سلاح گرم سبک غیر خودکار، مهمات یا قطعات مؤثر آن، به حبس از دو تا پنج سال
۷. مواد ناربه یا منفجره غیر نظامی	پ - سلاح گرم سبک خودکار، مهمات یا قطعات مؤثر آن، به حبس از پنج تا ده سال
۸. گازهای بی‌حس کننده، بی‌هوش کننده و اشک آور	
۹. مواد محترقه و شوک‌دهنده‌ها (شوکرها)	

<sup>۱</sup> - از جمله مصوباتی که قبل از قانون مصوب ۹۰ در خصوص تقسیم بندی انواع سلاح مورد اشاره قرار گرفته، آیین نامه وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، در اجرای تبصره ۲ ماده ۱ قانون تشدید مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و قاچاقچیان مسلح، مصوب سال ۱۳۵۰ اقدام به اعلام فهرست **انواع اسلحه سرد جنگی، شکاری، مواد منفجره و مواد محترقه نموده** بود که قابل تقسیم بندی به همین ۴ بخش بود. این قانون با تصویب قانون مصوب ۹۰ صراحتاً نسخ شده است.

	<p>ت - سلاح گرم نیمه‌سنگین و سنگین، مهمات یا قطعات مؤثر آن، به حبس از ده تا پانزده سال تبصره - هرگاه موضوع جرم این ماده بیش از یک قبضه یا قطعات مؤثر از چند قبضه باشد مجازات مرتکب <b>حسب مورد یک درجه تشدید می‌شود.</b></p> <p><b>ماده ۱۱-</b> هر کس مرتکب قاچاق اقلام یا مواد تحت کنترل شود یا به ساخت و مونتاژ هر یک از آنها اقدام کند به ترتیب زیر به مجازات تعزیری محکوم می‌شود:</p> <p>الف - مواد رادیواکتیو یا میکروبی، به حبس از بیست و پنج تا سی سال</p> <p>ب - مواد منفجره نظامی یا شیمیایی، به حبس از پنج تا ده سال</p> <p>پ - مواد ناریه یا منفجره غیرنظامی، به حبس از دو تا پنج سال و جزای نقدی یک تا دو برابر ارزش مواد کشف شده و در صورتی که هدف از ارتکاب جرم مقاصد غیرامنیتی از قبیل بهره‌برداری غیرمجاز از معادن باشد، به حبس از شش ماه تا دو سال</p> <p>ت - گازهای بی‌حس‌کننده، بیهوش‌کننده و اشک‌آور به حبس از دو تا پنج سال</p> <p>ث - مواد محترقه و شوک‌دهنده‌ها (شوکرها)، به حبس از شش ماه تا دو سال</p>
--	---

همچنین آیین‌نامه اجرایی قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز مصوب ۹۲،<sup>۱</sup> سلاح سرد را عبارت از وسایل و ادواتی دانسته است که برخلاف اسلحه‌های گرم در اثر استفاده، صدا، شعله و حرارت ایجاد نموده و اصابت آنها به بدن منجر به «ایجاد پارگی، خونریزی، از کارافتادن موقت یا دائم اعضا و نهایتاً آسیب جسمی، روحی یا فوت می‌شود.» با توجه به این تعریف، سلاح محسوب شدن آلای مثل قیچی، چکش، تبر و تیغ موکت بری بعید نیست. قانون دیگری که به سلاح اشاره داشته است؛ تبصره الحاقی مصوب ۱۳۷۸ به بند ۳ ماده ۶۵۱ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ می‌باشد: بند ۳ ماده ۶۵۱ قانون تعزیرات مصوب ۷۵، یکی از شرایط سرقت های موضوع ماده را مسلح بودن یک یا چند نفر از سارقان به سلاح ظاهر یا مخفی دانسته است. انواع این اسلحه یا سلاح‌ها:

- ۱ - ماده ۱ آیین‌نامه: اصطلاحات به کار رفته در قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز - مصوب ۱۳۹۰ - که از این پس در این آیین‌نامه قانون نامیده می‌شود و این آیین‌نامه در معانی مشروح زیر به کار می‌روند:
  - الف - سلاح گرم: سلاحی که با استفاده از نیروی گاز باروت (نیروی حاصل از احتراق پیشرانه) یا به صورت دستی مسلح شده و توانایی پرتاب یک یا چند گلوله را به صورت تکی (تک تیر) و یا متوالی (رگبار) دارد و به سه دسته زیر تقسیم می‌شود:
    - ۱- **سلاح گرم سبک (سلاح کوچک):** سلاحی که برای استفاده انفرادی طراحی و ساخته شده و توسط یک نفر قابل حمل و بهره‌برداری است و کالیبر آنها از (۵/۵) میلی‌متر تا کمتر از (۱۲/۷) میلی‌متر و در بعضی انواع از (۰/۲۲) الی (۰/۳۸) اینچ می‌باشد و به دو نوع زیر تقسیم می‌شود:
      - نوع اول - **سلاح گرم سبک خودکار:** سلاحی که معمولاً دارای مکانیزم آتش حداقل دو وضعیتی (ضامن - شلیک) می‌باشد و با خشاب یا نوار فشنگ‌گذاری شده و خروج پوکه به صورت خودکار توسط مکانیزم سلاح انجام می‌شود و چنانچه برکه ناظم آتش آنها در حالت تک تیر قرار داده شود با هر بار فشار ماشه یک گلوله شلیک و در حالت سه تیر یا رگبار با هر بار فشردن ماشه بیش از یک گلوله شلیک می‌کند.
      - نوع دوم - **سلاح گرم سبک غیر خودکار:** سلاحی که توانایی یک بار شلیک با فشردن ماشه را داشته و غالباً فشنگ‌گذاری آن به صورت دستی انجام و پوکه آن به صورت دستی از سلاح خارج می‌شود.
    - ۲- **سلاح گرم نیمه سنگین:** سلاحی که به وسیله دو یا سه نفر خدمه استفاده می‌شود و بعضی از انواع آن می‌تواند توسط یک نفر حمل و استفاده شود و کالیبر آنها از (۱۲/۷) تا (۱۰۶) میلی‌متر می‌باشد.
    - ۳- **سلاح گرم سنگین:** ادوات و تجهیزاتی که حمل و نقل آنها به بیش از سه نفر نیروی انسانی یا امکانات لجستیکی نیاز دارد و هدایت آتش آنها توسط سامانه‌های جانبی انجام می‌شود و کالیبر آنها بالاتر از ۱۰۶ میلی‌متر می‌باشد، از قبیل توپ (۱۳۰) میلی‌متری و توپ (۱۵۵) میلی‌متری.
  - ب - **سلاح سرد:** وسایل، آلات و ادواتی که برخلاف اسلحه‌های گرم در اثر استفاده، صدا، شعله و حرارت ایجاد نموده و اصابت آنها به بدن منجر به ایجاد پارگی، خونریزی، از کار افتادن موقت یا دائم اعضا و نهایتاً آسیب جسمی و روحی یا فوت می‌شود.
  - پ - **سلاح سرد جنگی:** سلاحی که از آن در نیروهای مسلح برای نبرد تن به تن و دفاع شخصی استفاده می‌گردد، از قبیل سرنیزه قابل نصب روی سلاح جنگی و کارد سنگر و تیر و کمان غیرمعارف.
  - ت - **سلاح جنگی:** سلاحی که صرفاً توسط نیروهای مسلح استفاده و به سه دسته سبک، نیمه سنگین و سنگین تقسیم می‌شود.
  - ث - **سلاح شکاری:** سلاحی گرم و سبک که به منظور شکار، حفاظت از احشام و مزارع، آموزش و مسابقه به کار می‌رود و به انواع ساچمه‌زنی، خفیف‌های بلند و گلوله‌زنی غیر خودکار که خارج از سازمان رزم نیروهای مسلح می‌باشد (اعم از گلنگدنی، نیمه اتوماتیک، زیر بازشو، رو بازشو و خفیف) تقسیم می‌شود.
  - ج - **مهمات:** مظروفی با اشکال و ابعاد معین که محتوی باروت یا پیشرانه‌ای مشخص بر حسب نوع مشخصات سلاح می‌باشد که بر اثر فعال شدن توسط مکانیزم اسلحه می‌تواند پرتابه همراه خود را به فاصله تعیین شده پرتاب کند. مهمات هر سلاح با کالیبر یا نام آن اسلحه معرفی می‌شود. در بعضی انواع مهمات به منظور ایجاد ترکش و تخریب از مواد منفجره یا محترقه آتش‌زا استفاده می‌شود از قبیل نارنجک دستی یا تفنگی، انواع مین ضدنفر و مین ضدتانک و انواع بمب‌ها.
  - چ - **سلاح لیزری:** سلاحی که توسط آن امواج همسان تقویت شده از جنس نور به شکل ممتد یا متناوب تولید می‌شود و توانایی از بین بردن، آسیب‌رسانی و از کارافتادگی موقت یا دائم انسان یا موجودات زنده یا اشیاء را دارد.
  - ح - **شبه سلاح:** وسایلی که به دلیل شباهت ظاهری و کاربردی، می‌توانند به منظور سوء استفاده و اقدام مجرمانه جایگزین سلاح گرم شوند، از قبیل انواع کلت‌های گازی ساچمه‌زن و تولید صدا و انواع اسلحه صوتی با فرکانس‌های مختلف.
  - خ - **سلاح آموزشی:** سلاحی که به نحوی در آموزش تیراندازی استفاده می‌شود، از قبیل اسلحه‌های ورزشی، گلوله‌زن، ساچمه‌زن و خفیف.
  - د - **سلاح بیهوش‌کننده:** سلاحی که عمدتاً برای تزریق مواد بیهوش‌کننده به حیوانات از آنها استفاده می‌شود و در آن کپسول حاوی مواد بیهوش‌کننده با فشار هوای فشرده به سمت هدف پرتاب شده و با مکانیزم بعدی، عمل تزریق انجام می‌پذیرد.

**(انواع سلاح)****تبصره الحاقی مصوب ۱۳۷۸ به بند ۳ ماده ۶۵۱ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵**

- ۱. انواع سلاح گرم از قبیل تفنگ و نارنجک.
- ۲. انواع سلاح سرد از قبیل قمه، شمشیر، کارد، چاقو و پنجه بوکس.
- ۳. انواع سلاح سرد جنگی مشتمل بر کاردهای سنگری متدوال در نیروهای مسلح یا مشابه آن و سرنیزه‌های قابل نصب بر روی تفنگ.
- ۴. انواع سلاح شکاری شامل تفنگ ساچمه زنی، تفنگ‌های مخصوص بیهوش کردن جانداران و تفنگ‌های ویژه شکار حیوانات آبی»

ملاحظه می‌شود که مطابق با این تعبیر قانونی که **تکیه بر عرف مرسوم** در شناسایی سلاح سرد دارد؛ به راحتی نمی‌توانیم ابزار آلاتی نظیر چکش، ساتور و ... را سلاح سرد تلقی کنیم.

**نکته:** منظور از سلاح آن چیزی است که برای نزاع و جنگیدن ساخته شده است یا به کار می‌رود و معنای آن از لحاظ زمانی و مکانی متغیر است.

**نکته:** بنابراین ضابطه، دیدگاه عرف است که برداشتن از سلاح یا اسلحه چه می‌باشد. عرف سلاح را اعم از گرم و سرد می‌داند.

**نکته:** صرف اینکه ابزار خاصی اصالتاً برای کاری غیر از نزاع ساخته شده است؛ لزوماً باعث خروج آن از عنوان سلاح نمی‌شود؛ بدین ترتیب مثلاً چه بسا یک ساتور قصابی یا تبر را هم بتوان با استناد از آیین نامه مصوب ۱۳۹۲، سلاح سرد محسوب کرد.

**نکته:** اگر شخصی بر روی مردم سلاح بکشد ولی در اثر ناتوانی او، موجب سلب امنیت نشود؛ از شمول ماده ۲۷۹ (محارب) خارج است.

مصادیق اسلحه گرم	مصادیق اسلحه سرد
تفنگ - هفت تیر - مسلسل - توپ - تانک	چاقو - شمشیر - قمه - نیزه - خنجر - دشنه -
بنابراین ابزاری مانند عصا، سنگ، چوب، تازیانه، ادویه جاتی مانند فلفل، اعمالی مانند اسیدپاشی، آتش زدن از شمول ماده خارج است.	

**راهزنی و سرقت مسلحانه**

مطابق ماده ۲۸۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲: «**راهزنان، سارقان و قاچاقچیان که دست به سلاح ببرند و موجب سلب امنیت مردم و راه‌ها شوند محاربند.**»

به نظر می‌رسد این ماده شامل کلیه افرادی نیز، خواهد شد که در اجرای یک طرح مشترک و هماهنگ در باندهای سرقت، راهزنی و قاچاق مسلحانه شرکت دارند؛ هر چند که تنها تعدادی از افراد باند در صحنه عملیات دست به سلاح برده باشند.

منظور از سلاح در ماده ۲۸۱ مانند ماده ۲۷۹ و سایر موادی که در آنها از سلاح نام برده شده است؛ سلاح واقعی و نه سلاح تقلبی و بدلی است؛ اما سرد یا گرم و پر یا خالی بودن آن تفاوتی ایجاد نمی‌کند.

**مثال کاربردی:** چنانچه شخصی هر گونه کالا که مورد نیاز ضروری جامعه بوده را از دسترس مردم خارج کند به نحوی که نبود آن کالا موجبات هرج و مرج و نارضایتی عمومی را در میان مردم فراهم آورد و غالباً نیز فراگیر می‌شود که باعث ناتوان جلوه دادن دولت می‌گردد؛ نیز به طور محرز و قطع به یقین، **مسببان این گونه اعمال محاربند.**

شبهه جرم موضوع ماده ۲۸۱ در ماده ۶۵۳ قانون تعزیرات مصوب ۷۵ پیش‌بینی شده است: «**هر کس در راه‌ها و شوارع به نحوی از انحاء مرتکب راهزنی شود در صورتی که عنوان محارب بر او صادق نباشد به سه تا پانزده سال حبس و شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم می‌شود.**»

تطبیق ماده ۲۸۱ ق.م.ا مصوب ۹۲ با ماده ۶۵۳ قانون تعزیرات		
ماده ۶۵۳	ماده ۲۸۱	متن ماده
«هرکس در راهها و شوارع به نحوی از انحاء مرتکب راهزنی شود در صورتی که عنوان محارب بر او صادق نباشد به سه تا پانزده سال حبس و شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم می‌شود.»	«راهزنان، سارقان و قاچاقچیان که دست به سلاح ببرند و موجب سلب امنیت مردم و راهها شوند محاربند.»	
دست به سلاح بردن ضرورتی ندارد؛	دست به سلاح بردن ضروری است؛	
مکان این جرم مختص به راهها و شوارع است (اعم از اینکه داخل یا خارج شهر باشد)؛	مکان این جرم مختص به راهها و شوارع نیست؛ (مثلاً در یک ورزشگاه یا گردشگاه عمومی اتفاق افتاده باشد).	تفاوت ها
باید راهزنی ارتکاب یابد؛	هر چند هدف راهزنی است، اما تحقق جرم مستلزم راهزنی در عمل نیست؛ بلکه آنچه برای تحقق جرم باید رخ بدهد؛ بر هم خوردن امنیت مردم یا راهها می‌باشد.	
بنابراین به پیروی از اصل کلی و نیز با توجه به تصریح ماده ۶۵۳ قانون تعزیرات، ابتدا باید شمول ماده ۲۸۱ را نسبت به مرتکب، مورد بررسی قرار داد و تنها در صورت عدم شمول ماده اخیرالذکر نوبت به اعمال ماده ۶۵۳ خواهد رسید؛ زیرا ماده ۶۵۳ نیز بر این نکته تأکید کرده است که مرتکب «در صورتی که عنوان محارب بر او صادق نباشد» مشمول ماده مذکور قرار خواهد گرفت؛ پس:		نتیجه
نه تنها ماده ۲۸۱ ماده ۶۵۳ را نسخ نکرده بلکه حتی ظاهراً تخصیص هم نکرده است.		

### مقابله با محارب

ماده ۲۸۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ که جانشین ماده ۱۸۴ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ شده است؛ اشعار می‌دارد: «**فرد یا**

**گروهی که برای دفاع و مقابله با محارب دست به اسلحه ببرد محارب نیست.**»

**سوال: آیا منظور از عبارت «محارب نیست» آن است که آیا آن شخص اساساً مجرم نیست؛ یا اینکه مجرم است اما محارب**

**محسوب نمی‌شود؟ پاسخ به این سوال، بستگی به شرایط عمل این افراد دارد؛** هرگاه شرایط دفاع مشروع، مذکور در ماده ۱۵۶ قانون

مجازات اسلامی مصوب ۹۲، وجود داشته باشد؛ از جمله اینکه تجاوز یا خطر، فعلی یا قریب‌الوقوع بوده و دفاع برای دفع آن ضرورت داشته و

مراحل آن رعایت شده باشد و توسل به قوای دولتی هم عملاً ممکن نبوده یا مداخله آنان در دفع تجاوز و خطر، موثر واقع نشود؛ آنگاه می‌توان

گفت که افراد مورد اشاره در ماده ۲۸۰ اساساً مجرم نبوده و هیچ مجازاتی را تحمل نخواهند کرد؛ لیکن، هر گاه این افراد بدون رعایت همه یا

برخی از شرایط مذکور، مثلاً به قصد انتقام‌گیری پس از اتمام عمل محارب با اسلحه، با آنان درگیر شوند؛ آنگاه نمی‌توانند از مسئولیت

کیفری به استناد دفاع مشروع بگریزند؛ **ولی حتی در این حالت هم، به دلیل فقدان سوء نیت خاص لازم برای جرم محاربه، یعنی**

**قصد سلب امنیت عمومی، آنان محارب محسوب نمی‌شوند؛** هر چند که ممکن است به ارتکاب اعمالی مثل ایراد ضرب و جرح

**و تخریب محکوم شوند.**

### مجازات محاربه

#### مجازات محاربه (ماده ۲۸۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲)

قانون در مورد نحوه بریدن دست و پا ساکت است اما ماده ۱۹۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ گفته بود که این امر به همان گونه‌ای صورت می‌گیرد که در حد سرقت عمل می‌شود و در مورد حد سرقت بندهای الف و ب ماده ۲۰۱ قانون مصوب ۱۳۷۰ و بندهای الف و ب ماده ۲۷۸ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۹۲، قطع انگشت دست راست را از انتهای آن به طوری که انگشت شست و کف دست باقی بماند و قطع پای چپ را از پایین برآمدگی به نحوی که نصف قدم و مقداری از محل مسح باقی بماند؛ پیش‌بینی کرده است.	دیدگاه مقنن در مورد نحوه بریدن دست و پا:
---	--



<p>در مورد صلب علی رغم سکوت قانون مجازات مصوب ۹۲، همانطور که ماده ۱۹۵ قانون مجازات سابق، مصوب ۱۳۷۰ گفته، منظور از صلب، بستن فرد به مدت سه روز بر روی دار به طوری که نحوه بستن منجر به مرگ او نشود و اگر ظرف سه روز نمیرد باید پایین آورده شود و نمی شود دیگر او را کشت.</p>	<p><b>دیدگاه قانونگذار در مورد صلب:</b></p>
<p>نفی بلد مانند تبعیدی که امروزه می شناسیم نیست؛ بلکه از آن سخت تر است؛ زیرا بنا به تصریح ماده ۲۸۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ در نفی بلد <b>محارب باید تحت مراقبت قرار گیرد و با دیگران معاشرت و مراوده و رفت و آمد نداشته باشد.</b> به علاوه محارب، در صورتی که توبه نکند همچنان در تبعید باقی می ماند و <b>مدت نفی بلد در هر حال کمتر از یک سال نیست (مهم).</b> همچنین علاوه بر مجازات اصلی، امکان انتشار حکم محکومیت قطعی نیز برای محکومان به حد، طبق بند ۳ ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲، پیش بینی شده است؛ که طبق ماده ۳۶، در جرم محاربه، <b>در یکی از روزنامه های محلی در یک نوبت است.</b></p>	<p><b>دیدگاه قانونگذار در مورد نفی بلد:</b></p>

**سوال: مقنن از میان دو قول راجع به تخییر و ترتیب در تعیین مجازات محارب، کدام قول را پذیرفته است؟<sup>۱</sup>** مقنن قول اول (تخییر) را پذیرفته و ماده ۲۸۳ مصوب ۹۲ در اشاره به مجازات های چهارگانه مذکور در ماده ۲۸۲، مقرر می دارد: «انتخاب هر یک از امور چهارگانه مذکور در ماده ۲۸۲ به اختیار قاضی است.» بنابراین اعم از اینکه محارب اقدام به کشتن یا مجروح کردن یا تصاحب اموال دیگران نموده یا ننموده باشند؛ تأثیری در مجازات او ندارد.

## اثبات محاربه

قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ ( در بخش ششم) در مورد ادله اثبات در امور کیفری، اثبات کلیه جرایم به جز موارد مستثنی شده را **با یک بار اقرار یا شهادت دو مرد عادل ممکن دانسته است** که محاربه در زمره جرایم مستثنی شده نمی باشد. البته قانون سابق (یعنی ماده ۱۸۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، اثبات محاربه را با یک اقرار و شهادت دو مرد عادل ممکن دانسته بود). همچنین با تکیه بر ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ و نظر مشهور در فقه امامیه، می توان گفت که جرم محاربه با **علم یقین آور قاضی** نیز به شرط وجود شرایط مذکور در ماده ۲۱۱ و تبصره آن، قابل اثبات می باشد و حتی «در صورتی که علم قاضی با ادله قانونی دیگر در تعارض باشد... آن ادله برای قاضی معتبر نیست...»

**بنابراین: محاربه (و افساد فی الارض) به یکی از روش های زیر اثبات می شود:**

**۱- با یک بار اقرار مرتکب:** به شرط آنکه اقرار کننده بالغ و عاقل بوده و اقرار با قصد و اختیار باشد و با واقعیت نیز تطبیق داشته باشد.

**۲- با شهادت دو مرد عادل:** شهادت مردمی که مورد تهاجم محاربان قرار گرفته اند، به نفع یکدیگر پذیرفته نمی شود بنابراین هر گاه عده ای از اشخاص مورد تهاجم محاربان قرار گرفته باشند؛ شهادت اشخاصی که بگویند به ما آسیب نرسیده نسبت به دیگران پذیرفته می شود. همچنین شهادت اشخاصی که مورد تهاجم قرار گرفته اند؛ اگر شکایت شخصی نباشد؛ بلکه منظور، اثبات محارب بودن مهاجمین باشد؛ این شهادت مورد پذیرش قرار می گیرد.

**۳- علم القاضی:** حتی در صورتی که علم قاضی با ادله قانونی دیگر در تعارض باشد؛ (پذیرفته شده است).

**اثبات محاربه: ← یک بار اقرار + شهادت دو مرد عادل + علم القاضی**

<sup>۱</sup> - البته در بین فقهای امامیه ۲ نظریه وجود دارد:

**نظریه اول:** این است که هر گاه محارب اقدام به کشتن دیگری نموده باشد؛ اعم از اینکه اولیای دم رضایت بدهند یا رضایت ندهند مجازات محارب اعدام (قتل) می باشد و چنانچه اقدام به کشتن یا مجروح کردن دیگران ننموده باشد مجازات محارب عبارتست از تبعید به مناطق محروم.

**نظریه دوم:** نظریه ای که در قانون مجازات اسلامی نیز آمده است.

**۲- ماده ۲۱۱-** علم قاضی عبارت از یقین حاصل از مستندات بین در امری است که نزد وی مطرح می شود. در مواردی که مستند حکم، علم قاضی است، وی موظف است قرائن و امارات بین مستند علم خود را به طور صریح در حکم قید کند.

**تبصره-** مواردی از قبیل نظریه کارشناس، معاینه محل، تحقیقات محلی، اظهارات مطلع، گزارش ضابطان و سایر قرائن و امارات که نوعاً علم آور باشند می تواند مستند علم قاضی قرار گیرد. در هر حال مجرد علم استنباطی که نوعاً موجب یقین قاضی نمی شود، نمی تواند ملاک صدور حکم باشد.

## مجازات محاربه

مطابق ماده ۲۸۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ حد محاربه یکی از چهار مجازات زیر است:

الف - اعدام

ب - صلب

پ - قطع دست راست و پای چپ

ت - نفی بلد

نکته: انتخاب هر یک از مجازات‌های فوق در اختیار قاضی است.

کدینگ جهت حفظ مطلب: ناقص: نفی بلد/ اعدام/ قطع دست راست و پای چپ/ صلب

## شروع به جرم محاربه و معاونت در آن

در قانون مجازات سابق مصوب ۱۳۷۰، مجازاتی برای شروع به محاربه پیش‌بینی نشده بود. ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲،<sup>۱</sup> مجازات شروع به جرایم مختلف را بر اساس میزان مجازاتی که برای آنها در قانون مقرر شده، تعیین کرده است:

**بند الف ماده ۱۲۲: مجازات شروع به جرایمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات می‌باشد ← حبس تعزیری درجه چهار**

**بند ب ماده ۱۲۲، مجازات شروع به جرم جرایمی که مجازات قانونی آنها قطع عضو می‌باشد ← حبس تعزیری درجه پنج**

**سوال: با توجه به اینکه هم سلب حیات و هم قطع عضو از زمره مجازات‌های چهارگانه پیش‌بینی شده در قانون برای جرم**

**محاربه می‌باشد؛ آیا می‌توان بر اساس یکی از دو بند فوق برای شروع به محاربه مجازات تعیین کرد؟** در پاسخ باید گفت؛ از یک

سو، می‌توان گفت؛ همین که قاضی، طبق قانون بتواند چنین مجازات‌هایی را برای مرتکب جرمی تعیین نماید؛ مورد مشمول بندهای الف یا ب

ماده ۱۲۲ خواهد شد؛ حتی اگر امکان تعیین مجازات‌های دیگری هم از سوی قاضی وجود داشته باشد. با پذیرش این نظر، **مجازات شروع به**

**محاربه باید بر اساس بند الف ماده ۱۲۲ تعیین شود که عبارت است از: حبس تعزیری درجه چهار یعنی بیش از پنج تا ده سال**

**حبس (طبق ماده ۱۱۹)** لیکن، آنچه که پذیرش این نظر را دشوار می‌کند؛ آن است که با پذیرش آن، مجازات شروع به محاربه می‌تواند

سنگین‌تر از مجازات جرم تام محاربه باشد؛ زیرا در جرم تام محاربه، قاضی، طبق مواد ۲۸۲ و ۲۸۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲،<sup>۲</sup>

حق دارد که **تنها مجازات یک سال نفی بلد** را برای مجرم تعیین نماید؛ در حالی که در شروع به جرم محاربه، مجازات مرتکب

همواره **بیش از ۵ تا ۱۰ سال حبس خواهد بود**. بنابراین، متأسفانه علی‌رغم تلاش قانونگذار برای اینکه با تصویب ماده ۱۲۲ در قانون مصوب

۹۲، خلاءهای قانونی قبلی در مورد مجازات شروع به جرایم مختلف را مرتفع نماید؛ همچنان ابهامات و خلاءهایی در این مورد وجود دارد که

نیازمند بازنگری است. همین اشکال و ابهام در مورد معاونت در محاربه با توجه به ماده ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲<sup>۳</sup> وجود دارد. در

۱ - ماده ۱۲۲ - هر کس قصد ارتکاب جرمی کرده و شروع به اجرای آن نماید، لکن به واسطه عامل خارج از اراده او قصدش معلق بماند، به شرح زیر مجازات می‌شود:

الف - در جرایمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، حبس دائم یا حبس تعزیری درجه یک تا سه است به حبس تعزیری درجه چهار

ب - در جرایمی که مجازات قانونی آنها قطع عضو یا حبس تعزیری درجه چهار است به حبس تعزیری درجه پنج

پ - در جرایمی که مجازات قانونی آنها شلاق حدی یا حبس تعزیری درجه پنج است به حبس تعزیری یا شلاق یا جزای نقدی درجه شش

**تبصره -** هرگاه رفتار ارتكابی، ارتباط مستقیم با ارتكاب جرم داشته، لکن به جهات مادی که مرتکب از آنها بی اطلاع بوده وقوع جرم غیرممکن باشد، اقدام انجام شده

**در حکم شروع به جرم است.**

۲ - ماده ۲۸۲ - حد محاربه یکی از چهار مجازات زیر است:

الف - اعدام

ب - صلب

پ - قطع دست راست و پای چپ

ت - نفی بلد

ماده ۲۸۳ - انتخاب هر یک از امور چهارگانه مذکور در ماده (۲۸۲) به اختیار قاضی است.

۳ - ماده ۱۲۷ - در صورتی که در شرع یا قانون، مجازات دیگری برای معاون تعیین نشده باشد، مجازات وی به شرح زیر است:

این موارد اگر به استناد این که یکی از مجازات‌های پیش‌بینی برای محاربه در قانون سلب حیات می‌باشد؛ **مجازات معاونت در آن را، بر اساس بند الف ماده ۱۲۷، حبس تعزیری درجه دو یا سه** بدانیم، نتیجه آن می‌شود که با توجه به ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲، قاضی همواره موظف به تعیین مجازاتی بیش از ۱۰ سال تا ۲۵ سال حبس برای معاون در جرم محاربه باشد؛ در حالی که برای مباشر محاربه می‌تواند حتی مجازات سبکی مانند یک سال نفی بلد را تعیین نماید.

بدیهی است در مورد دو جرم بغی و افساد فی الارض با توجه به این که تنها مجازات پیش‌بینی شده برای آنها به ترتیب در مواد ۲۸۶ و ۲۸۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲، مجازات اعدام پیش‌بینی شده است؛ مجازات شروع به ارتکاب آنها یا معاونت در ارتکاب آنها به ترتیب، به موجب بند الف ماده ۱۲۲ و بند الف ماده ۱۲۷ عبارت از حبس تعزیری درجه چهار (برای شروع به جرم) و حبس تعزیری درجه دو یا سه (برای معاونت در جرم) خواهد بود.

مجازات شروع به جرم و معاونت محاربه (ماده ۲۸۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲)	
مجازات شروع به جرم محاربه:	حبس تعزیری درجه چهار (بیش از ۵ تا ۱۰ سال حبس)
مجازات معاونت در جرم محاربه:	حبس تعزیری درجه دو یا سه (بیش از ۱۵ تا ۲۵ سال و بیش از ۱۰ تا ۱۵ سال حبس)
مجازات معاونت و شروع به جرم در جرم بغی و افساد فی الارض	
مجازات شروع به جرم در بغی و افساد فی الارض:	حبس تعزیری درجه چهار
مجازات معاونت در جرم بغی و افساد فی الارض:	حبس تعزیری درجه دو یا سه

### حاکمیت قاعده در آن محاربه

با توجه به اعمال قاعده در آن (تدراء الحدود بالشبهات) که در ماده ۱۲۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ نیز تصریح شده است؛<sup>۲</sup> اگر در جرم و شرایط ناظر بر آن و یا شرایط مسئولیت کیفری شبهه‌ای ایجاد شود با اعمال قاعده در آن، جرم اثبات نخواهد شد. با این حال ماده ۱۲۱ قانون مجازات اسلامی، جهت اعمال قاعده در آن در برخی جرایم مستوجب حد و به ویژه محاربه بر خورد افتراقی داشته است.

### متن ماده ۱۲۱ قانون مجازات اسلامی:

الف- در جرائمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات یا حبس دائم است، حبس تعزیری درجه دو یا سه

ب- در سرقت حدی و قطع عمدی عضو، حبس تعزیری درجه پنج یا شش

پ- در جرائمی که مجازات قانونی آنها شلاق حدی است، سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و حبس تعزیری درجه شش

ت- در جرائم موجب تعزیر یک تا دو درجه پایین‌تر از مجازات جرم ارتكابی

**تبصره ۱-** در مورد بند(ت) این ماده مجازات معاون از نوع مجازات قانونی جرم ارتكابی است مگر در مورد مصادره اموال، انفصال دائم و انتشار حکم محکومیت که مجازات معاون به ترتیب جزای نقدی درجه چهار، شش و هفت است.

**تبصره ۲-** در صورتی که به هر علت قصاص نفس یا عضو اجراء نشود، مجازات معاون بر اساس میزان تعزیر فاعل اصلی جرم، مطابق بند(ت) این ماده اعمال می‌شود.

۱ - **ماده ۲۸۶-** هر کس به طور گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اختلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آنها گردد به گونه‌ای که موجب اختلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد.

**تبصره ۵-** هرگاه دادگاه از مجموع ادله و شواهد قصد اختلال گسترده در نظم عمومی، ایجاد ناامنی، ایراد خسارت عمده و یا اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع و یا علم به مؤثر بودن اقدامات انجام شده را احراز نکند و جرم ارتكابی مشمول مجازات قانونی دیگری نباشد، با توجه به میزان نتایج زیانبار جرم، مرتکب به حبس تعزیری درجه پنج یا شش محکوم می‌شود.

**ماده ۲۸۷-** گروهی که در برابر اساس نظام جمهوری اسلامی ایران، قیام مسلحانه کند باغی محسوب می‌شود و در صورت استفاده از سلاح، اعضای آن به مجازات اعدام محکوم می‌گردند.

۲ - **ماده ۱۲۰-** هرگاه وقوع جرم یا برخی از شرایط آن و یا هر یک از شرایط مسئولیت کیفری مورد شبهه یا تردید قرار گیرد و دلیلی بر نفی آن یافت نشود حسب مورد جرم یا شرط مذکور ثابت نمی‌شود.

«در جرائم موجب حد به استثنای محاربه، افساد فی الارض، سرقت و قذف، به صرف وجود شبهه یا تردید و بدون نیاز به تحصیل دلیل، حسب مورد جرم یا شرط مذکور ثابت نمی‌شود.»

مطابق ماده فوق در کلیه جرایم حدی اگر شبهه حاصل شود با عملی ساختن قاعده درأ، جرم یا شرایط مورد تردید ثابت نخواهد شد؛ اما این قاعده در ۴ جرم مستوجب حد متفاوت می‌باشد و آن جرایم عبارتند از: سرقت، قذف، محاربه و افساد فی الارض. **با توجه به مفهوم مخالف ماده ۱۲۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ با ایجاد شبهه در جرم محاربه مقام قضایی نمی‌تواند به صرف شبهه یا تردید و «بدون نیاز به تحصیل دلیل» اعمال قاعده درأ نماید بلکه باید تلاش عرفی را جهت انجام تحقیق با هدف نفی شبهه انجام دهد و اگر در نتیجه تحقیق و بررسی دلیلی بر نفی شبهه و تردید خود حاصل نکرد با اعمال قاعده درأ به برانته متهم رای خواهد داد.**

قانونگذار در ماده ۲۱۸ مقرر می‌دارد:

«در جرائم موجب حد هرگاه متهم ادعای فقدان علم یا قصد یا وجود یکی از موانع مسؤولیت کیفری را در زمان ارتکاب جرم نماید در صورتی که احتمال صدق گفتار وی داده شود و اگر ادعاء کند که اقرار او با تهدید و ارعاب یا شکنجه گرفته شده است ادعای مذکور بدون نیاز به بینه و سوگند پذیرفته می‌شود.»

اما در تبصره ۱ همین ماده با استثناء کردن محاربه بیان می‌دارد که: «در جرائم محاربه و افساد فی الارض و جرائم منافی عفت با عفت، اکراه، ربایش یا اغفال، صرف ادعاء، مسقط حد نیست و دادگاه موظف به بررسی و تحقیق است.» و این هم پوشانی مفهوم مخالف ماده ۱۲۱ با تبصره ۱ ماده ۲۱۸ قانون مجازات اسلامی را محرز می‌دارد. (یعنی هر دو مقرر گرفته‌اند که دادگاه موظف به بررسی و تحقیق است.)

## توبه محارب

ماده قانونی که در قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ در مورد توبه محارب تصویب شده است:

«ماده ۱۱۴- در جرائم موجب حد به استثنای قذف و محاربه هرگاه متهم قبل از اثبات جرم، توبه کند و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود، حد از او ساقط می‌گردد. همچنین اگر جرائم فوق غیر از قذف با اقرار ثابت شده باشد، در صورت توبه مرتکب حتی پس از اثبات جرم، دادگاه می‌تواند عفو مجرم را توسط رئیس قوه قضائیه از مقام رهبری در خواست نماید.»

تبصره ۱- توبه محارب قبل از دستگیری یا تسلط بر او موجب سقوط حد است.

تبصره ۲- در زنا و لواط هرگاه جرم به عفت، اکراه و یا با اغفال بزه دیده انجام گیرد، مرتکب در صورت توبه و سقوط مجازات به شرح مندرج در این ماده به حبس یا شلاق تعزیری درجه شش یا هر دو آنها محکوم می‌شود.

در قانون مجازات اسلامی در ماده ۱۱۴ در مورد جرایم موجب حد، ماده ۱۱۵ در مورد جرایم تعزیری<sup>۱</sup>، ماده ۱۱۶ در مورد دیه، قصاص و حد قذف و ... در مورد توبه صحبت شده است<sup>۲</sup> و در تمامی موارد سقوط مجازات، با توبه و قبل از شهادت شهود و قبل از اثبات می‌باشد؛ **به غیر از محاربه که توبه باید قبل از دستگیری و مسلط شدن بر او باشد.**

تبصره ۱ ماده ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ مقرر داشته است: «توبه محارب قبل از دستگیری یا تسلط بر او موجب سقوط حد است» بدین ترتیب نه تنها توبه پس از دستگیری، بلکه حتی پس از تسلط یافتن بر مجرم (به طور نمونه به محاصره در آمدن خانه تیمی) هم پذیرفته نمی‌شود. به علاوه، با توجه به درونی بودن امر توبه، باید نمودهای خارجی آن به گونه‌ای باشد که تحقق توبه و به عبارت دیگر

۱ - ماده ۱۱۵- در جرائم تعزیری درجه شش، هفت و هشت چنانچه مرتکب توبه نماید و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود، مجازات ساقط می‌شود. در سایر جرائم موجب تعزیر دادگاه می‌تواند مقررات راجع به تخفیف مجازات را اعمال نماید.

تبصره ۱- مقررات راجع به توبه درباره کسانی که مقررات تکرار جرائم تعزیری در مورد آنها اعمال می‌شود، جاری نمی‌گردد.

تبصره ۲- اطلاق مقررات این ماده و همچنین بند (ب) ماده (۷) و بندهای (الف) و (ب) ماده (۸) و مواد (۲۷)، (۳۹)، (۴۰)، (۴۵)، (۴۶)، (۹۳)، (۹۴) و (۱۰۵) این قانون شامل تعزیرات منصوص شرعی نمی‌شود.

۲ - ماده ۱۱۶- دیه، قصاص، حد قذف و محاربه با توبه ساقط نمی‌گردد.

ندامت و بازگشت مرتکب برای قاضی احراز شود. این نکته در متن ماده ۱۱۴ با عبارت «...و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود» مورد تاکید مقنن قرار گرفته است.

**پذیرش توبه محارب: ← باید قبل از دستگیری یا تسلط بر او باشد + ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود.**

**بنابر این:** توبه محارب قبل از دستگیری یا تسلط بر او **موجب سقوط حد است.** (تبصره ۱ ماده ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲)<sup>۱</sup>

**نکته مهم:** چنانچه محارب در حالی که تحت تسلط قرار گرفته، هر چند دستگیری فیزیکی او محقق نشده است و یا حتی قبل از اینکه تحت سلطه عدالت کیفری قرار گیرد؛ محرز شود که توبه کرده است و احراز ندامت و پشیمانی او توسط مقام قضایی رسیدگی کننده، صورت گیرد؛ حد ساقط است. **اما توبه بعد از دستگیری ولو قبل از اقرار محارب باشد؛ موجب سقوط حد نمی شود.**

**نکته مهم:** در صورتی که محارب، به حد نفی بلد محکوم شود با لحاظ اینکه طبق ماده ۲۸۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ مدت نفی بلد محارب **حداقل یک سال و حداکثر زمان مدت نفی بلد، زمانی است که محارب توبه می کند؛** پس اگر محارب بعد از اتمام یک سال نفی بلد، توبه نماید؛ توبه وی موجب پایان دوره مجازات حد نفی بلد خواهد شد.

**نکته:** حداقل مدت زمانی که محارب باید در تبعید بماند چقدر است؟ یکسال است و تا زمانی که توبه نکند همچنان در تبعید خواهد ماند.

**ماده ۲۸۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲:**

« مدت نفی بلد در هر حال کمتر از یک سال نیست، اگر چه محارب بعد از دستگیری توبه نماید و در صورتی که توبه نکند همچنان در تبعید باقی میماند.»

## اعمال برخی محدودیت‌های کیفری بر محاربه

### • انتشار حکم محکومیت:

به موجب ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲، حکم قطعی محکومیت کیفری به محاربه در رسانه‌های محلی برای یک نوبت قابل انتشار می‌باشد.

**ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی مقرر داشته است:**

**حکم محکومیت قطعی در جرائم موجب حد محاربه و افساد فی الارض یا تعزیر تا درجه چهار و نیز کلاهبرداری بیش از یک میلیارد (۱.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال در صورتی که موجب اخلال در نظم یا امنیت نباشد در یکی از روزنامه های محلی در یک نوبت منتشر می شود.**

### • تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات:

هر چند در ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲، محاربه و افساد فی الارض قابل تعویق و تعلیق نیست اما به موجب تبصره این ماده قانونی که به موجب قانون کاهش حبس های تعزیری مصوب ۹۹ اضافه شده است؛ با شرایطی تعلیق بخشی از مجازات بلامانع است.

**۱- ماده ۱۱۴-** در جرائم موجب حد به استثنای قذف و محاربه هرگاه متهم قبل از اثبات جرم، توبه کند و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود، حد از او ساقط می گردد. همچنین اگر جرائم فوق غیر از قذف با اقرار ثابت شده باشد، در صورت توبه مرتکب حتی پس از اثبات جرم، دادگاه می تواند عفو مجرم را توسط رئیس قوه قضائیه از مقام رهبری درخواست نماید.

**تبصره ۱-** توبه محارب قبل از دستگیری یا تسلط بر او موجب سقوط حد است.

**تبصره ۲-** در زنا و لواط هرگاه جرم به عنف، اکراه و یا با اغفال بزه دیده انجام گیرد، مرتکب در صورت توبه و سقوط مجازات به شرح مندرج در این ماده به حبس یا شلاق تعزیری درجه شش یا هر دو آنها محکوم می شود.

**۲- ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد:**

صدور حکم و اجرای مجازات در مورد جرائم زیر و شروع به آنها قابل تعویق و تعلیق نیست:

الف- جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، خرابکاری در تأسیسات آب، برق، گاز، نفت و مخبرات

ب- جرائم سازمان یافته، سرقت مسلحانه یا مقرون به آزار، آدم ربایی و اسیدپاشی

پ- قدرت نمایی و ایجاد مزاحمت با چاقو یا هر نوع اسلحه دیگر، جرائم علیه عفت عمومی، تشکیل یا اداره مراکز فساد و فحشا

ت- قاچاق عمده مواد مخدر یا روانگردان، مشروبات الکلی و سلاح و مهمات و قاچاق انسان

ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد:

صدور حکم و اجرای مجازات در مورد جرائم زیر و شروع به آنها قابل تعویق و تعلیق نیست:

الف - جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، خرابکاری در تأسیسات آب، برق، گاز، نفت و مخابرات

ب - جرائم سازمان یافته، سرقت مسلحانه یا مقرون به آزار، آدم ربایی و اسیدپاشی

پ - قدرت نمایی و ایجاد مزاحمت با چاقو یا هر نوع اسلحه دیگر، جرائم علیه عفت عمومی، تشکیل یا اداره مراکز فساد و فحشا

ت - قاچاق عمده مواد مخدر یا روانگردان، مشروبات الکلی و سلاح و مهمات و قاچاق انسان

ث - تعزیر بدل از قصاص نفس، معاونت در قتل عمدی و مباریه و افساد فی الارض

ج - جرائم اقتصادی، با موضوع جرم بیش از یکصد میلیون (۱۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال

مقرر الحاقی به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳ (در خصوص تعلیق)

تبصره ماده ۴۷ - در جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور در صورت همکاری مؤثر مرتکب در کشف جرم و شناسایی

سایر متهمان، تعلیق بخشی از مجازات بلامانع است. همچنین تعلیق مجازات جرائم علیه عفت عمومی (به جز جرائم موضوع

مواد (۶۳۹) و (۶۴۰) کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ با اصلاحات

و الحاقات بعدی) و کلاهبرداری و کلیه جرائم در حکم کلاهبرداری و جرائمی که مجازات کلاهبرداری درباره آنها مقرر شده

یا طبق قانون کلاهبرداری محسوب می‌شود و شروع به جرائم مقرر در این تبصره، بلامانع است. رعایت ماده (۴۶) این قانون

در خصوص این تبصره الزامی است. (الحاقی به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳)

ث - تعزیر بدل از قصاص نفس، معاونت در قتل عمدی و مباریه و افساد فی الارض

ج - جرائم اقتصادی، با موضوع جرم بیش از یکصد میلیون (۱۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال

۱ - ماده ۶۳۹ - افراد زیر به حبس از یک تا ده سال محکوم می‌شوند و در مورد بند «الف» علاوه بر مجازات مقرر، محل مربوطه به طور موقت با نظر دادگاه بسته خواهد شد:

الف - کسی که مرکز فساد یا فحشا دایر یا اداره کند

ب - کسی که مردم را به فساد یا فحشا تشویق نموده یا موجبات آن را فراهم نماید.

تبصره - هر گاه بر عمل فوق عنوان قوادی صدق نماید علاوه بر مجازات مذکور به حد قوادی نیز محکوم می‌گردد.

ماده ۶۴۰ - اشخاص ذیل به حبس از سه ماه تا یک سال و جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا شش میلیون ریال و تا (۷۴) ضربه شلاق یا به یک یا دو

مجازات مذکور محکوم خواهند شد: ۱ - هر کس نوشته یا طرح، گراور، نقاشی، تصاویر، مطبوعات، اعلانات، علایم، فیلم، نوار سینما و یا بطور کلی هر چیز که عفت و

افکار عمومی را جریحه‌دار نماید برای تجارت یا توزیع به نمایش و معرض انظار عمومی گذارد یا بسازد یا برای تجارت و توزیع نگاهدارد. ۲ - هر کس اشیاء مذکور را به

منظور اهداف فوق شخصا یا به وسیله دیگری وارد یا صادر کند و یا به نحوی از انحاء متصدی یا واسطه تجارت و یا هر قسم معامله دیگر شود یا از کرایه دادن آن‌ها

تحصیل مال نماید. ۳ - هر کس اشیاء فوق را به نحوی از انحاء منتشر نماید یا آنها را به معرض انظار عمومی بگذارد. ۴ - هر کس برای تشویق به معامله اشیای مذکور

در فوق و یا ترویج آن اشیاء به نحوی از انحاء اعلان و یا فاعل یکی از اعمال ممنوعه فوق و یا محل بدست آوردن آن را معرفی نماید.

تبصره ۱ - مفاد این ماده شامل اشیائی نخواهد بود که با رعایت موازین شرعی و برای مقاصد علمی یا هر مصلحت حلال عقلانی دیگر تهیه یا خرید و فروش و مورد

استفاده متعارف علمی قرار می‌گیرد.

تبصره ۲ - اشیای مذکور ضبط و محو آثار می‌گردد و جهت استفاده لازم به دستگاه دولتی ذیربط تحویل خواهد شد.

## نکات مهم

- (۱) محاربه عبارت است از کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنهاست که موجب ناامنی در محیط گردد. (ماده ۲۷۹ ق.م.ا)
- (۲) در محاربه سوء نیت عام: علم حکمی و قصد انجام رفتار مجرمانه یعنی بیرون کشیدن سلاح و استفاده از آن می‌باشد و سوء نیت خاص نیز مشتمل بر: علم موضوعی و به ویژه قصد نتیجه یعنی قصد تجاوز به جان، مال یا ناموس مردم و یا قصد ارباب مردم می‌باشد. (در علم موضوعی لازم است محرز شود که مرتکب می‌داند آنچه به کار گرفته است؛ عرفاً سلاح بوده و موجب خطر یا ترساندن مردم خواهد شد.) بنابراین در ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲، در جرم محاربه علاوه بر سوء نیت عام؛ یعنی عمد در کشیدن سلاح، سوء نیت خاص، یعنی قصد تعرض به جان، مال یا ناموس مردم، برای تحقق جرم محاربه ضرورت دارد. البته نباید فراموش کرد که، قصد غیرمستقیم نیز کفایت می‌کند؛ بنابراین هر گاه قصد و نیت اولیه کسی از کشیدن سلاح عبارت از ربودن مال دیگری باشد؛ همین که می‌داند این کار وی موجب سلب امنیت خواهد شد؛ در واقع می‌توان گفت که قصد غیرمستقیم سلب امنیت را دارد و در نتیجه محارب محسوب خواهد شد.
- (۳) در جرایم مستوجب حد (مانند محاربه) علاوه بر داشتن علم، قصد و شرایط مسئولیت کیفری، به حرمت شرعی رفتار ارتكابی نیز آگاه باشد. (ماده ۲۱۷ قانون مجازات اسلامی / سوال و کالت سال ۹۵ /)
- (۴) اگر کسی بر روی مردم سلاح بکشد؛ اما ناتوانی او، موجب سلب امنیت نشود؛ از شمول محاربه خارج است و محارب شناخته نمی‌شود. (ماده ۲۷۹ ق.م.ا)
- (۵) تعدد محاربان و تعدد قربانیان جرم شرط تحقق محاربه نیست و محاربه حتی با یک نفر هم اتفاق می‌افتد.
- (۶) هر گاه کسی با انگیزه شخصی به سوی یک یا چند شخص خاص سلاح بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد؛ محارب محسوب نمی‌شود. بنابراین سلب امنیت باید جنبه عمومی داشته نه جنبه شخصی، (همچنین بایستی مرتکب توانایی واقعی جهت سلب امنیت را داشته باشد.) بنابراین اگر شخص بر روی طلبکار خود اسلحه بکشد؛ محارب نیست.
- (۷) محاربه از جمله جرایم مقید می‌باشد و شروع به محاربه مجازات ندارد؛ مگر اینکه آن مقدار عمل انجام داده شده، خود وصف مجرمانه خاصی داشته باشد؛ مثلاً تهیه اسلحه.
- (۸) فرد یا گروهی که برای دفاع و مقابله با محاربان، دست به اسلحه ببرند؛ محارب نیستند. (ماده ۲۸۰ ق.م.ا) اما از باب جرم غیرحدی قابل تعقیب است و در صورت عدم رعایت تناسب دفاع و تخطی از آن، به هر حال جرم آنان محاربه محسوب نمی‌شود؛ هر چند ممکن است مشمول جرم دیگری شوند. زیرا او نه به قصد ارباب مردم و سلب آزادی و امنیت آنها، بلکه برای انتقام‌گیری از محاربان دست به سلاح برده است؛ پس در چنین حالتی وی مسئولیت کیفری اعمال ارتكابی خود، مانند ایراد ضرب و جرح و تخریب، بر عهده‌اش است.
- (۹) مقابله با محاربان در صورتی از شمول محاربه خارج می‌شود که، حمله ابتدایی از محاربین باشد. اگر ابتدا گروه مورد نظر به محاربان حمله کنند؛ حتی ممکن است این اقدام محاربه محسوب شود؛ چون خود اینها ابتدا و قبل از اینکه محاربی وجود داشته باشد؛ دست به اسلحه و امنیت عمومی را سلب کرده‌اند. (دکتر میر محمد صادقی)
- (۱۰) جهت شمول عنوان دفاع مشروع بایستی شرایط عمومی دفاع محقق باشد؛/مانند تناسب و عدم توسل به قوای دولتی
- (۱۱) راهزنان، سارقان و قاچاقچیان که دست به سلاح ببرند (گرم یا سرد و پر یا خالی بودن آن تفاوتی ندارد؛ اما شامل اسلحه غیرواقعی و تقلبی نمی‌شود) و موجب سلب امنیت مردم و راه‌ها شوند محاربند. (ماده ۲۸۱ ق.م.ا)
- (۱۲) سلاح اعم از سرد و گرم است؛ انواع اسلحه‌ها که مشمول عنوان سلاح می‌شود: ۱- اسلحه گرم مانند تفنگ/۲- اسلحه سرد مانند قمه/۳- اسلحه سرد جنگی مانند سرنیزه/۴- اسلحه شکاری مانند تفنگ‌های ساچمه‌ای. مصادیق اسلحه گرم

مثل تفنگ و مصادیق اسلحه سرد مانند چاقو یا شمشیر است. بنابراین ابزارهایی مانند عصا، سنگ، بیل، چوب، از شمول عنوان سلاح و در نتیجه محاربه خارج می‌شوند. (دکتر میر محمد صادقی)

**۱۳) آیا ارتکاب محاربه از سوی زنان نیز امکانپذیر است؟** ارتکاب محاربه ممکن است از سوی زن یا مرد، در شهر یا خارج از آن، در شب یا روز، خشکی و یا دریا صورت پذیرد.

**۱۴) مطابق ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ و با توجه به لزوم ترسیدن مردم، سلاح باید در معرض دید آنها قرار داشته باشد. علاوه بر دست بردن به سلاح که عنصر مادی جرم موضوع ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی است؛ عنصر روانی این جرم قصد ایجاد رعب و هراس و سلب آزادی و امنیت مردم است؛ بنابراین کسی که به قصدی غیر از این (به طور نمونه نمایش بازی کردن) دست به سلاح ببرد؛ مشمول ماده ۲۷۹ نخواهد شد؛ هر چند که در عمل تعدادی از مردم از این کار او بترسند.**

**۱۵) اگر در جرم محاربه، محارب مرتکب قتل نیز بشود؛ آیا مجازات قصاص اجرا می‌شود؟ یا قاضی موظف است از بین مجازات‌های تعیین شده در ماده ۲۸۲ قانون مجازات اسلامی در مورد محاربه یکی را تعیین کند؟** چنانچه محارب کسی را کشته باشد و شرایط قصاص نیز وجود داشته باشد و اولیاء دم نیز تقاضای قصاص کنند؛ محارب قصاص می‌شود.

**۱۶) ماده ۲۸۱ ق.م.ا شامل کلیه افرادی نیز خواهد شد که در اجرای یک طرح مشترک و هماهنگ در باندهای سرقت راهزنی و قاچاق مسلحانه شرکت دارند؛ هر چند که تنها تعدادی از افراد باند در صحنه عملیات دست به سلاح برده باشند.**

**۱۷) مطابق ماده ۲۸۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲: «راهزنان، سارقان و قاچاقچینی که دست به سلاح ببرند و موجب سلب امنیت مردم و راه‌ها شوند محاربند.»** شبیه جرم موضوع ماده ۲۸۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ در ماده ۶۵۳ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵، آمده است: «هر کس در راهها و شوارع به نحوی از انحاء مرتکب راهزنی شود در صورتی که عنوان محارب بر او صادق نباشد به سه تا پانزده سال حبس و شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم می‌شود.»

**تفاوت‌های دو ماده ۲۸۱ و ۶۵۳:**

- **اولین تفاوت** در ماده ۶۵۳ قانون تعزیرات برخلاف ماده ۲۸۱، دست به سلاح بردن ضرورتی ندارد.
- **دومین تفاوت:** در ماده ۶۵۳، محل ارتکاب جرم (راه‌ها و شوارع است) اما در ماده ۲۸۱ قانون مجازات اسلامی در سایر مکان‌ها نظیر ورزشگاه‌ها نیز قابل ارتکاب است.
- **سومین تفاوت:** در ماده ۶۵۳ لازم است که راهزنی ارتکاب یابد؛ اما در ماده ۲۸۱ علی‌رغم آنکه هدف اصلی مرتکبان سرقت و قطع‌الطریق می‌باشد؛ لیکن آنچه که در عمل برای تحقق جرم موضوع ماده باید رخ دهد؛ بر هم خوردن امنیت مردم یا راه‌ها می‌باشد.

**بنابراین:** ماده ۲۸۱ ماده ۶۵۳ را شامل نمی‌شود و به پیروی از اصل کلی و نیز با توجه به تصریح ماده ۶۵۳، ابتدا باید شمول ماده ۲۸۱ را نسبت به مرتکب، مورد بررسی قرار داد و تنها در صورت عدم شمول ماده اخیرالذکر نوبت به اعمال ماده ۶۵۳ خواهد رسید؛ زیرا ماده ۶۵۳ نیز بر این نکته تأکید کرده است که مرتکب «در صورتی که عنوان محارب بر او صادق نباشد» مشمول ماده مذکور قرار خواهد گرفت؛ پس: **نه تنها ماده ۲۸۱ ماده ۶۵۳ را نسخ نکرده بلکه تخصیص هم نکرده است.**



## مساله های کاربردی

(۱) مساله: چنانچه شخصی در زمان جنگ مرتکب یکی از جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی موضوع فصل اول کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) گردد؛ کیفر او کدام یک از موارد محاربه، اعدام، یا ۳ تا ۱۰ سال حبس و یا مجازات اشد همان جرم می باشد؟ مطابق ماده ۵۰۹ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ در این صورت به مجازات اشد همان جرم محکوم خواهند شد. این ماده قانونی مقرر داشته است: «هر کس در زمان جنگ مرتکب یکی از جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی موضوع این فصل شود به مجازات اشد همان جرم محکوم می گردد.»

و

و

و

## تست و خودسنجی

### ۱) در کدام گزینه فرد «محارب» محسوب نمی‌شود؟

- ۱) هرگاه کسی با انگیزه شخصی به سوی یک یا چند شخص سلاح بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد.
- ۲) کسی که به روی مردم سلاح بکشد اما بر اثر ناتوانی موجب سلب امنیت شود.
- ۳) فرد یا گروهی که برای دفاع یا مقابله با محاربان، دست به اسلحه ببرد؛ محارب نیست.
- ۴) همه موارد

**گزینه ۱ صحیح است.** با استناد به ماده ۲۸۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲: «گروهی که در برابر اساس نظام جمهوری اسلامی ایران، قیام مسلحانه کند باغی محسوب می‌شود و در صورت استفاده از سلاح، اعضای آن به مجازات اعدام محکوم می‌گردند.»

### ۲) شخص الف با همکاری ۳ نفر از دوستان نزدیک به خود اقدام به تشکیل گروهی با یک نام مستعار و با هدف برهم زدن نظم و امنیت کشور می‌نمایند. اما بعد از تشکیل و انجام برخی فعالیت‌های مخرب، اقدام آنها لو رفته و دستگیر می‌شوند. در این خصوص کدام گزینه صحیح است؟

- ۱) جرم مزبور از مصادیق جرائم مقید است؛ زیرا خللی در نظم و امنیت کشور وارد نشده است.
- ۲) جرمی واقع نشده است.
- ۳) اعضای گروه تحت عنوان شروع به جرم تشکیل دسته یا جمعیت با هدف برهم زدن نظم و امنیت کشور قابل تعقیب خواهند بود.
- ۴) این جرم، جرمی مطلق است.

**گزینه ۴ صحیح است.** با توجه به اطلاق ماده ۴۹۸ قانون تعزیرات مصوب ۷۵، اینکه عملاً امنیت کشور از طریق تشکیل یا اداره چنین دسته یا گروه برهم بخورد یا خیر، موثر در تحقق جرم موضوع این ماده نیست. به بیان دیگر، قانونگذار صرف تشکیل جمعیتی را که هدف آن برهم زدن امنیت کشور باشد؛ کافی برای تعقیب مرتکبین دانسته است. از این رو است که در ماده ۴۹۹ قانون تعزیرات مصوب ۷۵، تنها در فرضی که یکی از اعضا از هدف تشکیل جمعیت بی اطلاع بوده باشد؛ تحت این عنوان قابل تعقیب نخواهد بود.

### ۳) حد محاربه کدام یک از مجازات‌های زیر است؟

- ۱) اعدام و صلب
- ۲) قطع دست راست و پای چپ
- ۳) نفی بلد
- ۴) همه موارد

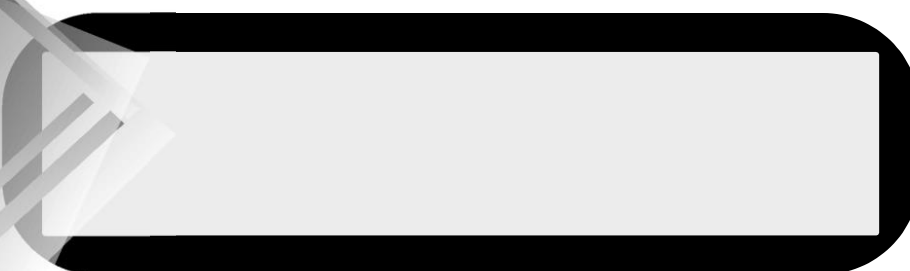
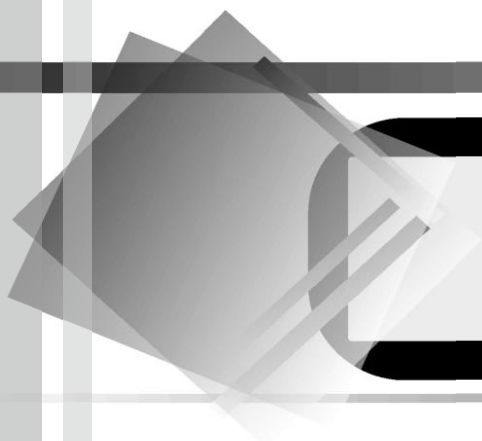
**گزینه ۴ صحیح است.** با استناد به ماده ۲۸۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲، یکی از ۴ مجازات ۱/ اعدام ۲/ صلب ۳/ قطع دست راست و پای چپ و ۴/ نفی بلد است که، قاضی مخیر است یکی از این موارد را در مورد شخص محارب انتخاب کند.

### ۴) گروهی که در برابر نظام جمهوری اسلامی ایران قیام مسلحانه کنند؛..... محسوب می‌شود و در صورت استفاده از سلاح به مجازات.... محکوم می‌گردد.

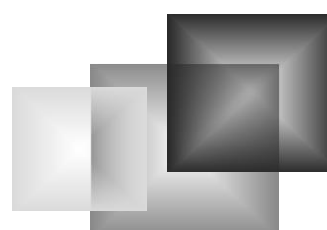
- ۱) باغی - اعدام
- ۲) محارب - اعدام
- ۳) باغی - حبس ابد
- ۴) محارب - حبس ابد

**گزینه ۱ صحیح است.** با استناد به ماده ۲۸۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲: «گروهی که در برابر اساس نظام جمهوری اسلامی ایران، قیام مسلحانه کند باغی محسوب می‌شود و در صورت استفاده از سلاح، اعضای آن به مجازات اعدام محکوم می‌گردند.»

و  
و  
و  
و



**بخش دوم:**  
**مسأله‌های کاربردی**





**سوال: الف شاهد قتل دوست خود توسط ج است. ج در حال فرار بوده که الف به دنبال او رفته و او را می کشد. در این حالت**

**الف:** مرتکب قتل عمدی مستوجب قصاص شده است. (با استناد به ماده ۴۲۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲)

**سوال: اگر مرتکب قصد قتل دیگری را نداشته و عمل وی نیز نوعاً کشنده نبوده ولی به دلیل کهولت سن و بیماری موجب مرگ**

**شده باشد؛ در این صورت:** اصل بر عدم آگاهی مرتکب به وضعیت خاص مجنی علیه است و اثبات آگاهی مرتکب بر عهده مدعی است. (با

استناد به بند پ ماده ۲۹۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲)

**سوال: علی بدون مهارت و قصد آسیب بر محمد با اسلحه اقدام به تیراندازی به سببی که روی سر محمد بوده می نماید؛ لکن**

**تیر وی به سر محمد اصابت نموده و موجب مرگ او می شود؛ قتل عمد است یا غیر عمد؟ قتل عمد است.** (با استناد بند ب ماده ۲۹۰

قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲)

**سوال: فرد الف با برقراری رابطه نامشروع موجب انتقال ویروس ایدز به فرد ب می شود؛ پس از گذشت ۷ سال فرد ب در**

**نتیجه این بیماری از بین می رود؛ در این حالت: الف به حسب مورد به قصاص یا دیه محکوم می شود.** (با استناد به ماده ۴۹۳ قانون

مجازات اسلامی مصوب ۹۲)

**سوال: الف مربی شنای ب است. ب نیز شناگری بالغ بوده و بر شنا تسلط دارد؛ هنگامی که ب مشغول شنا بوده، الف به خواب**

**رفته و در این حین ب غرق می شود؛ در این حالت:** به دلیل تسلط و بالغ بودن ب صدمه وارده ناشی از خود اوست و مربی شنا مسئول

نیست. (با استناد به ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲)

**سوال: پدر و فرزندی در داخل استخر در حال شنا هستند. پدر شناگر آماتور است و فرزند اصلاً شنا بلد نیست. مربی استخر از**

**هر دو می خواهد داخل استخر بروند و شنا کنند که او مراقب آنها خواهد بود؛ اما در یک لحظه غفلت او هر دو غرق می شوند؛**

**در این صورت:** مربی شنا سبب قتل هر دو نفر است. (با استناد به ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲)

**سوال: پدر با مشاهده فرزندش که در حال غرق شدن است؛ کمکی برای نجات او انجام نمی دهد در این صورت:** اگر پدر شنا بلد

باشد؛ مسئول است. (با استناد به ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲)

**سوال: الف در یک پارک جنگلی که ازدحام جمعیت فراوانی نیز در آن وجود دارد؛ اقدام به شکار می کند؛ در این حین تیرش**

**به خطا رفته و سبب مرگ دیگری می شود؛ در این حالت: الف:** مرتکب جنایت عمدی شده است. (با استناد به تبصره ماده ۲۹۲ قانون

مجازات اسلامی مصوب ۹۲)

**سوال: فردی که در خواب با وارد آوردن ضرباتی به دیگری موجب نقص عضو او می گردد؛ مرتکب چه نوع جنایتی شده است و**

**مجازاتش چیست؟** خطای محض بوده و عاقله دیه می دهد. (با استناد به بند الف ماده ۲۹۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲)

**سوال: اگر الف به قصد قتل ب مسیر عبور او را لغزنده سازد و ج نیز با تپانی الف و به قصد کشتن ب در مسیر عبور او شی ای**

**قرار دهد و ب با برخورد به شی لغزنده و به زمین برخورد کند و بمیرد؛ الف و ج شریک در قتل هستند.** (با استناد به ماده ۵۳۵ قانون

مجازات اسلامی مصوب ۹۲)

**سوال: الف بدون قصد قتل، ضربه ای کشنده به ب وارد می کند اما ب با تلاش پزشکان زنده می ماند؛ در این صورت: الف متهم**

به ایراد جراحات عمدی است. (با استناد به ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲)

**سوال: الف در جریان یک نزاع دسته جمعی با چاقو جرحی عمدی بر بازوی ب ایجاد می نماید؛ پس از گذشت ۳ روز زخم ب**

**دچار عفونت شده و سبب مرگ ب می شود؛ در این حالت الف:** مرتکب قتل عمدی شده است. (با استناد به ماده ۲۹۶ و ۲۹۷ قانون

مجازات اسلامی مصوب ۹۲)

**سوال: اگر الف سهوا ضربه ای به ب وارد کرده و او را مجروح سازد و در بیمارستان، پرستار سهوا با ریختن دوز کمتری از**

**میزان دارو در سرم ب، اثربخشی جراحی را کاهش ندهد و در نتیجه ب بمیرد؛ اگر مرگ مستند به جراحی وارده و عدم رسیدن**

داروی کافی باشد؛ الف و پرستار به طور مساوی ضامن می باشند. (با استناد به ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲)

**سوال:** اگر مرتکب عمدا ب را با علم به اینکه شنا بلد نیست به استخر عمیقی پرت کند؛ هر چند قصد قتل نداشته اما ب کشته شود: قتل عمد است اگر مرتکب نتواند عدم علم خود را بر نوعا کشنده بودن رفتارش در مورد مجنی علیه ثابت کند. (با استناد به بند ب ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲)

**سوال:** علی در مقام دفاع از تجاوز حسین اقدام به کشتن او می نماید؛ اما در دادگاه اثبات می شود که او به جای قتل می توانسته با رعایت شرایط تناسب دفاع، حسین را فقط مصدوم کند نه مقتول: علی مستوجب قصاص نیست مستوجب دیه و مستوجب تعزیر است. (با استناد به تبصره ماده ۱۵۶ و تبصره ۲ ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲)

**سوال:** اگر الف به قصد کشتن ب به سمت او هدف گیری کند و تیز نیز به همان هدف برخورد کند و بعد از مرگ فرد مورد هدف، معلوم شود که آن هدف معین، برادر دوقلوی شخص مورد نظر جانی بوده، در این صورت: قتل خطای محض محسوب می شود. (با استناد به ماده ۲۹۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲)

**سوال:** اگر کسی غذای مسمومی را به قصد کشتن سگی داخل منزل دیگری بگذارد ولی صاحبخانه غذا را بخورد: اگر مرتکب بداند که احتمال خوردن صاحبخانه از آن غذا هست؛ جنایت عمد است. (با استناد به تبصره ماده ۲۹۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲)

**سوال:** حسن به قصد قتل حسین به سمت او شلیک می کند؛ پس از برخورد گلوله به هدف و فوت مجنی علیه، احراز می شود که حسن به جای حسین، برادر دو قلوی او را کشته است؛ حسن متهم است به: قتل عمد (با استناد به ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲)

**سوال:** اگر فردی به اعتقاد اینکه هدف مورد نظر حیوان است به سمت او شلیک کند و بعدا معلوم شود؛ هدف معین که تیر به او خورده انسان بی گناه بوده است؛ جنایت شبه عمد است و جانی دیه می دهد. (با استناد به بند ب ماده ۲۹۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲)

**سوال:** الف با وارد آوردن ضربات چاقو باعث خونریزی شدید ج می گردد و پس از اطمینان از اینکه خونریزی پس از مدتی موجب مرگ او می شود؛ محل را ترک کرده، سپس ب با شلیک گلوله در قلب ج او را از پای در می آورد؛ در اینجا: ب قاتل است و الف قصاص عضو می شود. (با استناد به ماده ۳۷۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲)

**سوال:** اگر الف با علم به اینکه ب دچار مشکل عدم انعقاد خون است او را مجروح کند و ب در نتیجه جراحی / هر چند الف قصد قتل نداشته / بمیرد؛ در این صورت: قتل عمد است اگر شاکی یا دادستان علم الف را به بیماری ب ثابت کنند. (با استناد به بند پ ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲)

**سوال:** اگر جنین دارای روح در مرحله آخر جنینی بر اثر ضربه وارده بر مادر، متولد شده و چند ماه بعد از تولد، بر اثر همان ضربات بمیرد در حالتی که ضارب قصد مضروب کردن زن باردار را بدون علم به بارداری او داشته باشد؛ در این صورت ضرب و جرح عمدی مادر و قتل خطای محض نوزاد تحقق یافته است. (با استناد به تبصره ماده ۳۰۶ و ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲)

**سوال:** الف عمدا به قصد سقط جنین زن حامله او را به عمد مجروح می سازد اما زن به دلیل شدت جراحات فوت شده و جنین نیز بر اثر ضربه وارده زودتر متولد شده اما پس از چند روز می میرد؛ در این صورت الف محکوم است به: قتل عمدی مادر و قتل عمد فرزند مادر. (با استناد به تبصره ماده ۳۰۶ و ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲)

**سوال:** اگر الف با علم به بارداری زن قصد از بین بردن فرزند او را با آزار زن داشته و اقدام او منتهی به جراحی بر زن و وضع حمل زودتر از موعد و منتهی به مرگ نوزاد بعد از یک روز شود؛ اتهام الف در این صورت: جرح عمدی بر زن و قتل عمدی نوزاد است. (با استناد به تبصره ماده ۳۰۶ و ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲)

**سوال:** الف به قصد قتل ب را مجروح می سازد؛ مجروح در بیمارستان به دلیل اپیدمی، مبتلا به وبا می شود و فوت می کند؛ در این صورت: الف متهم به ایراد جراحی عمدی است.

**سوال:** الف سمی کشنده را در غذای ب می ریزد و ب نیز غذا را می خورد. پس از اطمینان از اینکه سم پس از یک ساعت اثر نموده و ب را از پای در خواهد آورد؛ الف محل را ترک می کند؛ بلافاصله ج وارد شده و با زدن ضربه به سر ب او را از پای در می آورد؛ ج قاتل است و الف مرتکب جنایت عمدی مادون نفس است. (با استناد به ماده ۳۷۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲)

**سوال: الف به قصد قتل، ضربات کشنده به ب وارد می کند؛ ولی دم ب قبل از فوت او اقدام به قتل الف می نماید؛ در این صورت: چنانچه جنایت وارده بر ب سبب مرگ او شود؛ ولی دم تعزیر می شود.** (با استناد به ماده ۳۴۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲)

**سوال: الف به قصد قتل جراحی بر ب وارد می کند و ب دچار مرگ مغزی می شود؛ در بیمارستان ب از طریق اقدام پزشک که دستگاه ها را عمدا قطع می کند؛ از بین می رود؛ در این صورت: الف قصاص نفس می شود و پزشک به اتهام جنایت بر مرده به دیه و ارش حسب مورد و شلاق تعزیری درجه ۶ محکوم می شود.** (رک به: مواد ۷۲۲/۳۷۲ / ۷۲۷/۷۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲)

**سوال: جنایتی که توسط صغیر غیر ممیز ارتکاب یافته و صغیر نیز آگاه بوده که اقدام وی نوعا موجب جنایت بر دیگری است؛ مشمول کدام یک از انواع جنایات خواهد بود؟ خطای محض است.** (با استناد به ماده ۲۹۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ و تبصره آن)

**سوال: اگر فردی با اعتقاد به اینکه دیگری مرتکب لواط به عنف بوده و شرعا مستحق مرگ است او را به قتل رساند و بعد معلوم شود که واقعا مجنی علیه مرتکب لواط به عنف نبوده است؛ ولی جانی بتواند دلیلی برای اعتقاد خود ارائه دهد در این صورت: جانی قصاص نمی شود ولی دیه پرداخت می کند و تعزیر می شود.** (با استناد به ماده ۳۰۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲)

**سوال: اگر فردی به اعتقاد اینکه دیگری مرتکب سب النبی شده است او را به قتل رساند؛ بعد معلوم شود آن شخص اقدامش سب نبوده و کمتر از سب النبی بوده است؛ چه تصمیمی برای قاتل قابل اتخاذ است؟** قصاص نفس قابل اتخاذ است. مگر اشتباه خود را در اعتقاد به سب النبی بودن مجنی علیه ثابت کند. (با استناد به ماده ۳۰۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲)

**سوال: اگر فردی عمدا ولی بدون قصد قتل، نسبت به مجنی علیه که دارای وضعیت جسمی خاصی است؛ اقدام کشنده ای انجام داده و باعث مرگ او شود: قتل عمد است و اصل بر عدم علم او به وضعیت خاص مجنی علیه می باشد.** (با استناد به بند پ و تبصره ۲ ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲)

**سوال: الف عمدا ب را مجروح می سازد؛ ب به بیمارستان منتقل می شود و در حین مراقبت ها و فرایند درمانی از شدت درد ناشی از جراحی ها دستگاه ها را از بدن خود خارج ساخته و می میرد؛ در این صورت: مرگ به خود مجروح منتسب است.** (با استناد به مواد ۵۰۶ و ۵۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲)

**سوال: الف مدت ها دچار بیماری سرطان است؛ وخامت حال او به نحوی شده که وی را در حکم مرده قرار داده، فرد ب با قطع اکسیژن به طور عمدی به حیات غیرمستقر الف پایان می دهد؛ در این صورت فرد ب: به مجازات جنایت بر میت محکوم می شود.** (با استناد به ماده ۳۷۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲)

**سوال: تنبیه متعارف فرزند توسط والدین که اتفاقا منجر به مرگ فرزند می شود از مصادیق کدام مورد است؟** قتل شبه عمد است. (با استناد به ماده ۲۹۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲)

**سوال: وضعیت سه متهم ذیل را مشخص کنید**

۱. الف به قصد شکار به هدف شلیک می کند بعد از برخورد گلوله معلوم می شود که هدف یک حیوان نبوده بلکه انسان بوده است که کشته شده: قتل شبه عمد می باشد.

۲. ب به قصد شکار به هدف شلیک می کند اما تیر او کمانه کرده و به یکی از شکارچیان برخورد می کند و او را می کشد: قتل خطای محض است.

۳. ج به قصد شکار در محلی که در تیررس گلوله او افراد زیادی در رفت و آمد هستند؛ شلیک می کند ولی تیر به جای برخورد با حیوان با یک فرد برخورد کرده و او را می کشد: قتل عمد است.

**سوال: کسی، مرتکب جرم حدی مستوجب سلب حیات را بدون اجازه دادگاه به قتل می رساند؛ حکم او: تعزیر است.** با استناد به تبصره ۱ ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲

**سوال: پس از تیراندازی فرشید به سوی حمید و تحقق قتل، مشخص می شود مقتول فردی غیر از حمید و دارای محکومیت قطعی به ارتکاب جرم حدی مستوجب سلب حیات بوده است؛ حکم فرشید کدام است؟** حکم فرشید تعزیر است با استناد به ماده ۲۹۴ و بند الف ماده ۳۵۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲

**سوال:** اگر مجنی علیه به تصور اینکه جنایت وارده بر او به مرگ منتهی نمی‌شود؛ اقدام به قصاص عضو جانی کرده باشد و بعد از آن به دلیل سرایت همان جنایت بر عضو خود فوت کند؛ قاتل به قصاص نفس محکوم می‌شود و ولی دم باید قبل از قصاص نفس، دیه عضو قصاص شده بر جانی را به وی بپردازد. (مستند به ماده ۳۰۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲)

**سوال:** در صورت اجتماع مباشر و سبب؛ عاملی که جنایت مستند به اوست؛ ضامن است. (مستند به ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲)

**سوال:** اگر الف نه قصد اقدام علیه ب را داشته و نه قصد کشتن او را اما عملی را با این علم نوعی انجام می‌دهد که ب نیز ممکن است مورد آسیب قرار گیرد و اتفاقاً ب از آن اقدام او آسیب می‌بیند؛ جنایت وارد بر ب، عمدی است. (مستند به تبصره ماده ۲۹۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲)

**سوال:** اگر سوزن‌بان قطار به دلیل مصرف قرص خواب آور، به خواب رفته و به هنگام عبور قطار متوجه نبوده و اقدام به تعویض ریل‌ها ننماید و در نتیجه برخورد دو قطار با یکدیگر سرنشینان کشته شوند؛ سوزن‌بان چه عنوان مجرمانه ای خواهد داشت؟ تسبیب در قتل شبه عمد ناشی از تقصیر در قالب ترک فعل (استناد به ماده ۲۹۵ و بند پ ماده ۲۹۱ و ۵۰۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲)

**سوال:** اگر کسی عمداً بر روی دیگر مقدار فراوانی از اسید را بپاشد تا زیبایی چهره او را از بین ببرد اما مجنی علیه به دلیل شدت جراحات ناشی از اسید و تنفس آن دچار صدمه دیدگی شدید ریه شده و فوت کند؛ مرتکب به قتل عمد محکوم می‌شود با اعمال قصد تبعی جنایت (با استناد به بند ب ماده ۲۹۰ و ۲۹۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲)

**سوال:** اگر الف در حال تمرین تیراندازی به سمت یک سیل نشانه گیری که در مسافتی دور از او در باغی قرار گرفته است؛ باشد و بعد از شلیک چند گلوله ی همزمان، صدای فریادی شنیده شده و متعاقباً معلوم شود که یکی از تیرها به فردی که در آن حوالی در حال عبور بوده است؛ برخورد کرده؛ جنایت واقع شده ممکن است؛ عمد باشد. (با استناد به ماده ۲۹۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲)

**سوال:** اگر کسی غذای مسموم را به قصد کشتن سگی در داخل ظرفی ریخته و آن را در مسیر حرکت سگ در داخل حیاط بگذارد اما گدایی گرسنه به داخل حیاط آمده و غذا را خورده و بمیرد؛ جنایت واقع شده خطای محض است. (به استناد ماده ۲۹۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲)

**سوال:** الف به یک بیمار هموفیلی، صدمه‌ای را که نسبت به افراد متعارف غیر کشنده است؛ وارد می‌کند. با توجه به عدم انعقاد خونی نزد بیماران هموفیلی، نامبرده به قتل می‌رسد؛ قتل واقع شده؛ چه نوع قتلی است؟ در صورت آگاهی و توجه الف به وضعیت نامتعارف مجنی علیه قتل عمدی می‌باشد. (به استناد بند پ ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲)

**سوال:** الف بدون اینکه فردی جمع معینی مقصود وی باشد؛ ولی به قصد اینکه انسانی بمیرد؛ تیری را شلیک می‌کند و از قضا تیر او هم به شخصی برخورد کرده و کشته می‌شود؛ کدام قتل واقع شده است؟ قتل عمد واقع شده است. (به استناد بند ت ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲)

**سوال:** اکبر مبادرت به تهدید محسن کرده که اگر به خود سیلی‌های مکرر نزند؛ دست فرزندش را قطع می‌کند؛ محسن به خود سیلی زده و به علت سیلی‌های زده شده، شنوایی وی زایل می‌شود. چه کسی و برای چه نوع از صدمات، مسئول است؟ اکبر مسئول است؛ حسب مورد عمد یا شبه عمد (با استناد به مواد ۳۷۷ و ۳۷۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲)

**سوال:** مجید به تصور اینکه سیاهی داخل جنگل، حیوان وحشی است؛ به سمت وی سنگی پرتاب می‌کند. سنگ به آن سیاهی برخورد کرده و سپس مشخص می‌شود که سیاهی انسان بوده و سنگ به سر وی اصابت کرده است. صدمه وارده از کدام نوع است؟ شبه عمد است. (با استناد بند ب ماده ۲۹۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲)

**سوال:** پزشک اشتباهاً دارویی را برای بیمار تجویز می‌کند و پرستار نیز با وجود آگاهی از این اشتباه دارو را برای بیمار استفاده می‌کند؛ در صورتی که به بیمار صدمه وارد آید؛ پرستار مسئول است. (با استناد به تبصره ۱ ماده ۴۹۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲)

**سوال:** اگر دستوری که پزشک به اشتباه صادر می کند را پرستار عالم به اشتباه، اجرا نماید و در نتیجه آن بیمار فوت کند: پزشک مسئول است چون مباشر عالم می باشد. (با استناد به ماده ۴۹۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲)

**سوال:** مرتکب با علم به اینکه مجنی علیه دارای بیماری عدم انعقاد خون هست؛ اقدام به ایجاد جراحت دامیه بر روی مجنی علیه می نماید؛ اثر جعل مرتکب نسبت به کشنده بودن رفتارش نسبت به مجنی علیه بر اثر بیماری خاص آیا باید اثبات شود یا خیر؟ در غیر این صورت محکوم به کدام نوع قتل می شود؟ علم مرتکب بر کشنده بودن رفتار خود نسبت به مجنی علیه دارای بیماری خاص باید اثبات شود و الا قتل شبه عمدی است. (با استناد به تبصره ۲ ماده ۲۹۰)

**سوال:** علی که شکارچی ماهری است در جنگل به سوی خرس نشانه می رود و با شلیک چند گلوله به سوی وی اقدام به شکار خرس می کند؛ با نزدیک تر شدن به هدف متوجه می شود دشمن چندین ساله خود را مورد هدف قرار داده و با اظهار خشنودی از رفتار خود به منزل باز می گردد؛ چه جنایتی در فرض سوال تحقق یافته است؟ طبق ماده ۲۹۱ قانون مجازات اسلامی و عدم اقتران زمانی بین سوء نیست مجرمانه و رفتار فیزیکی قتل شبه عمد است.

**سوال:** حسین قصد کشتن علی را از طریق شلیک گلوله به دست وی دارد؛ با شلیک گلوله اتفاقاً گلوله به قلب علی برخورد می کند؛ قتل رخ داده از چه نوعی است؟ قتل عمد است.

**سوال:** الف در مسجد در حال سجده می باشد و فرد ب با برخورد به الف تعادل خود را از دست می دهد و با برخورد به زمین در دم فوت می کند؛ ضمان دیه متوجه چه کسی خواهد بود؟ در این صورت ضمان ساقط است.

**سوال:** پرستاری با علم بر اینکه به بیمار بستری شده باید هر ساعت جهت جلوگیری از مرگ، آمپول تزریق شود؛ عمداً بخواهد و بیمار بر اثر عدم تزریق آمپول فوت کند؛ حسب مورد نوع جنایت و رفتار فیزیکی ارتکاب یافته چیست؟ مستند به مواد ۱۵۳، تبصره ماده ۲۹۲ و ماده ۵۰۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲، قتل عمد است و رفتار فیزیکی تسبیب به شمار می رود.

**سوال:** احمد راننده اتومبیلی است که صبح یک روز کاری جهت رسیدن سریع به اداره وارد خیابان یک طرفه می شود و برخلاف جهت حرکت می کند؛ در این حین با برخورد به عابر پیاده ای موجب مرگ وی می شود؛ احمد به چه مجازاتی محکوم می شود؟ مطابق بند پ ماده ۲۹۱ و ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ و ماده ۶۱۶ قانون تعزیرات مصوب ۷۵ احمد به دیه و تعزیر محکوم می شود.

**سوال:** الف در درگیری با ب اقدام به قطع سه انگشت وی می کند و متعاقباً فرد به دلیل خونریزی فوت می شود؛ نوع جنایت تحقق یافته چیست؟ جنایت تحقق یافته نسبت به انگشتان عمدی است و نسبت به فوت شبه عمدی است. (مستند به ماده ۲۹۳ و ماده ۵۴۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲)

**سوال:** مامور مجری حکم اعدام به تصور اجرای حکم علیه محکوم علیه به اشتباه برادر دو قلولی وی را اعدام می کند؛ به فرض اثبات، نوع جنایت تحقق یافته چیست؟ قتل شبه عمد است.

**سوال:** الف به قصد تعدادی از اعضای تیم فوتبال رقیب که جهت بازدید از نمایشگاهی قرار است وارد این محل شوند؛ اقدام به کار گذاشتن بمبی در محوطه نمایشگاه می کند؛ ولی بر حسب اتفاق اعضای تیم فوتبال خودی وارد نمایشگاه می شوند و بر اثر انفجار بمب تعدادی از اعضای تیم فوت می شوند؛ نوع جنایت رخ داده چیست؟ قتل عمد است. با عنایت به ماده ۲۹۴ قانون مجازات اسلامی و عدم تاثیر اشتباه در هویت چه در مورد یک فرد و چه در مورد یک جمع

**سوال:** حامد به اعتقاد کشتن فرزند، علی را به قتل وی اکراه می کند و علی فرزند را به قتل می رساند؛ پس از آن حامد متوجه می شود مقتول برادر همزاد فرزند بوده است؛ در این صورت جنایت واقع شده چیست و مسئولیت قتل بر عهده چه کسی است؟ با توجه به ماده ۳۷۵ و ۲۹۴ قانون مجازات اسلامی قتل عمدی است و قصاص نفس متوجه علی است.

**سوال:** الف اقدام به وارد کردن جراحی شدید به ب می کند؛ دوستان ب وی را به بیمارستان منتقل می کنند اما پرستار بدون عذر موجه از پذیرش مصدوم امتناع می ورزد و ب در بیمارستان فوت می کند؛ در این صورت مسئولیت جنایت بر عهده چه کسی است؟ مطابق ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ مسئولیت مطلقاً متوجه الف است.



**سوال: الف به قصد قتل ب دست وی را از آرنج قطع می کند؛ الف با حصول سایر شرایط به چه مجازاتی محکوم خواهد شد؟**  
فقط به قصاص نفس یا دیه نفس محکوم خواهد شد و حسب تقاضای اولیای دم به قصاص نفس با پرداخت دیه نفس محکوم خواهد شد.  
(مستند به ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲)

**سوال: اگر کسی با یک ضربه عمدی موجب جنایات متعدد بر اعضای مجنی علیه شده و منجر به مرگ او شود؛ در این صورت با توجه به منطوق و مفهوم ماده ۲۹۸:**

۱. هر گاه همه ضربات موجب قتل شود و قتل نیز مشمول تعریف جنایت عمدی باشد؛ فقط به قصاص نفس محکوم می شود.
۲. هر گاه همه ضربات موجب قتل نشود و قتل نیز مشمول تعریف جنایت عمدی باشد؛ علاوه بر قصاص نفس به قصاص عضو نیز محکوم می شود.
۳. اگر قتل به وسیله مجموع جنایات تحقق یابد و ضربات به طور متناوب باشد؛ علاوه بر قصاص نفس، قصاص عضو یا دیه جنایات غیر متصل به قتل نیز ثابت است.

**سوال: اگر مجموع ضربات متعدد عمدی متوالی الف باعث قتل ب شود؛ حکم قضیه چیست؟ مطابق ماده ۲۹۹ قانون مجازات اسلامی، این ضربات در حکم یک ضربه است و تنها قصاص نفس اعمال می شود.**

**سوال: علی با سلاح سرد و با قصد قتل به سوی حمید حمله ور می شود و حمید در مقام دفاع با سلاح گرم مجاز حامد را به قتل می رساند؛ در این صورت حمید به چه مجازاتی محکوم خواهد شد؟** به دیه و تعزیر محکوم خواهد شد. (مستند به لزوم رعایت مراتب و مراحل دفاع طبق ماده ۱۵۶ و تبصره ۲ ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲)

**سوال: در فرض قتل عمدی مرتکب جرم ساب النبی و سرقت حدی برای بار دوم، حسب مورد مرتکب قتل به چه مجازاتی محکوم خواهد شد؟** به تعزیر و قصاص نفس محکوم خواهد شد. (با استناد به ماده ۲۶۲ و بند ب ماده ۲۷۸ و تبصره ۱ ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲)

**سوال: الف اقدام به ضرب عمدی به زنی می کند که نمی داند باردار است؛ هر گاه بعد از ضربه، جنین متولد شود و دارای حیات بالقوه نیز باشد و ضربه قبل از تولد منجر به مرگش شود؛ نوع جنایت رخ داده نسبت به جنین چه خواهد بود؟** قتل خطای محض می باشد.

**سوال: الف جهت شرکت در مهمانی غیر مجاز شبانه اقدام به مصرف قرص روانگردان صنعتی می کند؛ با وارد شدن به مهمانی در حالت عدم تعادل روحی و روانی مرتکب قتل یکی از دوستانش می شود؛ در این صورت: اصل بر تحقق جنایت عمدی و ثبوت قصاص است. اگر ثابت شود که الف می دانسته که با مصرف قرص وی در حالت نوعا کشنده بر اثر عدم تعادل روانی قرار می گیرد؛ جنایت عمدی خواهد بود.**

**سوال: رجوع شاکی از اقرار به انفراد مرتکب پس از اقامه قسامه، در فرضی که ادعای مجرمیت یک نفر از بین سه نفر را داشته باشد و قسامه را برای شرکت در جنایت اقامه کند؛ در این صورت اقامه قسامه توسط او؛ مطلقا قابل استماع نیست. (مستند به قسمت اخیر ماده ۳۲۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲)**

**سوال: پس از اقامه قسامه توسط متهم در چه صورتی شاکی می تواند علیه متهم دعوا را تجدید نماید؟** مطابق ماده ۳۴۴ شاکی فقط با بینه می تواند مجددا طرح دعوا کند آن هم پس از موافقت دادگاه

**سوال: پیرو توافق ولی دم با قاتل، گذشت از حق قصاص منوط بر این می شود تا قاتل رضایت دختر خود را جهت ازدواج با ولی دم مقتول کسب کند؛ هر گاه قاتل موفق به کسب رضایت دختر خود نشد؛ ولی دم چه اختیاراتی خواهد داشت؟** مطابق ماده ۳۶۲ قانون مجازات اسلامی پس از اثبات وجود توافق در دادگاه رسیدگی کننده به پرونده، حق قصاص همچنان محفوظ است.

**سوال: هر گاه مجری لوله کش سهوا اصول ایمنی را در لوله کشی رعایت نکند و بازرسی شرکت گاز نیز لوله کشی غیر ایمنی را تایید نماید و متعاقبا به علت نشت گاز اعضای خانه دچار مرگ شوند؛ ضمان قتل بر عهده چه کسی است؟** در این صورت مجری و بازرسی هر دو مشترکا ضامن هستند.

**سوال: الف در بیابان دست ب را قطع می کند به طوری که به علت خونریزی شدید ب تا چند ساعت دیگر فوت خواهد شد؛ در این حین ج با شلیک گلوله به حیات ب پایان می بخشد؛ در این صورت: قاتل ج است و الف به قصاص عضو محکوم خواهد شد. (با استناد**

به ماده ۳۷۱ و با عنایت به اینکه رفتار الف، ب را در حکم مرده قرار نداده و اقدام ج قاطع رابطه سببیت مرگ بوده، بنابراین ج قاتل علی خواهد بود.

**سوال: الف تیری را به قصد شکار رها می کند اما تیر کمانه کرده و به انسانی برخورد می کند؛ الف به دلیل عصبانیت مجنی علیه را به قصد تادیب و با فعل غیرکشنده مورد ضرب قرار می دهد و در نهایت به قصد قتل دست مجنی علیه را قطع می کند؛ با وصول نظریه پزشکی قانونی علت مرگ ناشی از تأثیر سه جراحت برخورد تیر، ضرب و قطع دست اعلام می شود؛ حکم قضیه در این صورت چه خواهد بود؟**

با توجه به ماده ۳۷۳ قانون مجازات اسلامی دو فرض وجود دارد:

۱. اولیای دم می توانند دو سوم دیه را از قاتل و یک سوم دیه را از عاقله قاتل اخذ کنند.

۲. با پرداخت یک سوم دیه مقتول از جانب عاقله قاتل به قاتل، اولیای دم می توانند الف را قصاص کنند.

**سوال: دو زن اقدام به قتل عمدی یک مرد می کنند؛ ولی دم چه اختیاراتی دارد؟** با توجه به ماده ۳۷۳ سه فرض می توان مطرح کرد:

۱. می تواند هر دو زن را بدون رد فاضل دیه قصاص کند.

۲. می تواند با اخذ یک دوم دیه از یک زن، زن دیگر را رایگان عفو کند.

۳. می تواند با اخذ یک دوم دیه از یک زن و یک دوم از زن دیگر، از قصاص چشم پوشی کند.

**سوال: هر گاه دو مرد و یک زن مرتکب قتل عمدی یک زن شوند؛ ولی دم زن جهت قصاص همه قاتلان به هر کدام باید چه میزانی تفاضل دیه پرداخت نماید؟**

طبق ماده ۳۷۴ قانون مجازات اسلامی به دو مرد هر کدام سه چهارم دیه کامل مرد و به زن یک دوم دیه کامل زن پرداخت می شود.

فرمول محاسبه تفاضل دیه مستقلاً برای هر قاتل: ( سهم قاتل در قتل X دیه مقتول) - دیه قاتل

**سوال: پدری یکی از پسرانش را به قتل پسر دیگر اکراه می کند و قتل واقع می شود؛ مجازات پدر چیست؟** با توجه به ماده ۳۷۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲، معاونت در قتل عمد است.

**سوال: الف جراحی را به طور عمدی به ب در ماه محرم وارد می کند و ب در ماه غیر حرام در حرم مکه بر اثر جراحت وارده فوت می کند؛ حکم دیه چگونه خواهد بود؟** در خصوص تغلیظ دیه باید گفت که مطلقاً دیه تغلیظ نمی شود.

**سوال: مرد مسلمان اقدام به قطع عمدی ۴ انگشت زن مسلمان می کند؛ مجنی علیه چه اختیاراتی دارد؟**

با استناد به ماده ۳۸۸ و ماده ۵۶۰ قانون مجازات اسلامی مجنی علیه از اختیارات ذیل برخوردار است:

۱. می تواند دو دهم دیه کامل مرد را مطالبه کند.

۲. می تواند پس از پرداخت دو دهم دیه کامل به مرد، چهار انگشت میانی را قصاص کند.

۳. می تواند بدون پرداخت دیه ای به مرد، دو انگشت جانی را قصاص نماید.

**سوال: عدول از شرط مماثلت و برابری در محل عضو مورد قصاص ناظر بر کدام یک از اعضا است؟** با توجه به تبصره ماده ۳۹۳ قانون مجازات اسلامی و روایتی از امام محمد باقر(ع) فقط ناظر به دست راست است.

**سوال: فردی به دلیل توهین و هتک حرمت دیگری به ۷۴ ضربه شلاق محکوم می شود؛ هر گاه در اثر اجرای شلاق صدمه ای بیش از مجازات به متهم وارد شود؛ ضمان متوجه چه کسی خواهد بود؟**

اگر صدمه و جراحت مستند به عمد یا تقصیر مجری حکم نباشد؛ ضمان بر بیت المال است.

**سوال: الف با پرتاب شخص ب بر روی شخص ج باعث مرگ شخص ج می شود؛ نوع قتل چیست؟** اگر مشمول تعریف جنایت عمدی نگردد؛ شبه عمد است.

**سوال: شخصی در ملک اجاره ای خود اقدام به حفر چاهی می کند و در این حین رهگذری که در حال عبور از آن ملک بوده**

**در چاه سقوط می کند و کشته می شود. ضمان متوجه چه کسی است؟** اصولاً ضمان منتفی است. مستند به ماده ۵۰۷ و ۵۰۸ قانون مجازات اسلامی و با توجه به اینکه حفر چاه از سوی مستاجر در ملکی بوده که قانوناً اجازه تصرف داشته، ضمان منتفی است.

**سوال: الف در ملک متعلق به غیر بدون اذن مالک، چاهی را حفر می کند و درب ملک را قفل می کند؛ در این حین ج بدون اذن مالک با شکستن درب وارد ملک می شود و با افتادن در چاه آسیب می بیند؛ تکلیف دیه چه خواهد شد؟** با استناد به تبصره ۲ ماده ۵۰۸ قانون مجازات اسلامی دیه ساقط است.

**سوال: هرگاه مامور فوریت‌های پزشکی در راستای احیای قلبی بیمار و با فشارهایی که بر قفسه سینه بیمار وارد می سازد باعث ایجاد، شکستگی داخلی می شود؛ تکلیف دیه چه خواهد بود؟** مطابق ماده ۵۱۰ و قاعده احسان، دیه به شرط رعایت نکات ایمنی ساقط است.

**سوال: هرگاه شخصی را شبانه و به طور مشکوکی از محل اقامتش فراخواند و فرد مفقود شود؛ در این صورت: دعوت کننده ضامن دیه است.**

**سوال: با احداث بنایی بر پایه استوار هر گاه بنا در معرض ریزش به سمت معبر قرار بگیرد و پس از مدتی فرو بریزد و سبب آسیب عابران شود؛ حکم قضیه چه خواهد بود؟** مطابق ماده ۵۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲، هر گاه قبل از آنکه مالک تمکن اصلاح پیدا کند؛ بنا فرو بریزد؛ ضامن به شرط آگاه سازی افراد در معرض آسیب منتفی است.

**سوال: در چه صورتی روشن کننده آتش ضامن خسارت وارده نیست؟** مطابق ماده ۵۲۱ قانون مجازات اسلامی در صورتی که بداند آتش به جایی سرایت نمی کند و غالباً هم سرایت نکند ولی اتفاقاً سرایت کند و یا آتش را در مکان مجاز روشن کرده باشد؛ ضامن خسارت وارده نیست.

**سوال: در صورت تحقق چه شرایطی متصرف حیوان، ضامن خسارت وارده نخواهد بود؟** مطابق ماده ۵۲۲ و تبصره ۱ آن متصرف از احتمال حمله حیوان آگاه نباشد و عدم آگاهی ناشی از تقصیر وی نباشد و متصرف توانایی حفظ حیوان را داشته باشد.

**سوال: الف جهت اسباب کشی منزل خود مقداری از اثاث را مقابل منزل خود جهت حمل بار به وانت قرار می دهد و ب با توجه به این موضوع چاهی را در کنار این اثاث حفر می کند و رهگذری پس از برخورد با اثاث به درون چاه سقوط می کند و فوت می شود؛ ضامن در این صورت متوجه چه کسی خواهد بود؟** ضامن متوجه سبب موخر در تاثیر است که در اینجا شخص الف می باشد.

**سوال: هرگاه بر اثر ارتکاب جنایت، چیزی از زن سقط شود که به تشخیص کارشناس، منشاء انسانی آن ثابت نشود؛ حکم قضیه چه خواهد بود؟** طبق ماده ۷۲۱ قانون مجازات اسلامی ضامن ساقط است.

**سوال: فردی در ایران به نفع ترکیه و به ضرر دولت عراق جاسوسی می کند؛ در صورت تحقق چه شرط یا شرایطی رفتار وی قابل تعقیب خواهد بود؟** مطابق ماده ۵۰۲ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ هرگاه رفتار باعث ورود صدمه به امنیت ملی گردد.

**سوال: مطابق قانون مجازات اسلامی ورود به اماکن ممنوعه برای کسب اطلاعات سیاسی - امنیتی در چه صورتی جرم محسوب می شود؟** مطابق ماده ۵۰۳ قانون تعزیرات مصوب ۷۵ صرف ورود به اماکن ممنوعه به قصد تحصیل اسناد، جرم است.

**سوال: مطابق قانون مجازات اسلامی تهیه عکس از استحکامات نظامی کشور در چه صورتی جرم محسوب می شود؟** مطابق ماده ۵۰۳ قانون تعزیرات، فارغ از توجه به سوء نیت خاص مرتکب، صرف گرفتن عکس از استحکامات نظامی جرم است.

**سوال: در چه صورتی تحریک نیروهای رزمنده به فرار از جبهه جنگ، جرم مستقل محسوب می شود؟** مطابق ماده ۵۰۴ قانون تعزیرات در صورتی که تحریک، موثر واقع شود.

**سوال: صرف جمع آوری اطلاعات طبقه بندی شده آیا جرم محسوب می شود؟** مطابق ماده ۵۰۵ قانون تعزیرات اگر به قصد بر هم زدن امنیت کشور باشد؛ جرم محسوب می شود ولو نتواند اطلاعات را در اختیار دیگران قرار دهد.

**سوال: بی مبالاتی و عدم رعایت اصول حفاظتی در حفظ اطلاعات طبقه بندی شده از سوی مأمورین دولتی در چه صورتی جرم محسوب می شود؟** مطابق ماده ۵۰۶ قانون تعزیرات در صورتی که به مأمور دولتی آموزش لازم داده شده باشد و توسط دشمن تخلیه اطلاعاتی گردد. ضمناً موضوع این سوال با ماده ۵ قانون جرایم رایانه ای نیز قابل تطبیق است.

**سوال: شرط اعمال عذر قانونی معافیت از مجازات نسبت به فردی که داخل دستجات اقدام کننده علیه امنیت بود چیست؟** با استناد به ماده ۵۰۷ قانون تعزیرات، در صورتی که ریاست و مرکزیتی نداشته باشد و قبل از تعقیب اسامی اشخاصی که در فساد و فتنه دخیل هستند را گزارش دهد یا پس از شروع به تعقیب با مأمورین دولتی همکاری موثر به عمل آورد.

**سوال: همکاری با دول خارجی علیه جمهوری اسلامی ایران در چه صورتی جرم است؟** مطابق ماده ۵۰۸ قانون تعزیرات هرگاه همکاری با دولت خارجی متخاصم باشد.

**سوال: شناسایی و اخفای جاسوسان در چه صورتی جرم است؟** مطابق ماده ۵۱۰ قانون تعزیرات، هر گاه به قصد بر هم زدن امنیت ملی یا کمک به دشمن باشد و لو اخفای جاسوس قبل از وارد کردن لطمه به کشور صورت گرفته باشد.

**سوال: معرفی فرد الف به کشور عربستان جهت جاسوسی، در چه صورتی جرم محسوب می‌شود؟** مطابق تبصره ماده ۵۱۰ قانون تعزیرات در صورتی که معرفی مسبوق به جذب و شناسایی باشد.

**سوال: الف ادعا می‌کند که در قطار تهران-مشهد بمب گذاری کرده است؛ در چه صورتی عمل وی جرم محسوب می‌شود؟** مطابق ماده ۵۱۱ قانون تعزیرات در صورتی که به قصد بر هم زدن امنیت کشور و تشویش اذهان عمومی باشد و ادعا دروغ و کذب باشد.

**سوال: ادعای بمب گذاری در نماز جمعه آیا جرم مستقل محسوب می‌شود؟** خیر، با استناد به ماده ۵۱۱ قانون تعزیرات جرم مستقل محسوب نمی‌شود و ادعای بمب گذاری در اماکن عمومی مشمول ماده ۵۱۱ نیست.

**سوال: در جرم تحریک مردم به قتل همدیگر آیا داشتن سوء نیت خاص و حصول نتیجه مجرمانه شرط است؟** مطابق ماده ۵۱۱ قانون تعزیرات در جرم تحریک مردم به قتل همدیگر سوء نیت خاص شرط است اما حصول نتیجه مجرمانه شرط نیست.

**سوال: جرم توهین به مقام رهبری و جرم سوء قصد به جان مراجع تقلید چه نوع جرمی محسوب می‌شود؟** جرم توهین به مقام رهبری و جرم سوء قصد به جان مراجع تقلید جرم قابل گذشت نیست.

**سوال: سوء قصد به جان کدام یک از مقامات خارجی و با احراز چه شرطی جرم محسوب می‌شود؟** طبق ماده ۵۱۶ قانون تعزیرات سوء قصد به جان رئیس کشور خارجی به شرطی که سوء قصد در قلمرو ایران باشد؛ جرم محسوب می‌شود. منظور از قلمرو ایران، اعم از خاکی، هوایی و آبی است.

**سوال: هرگاه سوء قصد به جان رئیس کشور خارجی منتهی به ایجاد جراحت جائفه نیز شود؛ مرتکب چگونه مجازات می‌شود؟** مطابق تبصره ماده ۵۱۶ قانون تعزیرات علاوه بر مجازات تعزیری به دیه جائفه نیز محکوم می‌شود.

**سوال: شرط جرم محسوب شدن توهین به رئیس کشور خارجی چیست؟**

مطابق ماده ۵۱۷ قانون تعزیرات:

۱. توهین علنی باشد.
۲. در قلمرو خاکی ایران صورت پذیرد.
۳. و به شرط معامله متقابل باشد.

**سوال: جرم سوء قصد به جان مقامات سیاسی خارجی و جرم توهین به مقامات سیاسی خارجی چه نوع جرمی است؟** مطابق تبصره ماده ۵۱۷ قانون تعزیرات در هر دو مورد جرمی غیر قابل گذشت محسوب نمی‌شود.

**سوال: تشکیل جمعیت در چه صورتی موجب تعزیر است؟** مطابق ماده ۴۹۸ قانون تعزیرات در صورتی که تشکیل جمعیت یا عضویت در جمعیت به قصد بر هم زدن امنیت کشور باشد.

**سوال: انجام فعالیت تبلیغی در چه صورت جرم علیه امنیت محسوب می‌شود؟** مطابق ماده ۵۰۰ قانون تعزیرات در صورتی که علیه کلیت نظام یا به نفع گروه‌های مخالف نظام باشد.

**سوال: ارتکاب جرم جاسوسی به نفع یک دولت خارجی و به ضرر دولت خارجی دیگر تحت چه شرایطی جرم محسوب می‌شود؟** مطابق ماده ۵۰۲ قانون تعزیرات در صورتی که داخل در خاک ایران بوده و به امنیت ملی صدمه وارد نماید.

**سوال: تحریک نیروهای رزمنده به عصیان یا فرار در چه صورتی موجب تحقق جرم محاربه است؟** مطابق ماده ۵۰۴ قانون تعزیرات در صورتی که تحریک موثر بوده و مرتکب دارای سوء نیت خاص باشد.

**سوال: تخلیه اطلاعاتی مأمورین دولتی که مسئول امور حفاظت و اطلاعات هستند؛ در چه صورتی جرم محسوب می‌شود؟** مطابق ماده ۵۰۶ قانون تعزیرات در صورتی که به آنها آموزش‌های لازم داده شود. (عنصر معنوی جرم موضوع این ماده بی‌مبالاتی است و در قانون جرایم رایانه‌ای مورد مشابهی وجود دارد.)

**سوال: ادعای بمب گذاری در هواپیما در چه صورتی جرم است؟** مطابق ماده ۵۱۱ قانون تعزیرات در صورتی که کذب بوده و به قصد بر هم زدن امنیت کشور و تشویش اذهان عمومی باشد.

**سوال: تحریک مردم به جنگ و کشتار به یکدیگر در چه صورتی جرم محسوب می شود؟** مطابق ماده ۵۱۲ قانون تعزیرات در صورتی که به قصد بر هم زدن امنیت کشور باشد.

**سوال: ساخت سکه تقلبی در چه صورتی جرم محسوب می شود؟** مطابق ماده ۵۱۸ قانون تعزیرات در صورتی که مسکوک طلا یا نقره داخلی یا خارجی باشد که مورد معامله واقع می شود.

**سوال: ترویج سکه قلب مربوط به رژیم پهلوی در چه صورتی جرم محسوب می شود؟** مطابق ماده ۵۱۸ قانون تعزیرات در صورتی که سکه قلب از نوع طلا یا نقره‌ای باشد که مورد معامله واقع می شود.

**سوال: تخدیش یک سکه در چه صورتی واجد وصف جزایی خواهد بود؟** مطابق ماده ۵۱۹ قانون تعزیرات در صورتی که تخدیش در مورد سکه‌های طلا یا نقره داخلی یا خارجی بوده و به قصد تقلب صورت گیرد.

**سوال: در صورتی که فردی با انداختن یک سکه تقلبی به داخل دستگاه مواد خوراکی دریافت کند؛ عمل وی چه جرمی محسوب می شود؟** مطابق ماده ۵۲۰ قانون تعزیرات ترویج سکه قلب محسوب می شود.

**سوال: مخدوش کردن سکه ۲۵۰ ریالی در چه صورتی جرم محسوب می شود؟** با توجه به ماده ۵۱۹ قانون تعزیرات جرم محسوب نمی شود.

**سوال: ساختن مهر دیگری یا به کار بردن آن چه جرمی محسوب می شود؟** با استناد به ماده ۵۲۳ قانون تعزیرات جعل مهر محسوب می شود.

**سوال: الف اقدام به ساختن مبایعه نامه ای به نام ب می کند و در حین استفاده از مبایعه نامه دستگیر می شود. الف مرتکب چه جرمی شده است؟** اگر مبایعه نامه امضاء یا مهر ب جعل نشده باشد؛ فاقد وصف جزایی است؛ چرا که جعل قرارداد بدون جعل امضاء یا مهر طرف مقابل به دلیل فقدان سندیت و عدم تحقق عنصر ضرر و لو بالقوه قابل تحقق نیست.

**سوال: قلم بردن در پلاک اتومبیل و تابلوی نقاشی چه جرمی محسوب می شود؟** با عنایت به اینکه موضوع جرم جعل ناظر بر محتوای نوشته است؛ در هر دو مورد جعل محسوب نمی شود.

**سوال: هر گاه کسی خود را به جای نقاش معروفی که مرده است معرفی نماید و با کشیدن نقاشی و جعل امضای نقاش مرده در ذیل نقاشی اقدام به فروش آن کند؛ مرتکب چه جرمی شده است؟** از آنجایی که در جرم جعل، هر گاه جعل نسبت به شخص مرده باشد هم، جرم محقق است؛ فرد مرتکب جعل امضاء شده است و از سوی دیگر با توسل به آن اقدام به بردن مال غیر نموده است؛ کلاهبرداری نیز محقق است.

**سوال: در چه صورتی مجازات جاعل اسکناس در هر حال اعدام است؟** مطابق ماده ۵۲۶ قانون تعزیرات و قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس هر گاه جعل اسکناس به صورت بانندی باشد؛ مجازات آنها اعدام است.

**سوال: آیا در جرم جعل سوء نیت خاص و قصد انتفاع از سوی جاعل شرط است؟** مطابق ماده ۵۲۳ قانون تعزیرات در جرم جعل، سوء نیت خاص شرط است اما داشتن قصد انتفاع شرط نیست.

#### نکته: مصادیقی از جعل مفادی:

۱. سردفتر نام یکی از متعاملین را غیر از آنچه که گفته شده وارد سند کند.

۲. منشی دادگاه اظهارات قاضی دادگاه را به صورت تحریف شده وارد صورتمجلس کند.

۳. مامور ثبت احوال جنسیت مولود را برخلاف گفته والدین تعمداً اشتباه بنویسد.

**سوال: در چه صورتی استفاده از کپی اوراق هویت شخصی مصداق جعل خواهد بود؟** مطابق ماده ۵۳۷ قانون تعزیرات در صورتی که موجب اشتباه با اصل شود و به جای مدرک اصلی مورد استفاده قرار گیرد مگر ممه‌ور به مهری باشد که نشان دهد؛ رونوشت است.

**سوال: شخص الف به شخص ب جهت انجام جعل گواهی پزشکی به اسم طیب برای تقدیم به دادگاه مراجعه می کند و ب مبادرت به جعل گواهی می نماید؛** در این صورت مطابق ماده ۵۳۸ قانون تعزیرات شخص الف و ب هر دو مباشر جرم هستند.

**سوال: صدور تصدیق نامه خلاف واقع از سوی مامور شهرداری در چه صورتی جرم است؟** مطابق ماده ۵۴۰ قانون تعزیرات در صورتی که موجب ضرر شخص ثالث و خزانه دولت گردد.

**سوال: طیب تصدیق نامه خلاف واقع را برای الف جهت تقدیم به مراجع قضایی صادر می کند و الف آن را تقدیم دادگاه می کند؛ الف مرتکب چه جرمی شده است؟** عمل وی فاقد وصف جزایی است. (مطابق ماده ۵۳۹ قانون تعزیرات و با عنایت به اینکه تصدیق نامه خلاف واقع، سند مجعول است عمل استفاده از سند مجعول، جرم نمی باشد و با توجه به اینکه در قوانین موضوعه جرمی تحت عنوان استفاده یا ارائه تصدیق نامه خلاف واقع وجود ندارد؛ عمل شخص الف فاقد وصف جزایی است.)

**سوال: هرگاه الف به جای ب (داوطلب اصلی) در امتحان وی شرکت کند؛ در این صورت مجازات الف و ب چیست؟** مطابق ماده ۵۴۱ قانون تعزیرات الف و ب به مجازات تعزیری و اداری محکوم می شوند.

**سوال: برای تحقق جرم جعل، طبق حقوق ایران چه شرطی لازم است؟** برای تحقق جرم جعل مورد جعل ساخته شده قابلیت ایراد ضرر به غیر را داشته باشد.

**سوال: ساختن سکه رایج خارجی در چه صورتی جرم است؟** مطابق ماده ۵۱۸ قانون تعزیرات در صورت شبیه بودن سکه با اصل آن جرم محسوب می شود.

**سوال: ساختن سکه ۷۰۰۰ ریالی در چه صورتی قلب سکه محسوب می شود؟** مطابق ماده ۵۲۰ قانون تعزیرات در هیچ صورتی قلب سکه محسوب نمی شود.

**سوال: مخدوش کردن سکه ۵۰۰۰ ریالی و خرج کردن آن چه جرمی است؟** با استناد به ماده ۵۲۰ قانون تعزیرات، این امر جرم نیست.

**سوال: عمل کسی که با انداختن سکه تقلبی ۲۰۰۰ ریالی به داخل دستگاه مخصوص، مواد خوراکی دریافت می کند؛ تحت چه عنوانی قابل تعقیب است؟** مطابق ماده ۵۲۰ قانون تعزیرات ترویج سکه قلب و سرقت محسوب می شود.

**سوال: الف چک پول بانک ملی را که به نشانه ابطال سوراخ شده است به دست می آورد. سوراخ های آن را با برگه ای که هم رنگ آن است؛ می پوشاند و در قبال خرید مالی از ب آن را به او می دهد؛ چه جرم یا جرائمی محقق شده است؟** مطابق ماده ۵۳۲ قانون تعزیرات جعل مادی - استفاده از سند مجعول و کلاهبرداری محقق شده است.

**سوال: در تحقق جرم جعل آیا استفاده شخص مرتکب شرط است؟** مطابق ماده ۵۳۵ قانون تعزیرات در تحقق جرم جعل استفاده شخص مرتکب شرط نیست.

**سوال: شخص الف سندی عادی را برای ارتکاب جرم جعل به شخص ب می دهد و او را تحریک به جعل می نماید و پس از انجام جعل توسط شخص ب، شخص الف آن را مورد استفاده قرار داده است؛ در این صورت: شخص الف به عنوان معاونت در جعل و مباشرت در استفاده از سند مجعول و شخص ب به اتهام مباشرت در جعل تعقیب می شوند.**

**سوال: عکس برداری از کارت شناسایی، اوراق هویت شخصی و مدارک دولتی و عمومی در چه صورتی جرم جعل محسوب می شود؟** مطابق ماده ۵۳۷ قانون تعزیرات در صورتی که شبیه با اصل بوده موجب اشتباه با اصل گردیده و فاقد هر گونه نشانه از اصلی بودن باشد.

**سوال: دکتری تصدیق نامه خلاف واقع برای شخص ب صادر کرده تا شخص ب آن را تحویل شرکت تولیدی داده و مرخصی استعلاجی بگیرد. در این صورت عمل دکتر فوق الذکر تحت چه عنوانی قابل تعقیب است؟** مطابق ماده ۵۳۹ و ۵۴۰ قانون تعزیرات چنانچه فرض ورود ضرر را به شرکت تولید جرم متصور بدانیم، رفتار پزشک عنوان مجرمانه مستقل دارد.

**سوال: صرف دادن اسلحه به فرد زندانی شده جهت مساعدت فرار شخص دیگر چه جرمی است؟** مطابق ماده ۵۵۲ قانون تعزیرات به عنوان مباشر جرم قابل تعقیب است.

**سوال: فرار از زندان توام با تخریب درب زندان:** مطابق ماده ۵۴۷ قانون تعزیرات یک جرم است با دو مجازات.

**سوال: صرف معرفی خود به عنوان مامور نیروی انتظامی به دیگری، تحت چه عنوانی قابل تعقیب است؟** مطابق ماده ۵۵۵ قانون تعزیرات به عنوان غصب عناوین شغلی قابل تعقیب است.

**سوال:** صرف پوشیدن لباس ماموران انتظامی در چه صورتی جرم محسوب می‌شود؟ مطابق ماده ۵۵۶ قانون تعزیرات در صورتی که پوشیدن لباس بدون مجوز و به صورت علنی باشد.

**سوال:** استفاده از عنوان علمی دکتر یا توسط فردی که دیپلم دارد؛ در چه صورتی فاقد وصف جزایی خواهد بود؟ مطابق ماده واحده قانون مجازات استفاده از عناوین علمی در صورتی که استفاده از عنوان علمی منتهی به کسب رضایت زن برای خواستگاری از وی شود.

**سوال:** هر گاه الف حین خارج کردن اموال تاریخی - فرهنگی از کشور دستگیر شود؛ عنوان جزایی وی چه خواهد بود؟ مطابق ماده ۵۶۱ قانون تعزیرات عنوان جزایی عمل وی قاچاق اموال تاریخی - فرهنگی خواهد بود.

**سوال:** انجام عملیات در حریم آثار فرهنگی - تاریخی در چه صورتی جرم محسوب می‌شود؟ مطابق ماده ۵۶۰ قانون تعزیرات در صورتی که عملیات بدون اجازه از سازمان میراث فرهنگی باشد و سبب تزلزل بنیان شود ولو منجر به خرابی آن نشود.

**سوال:** صرف حفاری و کاوش در مکانی آیا جرم است؟ مطابق ماده ۵۶۲ قانون تعزیرات، صرف حفاری و کاوش چنانچه به قصد تحصیل اموال تاریخی و فرهنگی باشد؛ جرم است.

**سوال:** مجازات خودداری از تحویل اموال تاریخی - فرهنگی که بر حسب تصادف به دست آمده چیست؟ با استناد به تبصره ۱ ماده ۵۶۲ قانون تعزیرات مجازات آن فقط ضبط اموال مکشوفه خواهد بود.

**سوال:** تجاوز به اماکن تاریخی - مذهبی در چه صورتی جرم محسوب می‌شود؟ با استناد به ماده ۵۶۳ قانون تعزیرات، در صورتی جرم محسوب می‌شود که:

۱. مکان به ثبت آثار ملی رسیده باشد.

۲. سازمان میراث فرهنگی قبلاً حدود و مشخصات ملک را تعیین و علامتگذاری کرده باشد.

۳. مکان مالک خصوصی نداشته باشد.

**سوال:** چنانچه مقام قضایی در قبال اخذ وجه از شاکی، متهم را به مجازاتی اشد از مجازات مقرر قانونی محکوم نماید؛ به چه مجازاتی محکوم خواهد شد؟ با استناد به ماده ۵۸۹ قانون تعزیرات در این صورت به مجازات ارتشاء و مجازات مقدار زائدی که مورد حکم واقع شده، محکوم خواهد شد.

**سوال:** هر گاه کارمند دولت در قبال اخذ چک (قبل از وصول) کاری فراتر از حدود وظایف مقرر برای دیگری انجام دهد؛ چه جرمی محقق شده است؟ مطابق ماده ۳ قانون تشدید هم ارتشاء محقق شده است و هم ارتشاء

**سوال:** احراز اینکه راشی جهت حفظ حقوق حقه خود ناچار از دادن مال به کارمند دولت بوده از مصادیق چیست؟ مطابق ماده ۵۹۱ قانون تعزیرات از مصادیق عذر قانونی معاف کننده است.

**سوال:** هرگاه راشی قبل از کشف جرم با ماموران همکاری کند؛ حکم مسئله کدام است؟ مطابق ماده ۳ قانون تشدید، از تعزیر مالی معاف خواهد شد و در مورد امتیاز طبق مقررات عمل می‌شود.

**سوال:** کسی که جرم ارتشاء را از طریق مذاکره و جلب موافقت طرفین تسهیل می‌کند؛ به چه مجازاتی محکوم می‌شود؟ مطابق ماده ۵۹۳ قانون تعزیرات به مجازات راشی محکوم خواهد شد.

**سوال:** دادن وجه یا مال به داوران و کارشناسان در چه صورتی جرم محسوب می‌شود؟ مطابق ماده ۵۸۸ قانون تعزیرات در صورتی که از سوی دادگاه یا توسط طرفین تعیین شده باشند و اخذ وجه یا مال منتهی به اظهار نظر به نفع یکی از طرفین شود.

**سوال:** الف سوار تاکسی می‌شود؛ راننده تاکسی به قصد بردن مال الف آرمیوه بیهوش کننده به وی می‌دهد و الف پس از خوردن آرمیوه بیهوش می‌شود و راننده تاکسی موفق به تحصیل اموال الف می‌شود؛ راننده تاکسی مرتکب چه جرمی شده است؟ مرتکب جرم سرقت شده است؛ چرا که بزه دیده با رضایت در اثر اغفال و فریب مال را تسلیم راننده نکرده است.

**سوال:** شرکت الف با توسل به وسایل متقلبانه موفق به بردن اموال مردم می‌شود و پس از آن با استفاده از وسایل ارتباط جمعی مالباختگان را از ایمن بودن وجوه پرداختی مطمئن می‌کند؛ شرکت الف مرتکب چه جرمی شده است؟ مرتکب کلاهبرداری ساده شده است.

**سوال:** در فرضی که الف با توسل به وسیله متقلبانه مقداری خوراکی از ب تحصیل کند و قبل از خوردن خوراکی دستگیر شود و نیز در فرضی که الف با توسل به وسیله متقلبانه اتومبیل ب را تحصیل کند و قبل از سوار شدن به اتومبیل دستگیر شود؛ حسب مورد چه جرمی محقق شده است؟ در هر دو مورد مرتکب کلاهبرداری شده است.

**سوال:** الف با پیدا کردن چکی در روی زمین، به بانک مراجعه کرده و اقدام به وصول وجه آن می کند؛ وی مرتکب چه جرمی شده است؟ مرتکب تحصیل مال از طریق نامشروع شده است.

**سوال:** الف منزل خود را در قالب سند عادی به ب اجاره می دهد و بعد از یک ماه همان منزل را با سند رسمی به ج اجاره می دهد؛ الف مرتکب چه جرمی شده است؟ مطابق ماده ۱۱۷ قانون ثبت اسناد و املاک مرتکب معامله معارض شده است.

**سوال:** علی با علم به وجود وراثی غیر از خود، مبادرت به تحصیل انحصار وراثت برخلاف حقیقت می نماید؛ وی مرتکب چه جرمی شده است؟ مطابق ماده ۹ قانون تصدیق حصر وراثت علی مرتکب کلاهبرداری شده است.

**سوال:** استفاده از ضعف نفس شخصی یا هوی و هوس یا حوائج شخصی افراد برای اخذ نوشته یا سند از وی، در چه صورتی جرم است؟ مطابق ماده ۵۹۶ قانون تعزیرات، در صورتی که فرد بزه دیده غیر رشید بوده و موجب التزام او یا برائت ذمه مرتکب یا هر شخص دیگر گردد.

**سوال:** هر کس با انجام اعمال متقلبانه مانند صحنه سازی صوری تصادف، تعویض خودرو یا ایجاد خسارت عمدی، وجوهی را بابت خسارت از بیمه دریافت کند؛ چه جرمی انجام داده است؟ ماهیتا کلاهبرداری بوده اما مجازات مستقلی برای آن پیش بینی نشده است.

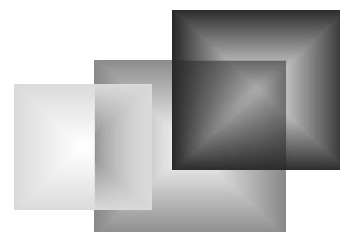
**سوال:** کسی که با استفاده از داروی بیهوش کننده دیگری را بیهوش نموده و مالش را بردارد؛ مرتکب چه جرمی شده است؟ مرتکب جرم سرقت شده است.

**سوال:** کارمند یکی از ادارات دولتی اموالی را که بر حسب وظیفه به وی سپرده شده است را مورد اتلاف عمومی قرار می دهد؛ وی مرتکب چه جرمی شده است؟ مطابق تبصره ۱ ماده ۵ قانون تشدید مرتکب اختلاس شده است.

**سوال:** در صورت توأم بودن عمل اختلاس با جعل سند؛ مرتکب چگونه مجازات خواهد شد؟ مطابق تبصره ۲ ماده ۵ تشدید، مجموع جرایم ارتكابی واجد عنوان مجرمانه خاص است.



**بخش سوم:**  
**نکات طلایی**



- در جرایم مستوجب حد مرتکب در صورتی مسئول است که علاوه بر داشتن علم، قصد و شرایط مسئولیت کیفری، به حرمت شرعی رفتار ارتكابی آگاه باشد.
- در جرایم مستوجب حد چنانچه مرتکب ادعای فقدان علم یا قصد یا یکی از موانع مسئولیت کیفری در زمان ارتكاب جرم نماید؛ در صورتی که احتمال صدق گفتار وی داده شود، این ادعا پذیرفته می‌شود. اگر ادعای کند که اقرار او با تهدید و ارباب و یا شکنجه گرفته شده است؛ ادعای مذکور بدون نیاز به بینه و سوگند پذیرفته می‌شود. لکن در جرایم **محاربه، افساد فی الارض و جرایم منافی عفت یا عنف، اکراه، ربایش یا اغفال**، صرف ادعای مسقط حد نیست و دادگاه موظف به بررسی و تحقیق بوده و فقط در صورت اثبات محتوای ادعا، ادعای مذکور پذیرفته می‌شود.
- اقرار در صورتی اعتبار شرعی دارد که نزد قاضی در محکمه انجام گیرد پس در حدود شرعی، اقرار نزد ضابطین دادگستری یا حتی نزد مقامات دادرسی فاقد حجیت شرعی است.
- قاضی نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوی و صدور حکم امتناع نماید و در صورت امتناع مستنکف از احقاق حق شناخته شده و به مجازات مقرر در ماده ۵۹۷ قانون مجازات اسلامی محکوم خواهد شد.
- هر کس با سوء استفاده از آثار مبتذل و مستهجن تهیه شده از دیگری، وی را تهدید به افشاء و انتشار آثار مزبور نماید و از این طریق با وی زنا نماید به مجازات زنا **به عنف محکوم می‌شود**. ضمناً باید قائل به این شد که لزومی بر اینکه اثر مربوطه توسط شخص استفاده کننده تهیه شده باشد، نیست. (قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت های غیر مجاز می نمایند).
- رسیدگی به جرایم قاچاق کالا و ارز سازمان یافته و حرفه‌ای، قاچاق کالاهای ممنوع و قاچاق کالا و ارز مستلزم حبس و یا انفصال از خدمات دولتی، در صلاحیت دادرسی و دادگاه انقلاب است. رسیدگی به سایر پرونده‌های قاچاق کالا و ارز در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی است. نکته: ادواتی که جهت ساخت یا تسهیل ارتكاب قاچاق کالای ممنوع مورد استفاده قرار می‌گیرد و وجوه حاصله از معاملات مربوط ضبط می‌شوند.
- هر کس به طور غیرمجاز، داده‌های متعلق به دیگری را برآید، چنانچه عین داده در اختیار صاحب آن باشد، به جزای نقدی از یک تا بیست میلیون ریال و در غیر این صورت به حبس از نود و یک روز تا یک سال یا جزای نقدی از پنج تا بیست میلیون ریال یا هر دو مجازات خواهد شد. (قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸)
- سارقین مسلحی که روز هنگام و در ساعات اداری و حضور مردم مبادرت به سرقت مسلحانه از بانک نموده و از این طریق و به جهت دست بردن به سلاح، موجبات سلب امنیت مردم و ناامنی را به وجود آورند، محارب محسوب می‌شوند. بدیهی است که همین افراد اگر شب هنگام و یا در روز تعطیل و به صورت پنهانی مبادرت به سرقت وجوه نگهداری شده در گاو صندوق بانک نموده ولو اینکه در این راستا دستی نیز به سلاح برده شود، مرتکب جرم سرقت حدی شده‌اند. البته اگر شرایط سرقت حدی احراز نشود، یعنی هر گاه سرقت مقرون به آزار و یا سارق مسلح باشد به حبس از سه ماه تا ده سال و شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم می‌شود و اگر جرحی نیز واقع شده باشد علاوه بر مجازات جرح به حداکثر مجازات مذکور در ماده ۶۵۲ محکوم می‌شود.
- راهزنی مستلزم حمل و یا کاربرد سلاح نیست. هرگاه حمل سلاح به عنوان عنصر مادی به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنها موجب سلب امنیت شود، محارب محسوب خواهد شد.
- نکته: حد محاربه یکی از چهار مجازات اعدام - صلب - قطع دست راست و پای چپ و نفی بلد می‌باشد.
- نکته: حکم محکومیت قطعی در جرایم موجب حد محاربه و افساد فی الارض در صورتی که درج حکم موجب اخلال در نظم یا امنیت نباشد؛ باید در یکی از روزنامه‌های محلی در یک نوبت منتشر شود.
- نکته: هر گاه کسی بر روی صورت دختری که به پیشنهاد خواستگاری اش جواب رد داده، اسید پاشی کند؛ بر فرض اینکه اسید پاشی را کاربرد سلاح بدانیم، باز هم محاربه مصداق ندارد؛ چه اینکه این عمل سلاح محسوب نمی‌شود. فلذا تحقق جرم محاربه از طریق اسید پاشی قابل تحقق نیست.
- برای صدق عنوان محاربه، دست بردن به سلاح شرط لازم نبوده بلکه در پاره‌ای موارد، قصد براندازی حکومت یا اخلال در نظام یا شکست جبهه اسلام و لو بدون کاربرد سلاح موجب تحقق عنوان محاربه می‌شود. مثال: هرگاه تخریب تأسیسات و ساختمان‌ها، استحکامات نظامی، کشتی، هواپیما و... توسط یک نظامی و به قصد براندازی حکومت و ایجاد فساد بوده یا در نتیجه اعمال مذکور، لطمات جبران ناپذیری به عملیات نظامی وارد شود، نامبرده محارب محسوب می‌شود. (قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۸۲)

□ هر فرد نظامی که علیه جمهوری اسلامی ایران اقدام مسلحانه کند، **محارب است**. هر نظامی که اسرار نظامی، سیاسی و یا اقتصادی مربوط به نیروهای مسلح را به دشمنان داخلی یا خارجی تسلیم کند یا آنها را مطلع نماید، **محارب است**. هر نظامی که به نحوی از انحاء برای جدا کردن قسمتی از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران یا برای لطمه وارد کردن به استقلال یا تمامیت ارضی ایران، اقدام نماید، **محارب است**.

□ دشمن لزوماً کشوری که در حال جنگ با ایران می باشد نیست. مضاف بر اینکه داخلی یا خارجی بودن و یا دولت بودن یا نبودن آن هم اهمیتی ندارد؛ بلکه فرد، گروه، سازمان و یا دولتی که در جهت مقابله و مبارزه با نظام اسلامی و بر هم زدن امنیت میهن تلاش می کند، دشمن محسوب می گردد. تشخیص متخاصم بودن در صورت محرز نبودن برای دادگاه بر عهده شورای عالی امنیت ملی است.

□ **افساد فی الارض**: هر کس به طور گسترده مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اخلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مرکز فساد و فحشاء یا معاونت در آنها گردد؛ به گونه ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی یا سبب اشاعه فساد یا فحشاء در حد وسیع شود؛ مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می گردد. **نکته:** هر گاه از مجموع ادله و شواهد، قصد اخلال گسترده در نظم عمومی، ایجاد ناامنی، ایراد خسارت عمده و یا اشاعه فساد یا فحشاء در حد وسیع و یا علم به مؤثر بودن اقدامات انجام شده را احراز نکند اگر جرم ارتكابی مشمول مجازات قانونی دیگری باشد، مرتکب به مجازات همان جرم و اگر جرم ارتكابی مشمول مجازات قانونی دیگری نباشد، با توجه به میزان نتایج زیانبار جرم، مرتکب به حبس تعزیری درجه پنج یا شش محکوم می شود.

□ افساد فی الارض جرم مقید است که احتیاج به سوء نیت خاص دارد.

و  
و  
و  
و  
و  
و  
و  
و  
و  
و

□ چنانچه جنایتی که موجب زوال یکی از منافع شده، سرایت کند و سبب مرگ مجنی علیه شود دیه منفعت در دیه نفس تداخل می یابند و تنها دیه نفس قابل مطالبه است.

□ در مورد ایراد با ضرب و یا جرح چه واحد و چه متعدد، هر گاه متعاقباً مجنی علیه فوت شود، فقط ضمان نفس ثابت می شود و جنایات وارده بر اعضا دچار تداخل در نفس می گردند. این امر در مورد ضرب و جراحات هابی اعمال می شود که به طور واحد و یا جمعا به علت فوت تشخیص داده شوند. مثل تشخیص پزشکی قانونی. پس ضربات و آسیب هابی که به نظر کارشناس سبب فوت نشده اند، دچار تداخل در نفس نشده و علاوه بر ضمان نفس، ضمان آنها نیز ثابت می باشد.

□ در مواردی که جنایت یا جنایات ارتكابی به قسمت بیشتری از یک عضو یا اعضای دیگر مجنی علیه سرایت کند مانند اینکه ایراد چندین جرح بر دست مجنی علیه سبب قطع آن شود، فقط ضمان از باب دست ثابت می شود و در نتیجه جروح وارده دچار تداخل در آن می گردند.

□ در مواردی که جراحات های وارده، برخی بر بازوی و برخی بر ساعد و مچ مجنی علیه صورت گیرد و دسته اخیر منجر به قطع دست از ناحیه آرنج شود، ضمان آسیب های وارد بر ساعد و مچ در ضمان قطع ید تداخل می یابند لکن جراحات های وارده بر بازوی مجنی علیه همچنان مستقر بوده و دچار تداخل در قطع دست نمی شوند.

□ قطع لاله گوش که موجب زوال شنوایی یا قطع بینی که موجب زوال بویایی شود، دو جنایت محسوب می‌شوند؛ زیرا اصل بر عدم تداخل است و تداخل جنایت محسوب نمی‌شود.<sup>۱</sup>

□ در آوردن حدقه چشم که بالطبع به کوری منجر می‌شود یک جنایت محسوب شده و منطوقاً قصاص یا دیه مربوطه تعلق خواهد گرفت.  
 □ اگر مجنی علیه به تصور اینکه جنایت وارد بر او به قتل منجر نمی‌شود و یا اگر به قتل منجر شود، قتل عمدی محسوب می‌شود، قصاص کند یا گذشت یا مصالحه بر دیه یا غیر آن نماید و بعد از آن جنایت واقع شده به نفس سرایت کند و به فوت مجنی علیه منجر شود، هر گاه قتل مشمول تعریف جنایات عمدی باشد، قاتل به قصاص نفس محکوم می‌شود و چنانچه عضو مرتکب، قصاص شده یا با او مصالحه شده باشد ولی دم باید قبل از قصاص نفس، دیه عضو قصاص شده یا وجه المصلحه را به وی بپردازد لکن اگر جنایت مشمول تعریف جنایت عمدی نگردد به پرداخت دیه نفس بدون احتساب دیه عضو قصاص شده یا وجه المصلحه اخذ شده محکوم می‌شود.

□ مراد از تساوی در دین در قصاص تساوی در مذهب نیست. اگر مجنی علیه سنی باشد و جانی شیعه باشد شرط تساوی در دین فراهم است. **نکته:** تساوی در دین در مورد مسلمان بودن مجنی علیه جاری نیست: اگر جانی غیرمسلمان و مجنی علیه مسلمان باشد؛ جانی قصاص می‌شود.

□ چنانچه جانی از کفار مورد حمایت قوانین ایران (ذمی - مستامن - معاهد - زردشتی - کلیمی - مسیحی) بوده اما مجنی علیه از سایر کفار باشد؛ جانی به دلیل عدم تساوی در دین قصاص نمی‌شود. **نکته:** چنانچه شخص کافر، کافری را به قتل برساند و سپس قاتل (کافر) مسلمان شود، قصاص نمی‌شود اما دیه و تعزیر می‌شود.

□ اگر مسلمانی که قبلاً کافر بوده کافری را عمداً بکشد و آنگاه مجدداً کافر شود قصاص نمی‌شود. چرا که در لحظه وقوع قتل مسلمان بوده است.

□ جنایت بر فرزند چه دختر و چه پسر توسط پدر قابل قصاص نیست اما برعکسش قابل قصاص است.

□ در جنایت نابالغ در برابر بالغ قصاص نمی‌شود اما برعکس چرا.

□ **نکته مهم:** جنایت عمدی بر جنین هر چند پس از حلول روح باشد قتل نفس محسوب نشده و موجب قصاص نیست. اما مرتکب علاوه بر پرداخت دیه به مجازات تعزیری محکوم می‌شود.

□ اگر جنینی بعد از تحمل جنایت و یا ضربه زنده متولد شود و دارای قابلیت ادامه حیات باشد و جنایت قبل از تولد منجر به نقص یا مرگ او پس از تولد شود و یا نقص او بعد از تولد باقی بماند، قصاص ثابت است. فلذا ایراد جنایت بر جنین در صورتی که در همان شرایط جنینی منجر به فوت آن شود نسبت به جنین موجب قصاص نبوده بلکه مستوجب دیه و تعزیر مربوطه خواهد بود. لکن چنانچه جنین مضروب و یا مجروح زنده متولد شده در حالی که قابلیت ادامه حیات را نیز دارد و سپس در نتیجه آن لطمات، فوت نماید و یا ناقص شده باشد، جانی قابل قصاص است.

□ اگر جنینی بعد از تحمل جنایت و یا ضربه زنده متولد شود و دارای قابلیت ادامه حیات نباشد مانند اینکه جنین ساقطه باشد و سر وی متلاشی شده و قلبش بعد از به دنیا آمدن ضربان داشته باشد، جانی قصاص نمی‌شود چرا که جنین یا نوزاد متولد شده قابلیت حیات ندارد.

□ **نکته مهم:** شخصی برای انجام جرمی خود را مست می‌کند و بر اثر آن شخص دیگری را به قتل می‌رساند؛ در این صورت جرم عمدی بوده و جانی قصاص می‌شود؛ هر چند به طور کلی مسلوب الاختیار شده باشد

۱ - سوال دکتری سال ۹۹- در کدام مورد تداخل جنایات صورت نمی‌گیرد؟

۱- قطع عمدی لاله گوش دیگری که باعث زوال قدرت شنوایی بزه دیده شود.

۲- اگر کسی عمداً جنایتی بر می‌کشد و جنایت به آرنج وی نیز تسری کند.

۳- اگر کسی با ضربات متوالی به اعضای مجنی علیه موجب قتل وی در اثر مجموع ضربات شود.

۴- اگر کسی با یک ضربه عمدی موجب جنایات متعدد بر اعضای مجنی علیه شود که مجموع صدمات موجب قتل وی شوند.

گزینه ۱ صحیح است.

- شخصی به دلیل مستی جرمی انجام می دهد چنانچه ثابت کند که به کلی مسلوب الاختیار بوده است قصاص نمی شود اما باید دیه بپردازد و تعزیر می شود.
- شخصی جرمی انجام می دهد اما در دادگاه ثابت نشده که در زمان ارتکاب جرم بالغ یا عاقل بوده یا در حالت جنون جرم انجام شده است؛ در این صورت اگر مرتکب خلاف داشتن جنون یا نداشتن بلوغ را ادعا کند ولی دم یا مجنی علیه بایستی برای ادعای خود بینه اقامه کند در صورت عدم اقامه بینه قصاص منتفی است. البته اگر ثابت شود قبل از انجام جرم در حالت افاقه بوده است در این صورت جانی باید بینه اقامه کند در غیر این صورت قصاص می شود.
- قسامه عبارت از سوگندهایی که در صورت فقدان ادله دیگر غیر از سوگند منکر و نیز در صورت وجود لوث، شاکی برای اثبات جنایت عمدی یا غیرعمدی یا خصوصیات آن و متهم برای دفع اتهام از خود اقامه می کند.
- لوث: عبارت از وجود قراین و اماراتی است که موج ظن قاضی به ارتکاب جنایت یا نحوه ارتکاب از جانب متهم می شود.
- فقدان قراین و امارات موجب ظن و صرف حضور فرد در محل وقوع جنایت از مصادیق لوث محسوب نمی شود و او با ادای یک سوگند تبرئه می شود.
- اگر شاکی اقامه قسامه نکند و از مطالبه قسامه از متهم نیز خودداری ورزد، متهم در جنایات **عمدی**، با تامین مناسب (مدت زمان آن نهایت ۳ ماه است) آزاد می شود اما باز هم حق اقامه قسامه یا مطالبه آن برای شاکی باقی می ماند. و در جنایت **غیرعمدی** بدون تامین آزاد می شود لکن حق قسامه یا مطالبه آن برای شاکی باقی نمی ماند.
- اگر شاکی از متهم درخواست قسامه کند و وی حاضر به قسامه شود و آن را نیز بجا آورد تبرئه شده و دیه مجنی علیه از بیت المال پرداخت می شود. لکن اگر متهم حاضر به اقامه قسامه نشود به علت وجود ظن جنایت به او منتسب می شود ولی فقط دیه مستقر می گردد نه قصاص.
- پس از اقامه قسامه توسط متهم شاکی نمی تواند با بینه یا قسامه دعوی را علیه متهم تجدید کند.
- اگر مجنی علیه یا ولی دم فوت کند هر یک از وارثان متوفی بدون نیاز به توافق دیگر ورثه متوفی یا دیگر اولیای دم، حق مطالبه یا اقامه قسامه را دارند. اگر برخی از ورثه اصل اتهام یا برخی از خصوصیات آن را از متهم نفی کنند حق دیگران با وجود لوث برای اقامه قسامه محفوظ است.
- اگر چند نفر متهم به شرکت در یک جنایت باشند و لوث علیه همه آنان باشد، اقامه یک قسامه برای شاکی جهت اثبات شرکت آنان در ارتکاب جنایت کافی است و لزومی به اقامه قسامه برای هر یک نیست.
- در صورتی که شاکی متعدد باشد اقامه یک قسامه برای همه آنان کافی است لکن در صورت تعدد متهمان برای برائت هر یک اقامه قسامه مستقل لازم است.
- اگر شاکی ادعا کند که تنها یک شخص معین از دو یا چند نفر مجرم است و قسامه بر شرکت در جنایت اقامه شود، شاکی نمی تواند غیر از آن یک نفر را قصاص کند و چنانچه دیه قصاص شونده بیش از سهم دیه جنایت او باشد شریک یا شرکای دیگر باید مازاد دیه مذکور را به قصاص شونده بپردازند.
- در صورت رسیدن نوبت اقامه قسامه به متهم و در عین حال نکول و یا امتناع او از اقامه قسامه فقط دیه مستقر می شود نه قصاص.
- اگر نسبت به خصوصیات جنایت، لوث حاصل نشود یا سوگندخوردگان بر آن خصوصیات سوگند یاد نکنند و فقط بر انتساب جنایت به مرتکب سوگند بخورند، به دلیل قاعده لزوم اکتفاء به قدر متیقن اصل ارتکاب جنایت اثبات می شود و دیه تعلق می گیرد.
- چنانچه اصل ارتکاب جنایت با دلیلی به جز قسامه اثبات شود، خصوصیات آن در صورت حصول لوث در هر یک از آنها به وسیله قسامه قابل اثبات است مانند آنکه یکی از دو شاهد عادل به اصل قتل و دیگری به قتل عمدی شهادت دهد که در این صورت اصل قتل با بینه یعنی همان دو شاهد اثبات می شود و در صورت لوث، عمدی بودن قتل با قسامه ثابت می گردد.
- در قسامه تکرار سوگند توسط شاکی و بستگان او پذیرفته نمی شود اما تکرار سوگند توسط متهم و بستگان او پذیرفته می شود.
- حدود و تعزیرات با سوگند، نفی یا اثبات نمی شود لکن قصاص، دیه، ارش و ضرر و زیان ناشی از جرایم با سوگند ثابت می شود.

□ اگر پس از اقامه قسامه و پیش از صدور حکم دلیل معتبری بر خلاف قسامه یافت شود و یا فقدان شرایط قسامه اثبات گردد قسامه باطل می‌شود و چنانچه بعد از صدور حکم باشد موضوع از موارد اعاده دادرسی است.

□ صرف حضور فرد در محل وقوع جنایت از مصادیق لوث محسوب نمی‌شود و او با ادای یک سوگند تبرئه می‌شود.

□ نصاب قسامه برای اثبات قتل عمدی سوگند ۵۰ نفر مرد از خویشان و بستگان مدعی است و سوگند شاکی خواه مرد باشد خواهد زن جزء نصاب محسوب می‌شود. در مورد جنایات شبه عمد و خطای محض نصاب قسامه ۲۵ قسم است

□ نصاب قسامه در جراحات:

۱. در جنایاتی که موجب دیه کامل است: ۶ قسم
۲. موجب پنج ششم دیه است: ۵ قسم
۳. موجب دو سوم دیه کامل است: ۴ قسم
۴. موجب یک دوم دیه کامل است: ۳ قسم
۵. موجب یک سوم دیه کامل است: ۲ قسم
۶. موجب یک ششم دیه کامل یا کمتر از آن است: ۱ قسم

□ نکته: چنانچه مقدار دیه بیش از مقدار مقرر در آن بند و کمتر از مقدار مقرر در بند قبلی باشد، رعایت نصاب بیشتر لازم است.

□ نکته: جراحاتی که دیه مقدر نداشته و موجب ارش می‌شوند از نظر قانون ایران با قسامه قابل اثبات نیستند. (دکتر حسین میر محمد صادقی)

□ در صورت عدم اقامه قسامه از سوی شاکی و مطالبه آن از متهم و نیز اقامه قسامه توسط متهم، وی تبرئه می‌شود و در موارد قتل، دیه از بیت المال پرداخت می‌شود. در صورت عدم اقامه قسامه از سوی شاکی و مطالبه آن از متهم و در عین حال امتناع متهم از این کار، متهم به پرداخت دیه محکوم خواهد شد.

□ در صورتی که شاکی متعدد باشد، اقامه یک قسامه برای همه آنان کافی است، لکن در صورت تعدد متهمان برای برائت هر یک، اقامه قسامه مستقل لازم است. در موارد تحقق لوث دایر بر مشارکت چند نفر در ارتکاب جنایت، اقامه یک قسامه توسط شاکی کافی است و الا در مواردی که مدعی علیه قصد کسب برائت دارند، هر یک باید جداگانه اقامه قسامه نمایند.

□ در مواردی که ولی امر ولی دم مقتول است، وی می‌تواند همانند ولی دم اقامه قسامه کند که در چنین حالتی اگر دیه اخذ شود به بیت المال واریز خواهد شد.

□ اگر مقتول یا مجنی علیه یا ولی دم که صغیر یا مجنون است ولی نداشته باشد، ولی او مقام رهبری است و رئیس قوه قضاییه با استیذان از مقام رهبری و در صورت موافقت ایشان اختیار آن را به دادستان های مربوط تفویض می‌کند.

□ در مورد ثبوت حق قصاص، صاحب حق یعنی مجنی علیه و یا ولی دم اختیار استیفای قصاص و یا گذشت را دارد؛ بدون اینکه نظر جانی در این خصوص اخذ شود؛ لکن اگر شاکی خواهان دیه باشد، اخذ رضایت جانی ضروری است. نکته: در هر موردی که شاکی مطالبه دیه یا مال می‌نماید، رضایت جانی شرط است؛ مگر در مواردی که اجرای قصاص، مستلزم پرداخت فاضل دیه به قصاص شونده باشد که در این صورت صاحب حق قصاص، میان قصاص با رد فاضل دیه و یا گرفتن دیه مقرر در قانون ولو بدون رضایت مرتکب مخیر است. □ در مورد جنایت بر دو نفر در صورتی که اولیای دم هر دو مجنی علیه خواهان قصاص باشند و دو مجنی علیه از نظر دیه یکسان نباشند و دیه مرتکبان بیش از دیه مجنی علیه باشد، مانند اینکه هر دو قاتل مرد باشند و یکی از دو مقتول زن باشد، خواهان قصاص از سوی زن، باید نصف دیه کامل را بپردازد که در این صورت به سبب مشخص نبودن مرتکب قتل زن، فاضل دیه مذکور میان مرتکبان به نسبت مساوی تقسیم می‌شود.

□ هر کس با شخص یا اشخاص دیگر در عملیات اجرایی جرمی مشارکت کند و جرم مستند به رفتار همه آنها باشد؛ خواه رفتار هر یک به تنهایی برای وقوع جرم کافی باشد خواه نباشد و خواه اثر کار آنان مساوی باشد خواه متفاوت، شریک در جرم محسوب و مجازات او مجازات فاعل مستقل آن جرم است. در مورد رای عمدی نیز چنانچه جرم مستند به تقصیر دو یا چند نفر باشد مقصر آن شریک در جرم و یا جنایات محسوب می‌شوند و مجازات هر یک از آنان مجازات فاعل مستقل آن جرم است.

□ اگر عده ای آسیب‌هایی را بر مجنی علیه وارد کنند و تنها برخی از آسیب‌ها موجب قتل او شود فقط واردکنندگان این آسیب‌ها شریک در قتل می‌باشند و دیگران حسب مورد به قصاص عضو یا پرداخت دیه محکوم می‌شوند.

### ☐ نکته مهم: هم در جنایات عمدی و هم جنایات غیر عمدی:

• هر گاه کسی آسیبی به شخصی وارد کند به گونه ای که وی را در حکم مرده قرار داده و تنها آخرین رمق حیات در او باقی بماند و در این حال دیگری با انجام رفتاری به حیات غیر مستقر او پایان دهد؛ **قتل منتسب به نفر اول بوده و در نتیجه نفر اول قصاص می‌شوند و نفر دوم به مجازات جنایت بر میت محکوم می‌گردد.**

☐ اگر در قتل مجوز قتل نیست و **مرتکب یا مباشر قصاص می‌شود** و اگر اکره کننده به حبس ابد محکوم می‌گردد.

☐ اگر اکره شونده طفل غیر ممیز یا مجنون باشد فقط **اکراه کننده محکوم به قصاص است** و اگر اکره شونده طفل ممیز باشد عاقله او دیه مقتول را می‌پردازد. در این مورد اکره کننده **حبس ابد می‌شود. اگر اکره کننده به هر علت به حبس ابد محکوم نشود به مجازات معاون در قتل محکوم می‌شود.**

☐ اگر پدری، دیگری را جهت قتل فرزندش اکره به قتل کند در صورت قتل فرزند توسط شخص اکره شده مباشر قصاص می‌شود لکن اکره کننده به دلیل وجود رابطه ابوت محکوم به حبس ابد نیز نخواهد شد اما به مجازات معاون در قتل محکوم می‌شود.

☐ اگر چه در اکره در قتل، اکره مجوز قتل نیست، ولی اکره در جنایات مادون نفس طی شرایطی می‌تواند مجوز جنایت محسوب شود که در این صورت اکره کننده حسب مورد ضامن قصاص یا دیه است و مباشر هیچ مسئولیتی ندارد.

☐ هر گاه زن مسلمانی عمداً کشته شود حق قصاص ثابت است لکن اگر قاتل مرد مسلمان باشد، ولی دم باید پیش از پذیرش قصاص نصف دیه کامل را به او بپردازد و اگر قاتل مرد غیرمسلمان باشد بدون پرداخت چیزی قصاص می‌شود. در قصاص مرد غیرمسلمان به سبب قتل زن غیرمسلمان پرداخت مابه التفاوت دیه آنها لازم است.

☐ اگر یک نفر دو یا چند نفر را عمداً به قتل برساند، اولیای دم هر یک از مقتولان می‌توانند **به تنهایی و بدون گرفتن اولیای مقتولان دیگر و بدون پرداخت سهمی از دیه** به آنان اقدام به قصاص کنند.

☐ اگر قتل در یکی از ماه های حرام اتفاق بیافتد که قصاص مستلزم پرداخت فاضل دیه از سوی ولی دم به قاتل باشد فاضل دیه تغلیظ نمی‌شود.

☐ اجرای قصاص حق ولی دم و مجنی علیه است که در صورت مرگ به ورثه منتقل می‌شود و باید پس از استیذان مقام رهبری از طریق واحد اجرای احکام کیفری انجام گیرد.

**نکته:** در قصاص و در قصاص مادون نفس اگر صاحب قصاص بدون در نظر گرفتن مقررات قصاص کند به تعزیر محکوم می‌شود.

☐ هرگاه در جنایات عمدی، به علت مرگ یا فرار دسترسی ممکن نباشد با درخواست صاحب حق، دیه جنایت از اموال مرتکب پرداخت می‌شود و در صورتی که مرتکب مالی نداشته باشد در خصوص قتل عمد ولی عمد می‌تواند دیه را از عاقله بگیرد و در صورت نبود عاقله یا عدم دسترسی به آنها یا عدم تمکن آنها دیه از بیت المال پرداخت می‌شود و در غیر قتل، دیه بر بیت المال خواهد بود.

☐ اگر پس از اجرای قصاص نفس قاتل زنده بماند حق قصاص برای ولی دم محفوظ است لکن اگر ولی دم وی را به گونه ای که جایز نیست قصاص کرده باشد مثلاً برای اجرای قصاص نفس مبادرت به قطع یکی از اندام های او نماید در صورتی که قاتل آسیب ببیند و نیز مشروط به رعایت شرایط قصاص عضو از جمله عدم خوف تلف ولی دم، قاتل حق قصاص عضو او را دارد و حق قصاص نفس نیز برای ولی دم باقی است. ولی قبل از اجرای قصاص نفس، قاتل باید حق خود را استیفاء، مصالحه یا گذشت نماید. لکن اگر ولی دم نخواهد دوباره قصاص کند قاتل حق قصاص او را ندارد. اگر قاتل برای فرار از قصاص نفس حاضر به گذشت یا مصالحه و استیفاء حق خود نشود با شکایت ولی دم از این امر، دادگاه مدت مناسبی را مشخص و به قاتل اعلام می‌کند تا ظرف مهلت مقرر به گذشت، مصالحه یا مطالبه قصاص عضو اقدام کند. در صورت عدم اقدام او در این مدت ولی دم به تعزیر مقرر در قانون محکوم می‌شود و با مطالبه او قصاص نفس اجرا می‌گردد و در این صورت حق قصاص عضو برای ورثه جانی محفوظ است.

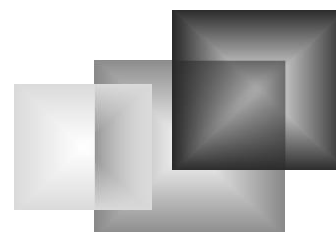
☐ دیه زن و مرد در اعضاء و منافع تا کمتر از ثلث دیه کامل مرد یکسان است و چنانچه ثلث یا بیشتر از آن شود، دیه زن به نصف تقلیل می‌یابد.

- اگر به علت یک یا چند ضربه جنایت های متعددی در یک یا چند عضو به وجود آید حق قصاص برای هر جنایت به طور جداگانه ثابت است و مجنی علیه می تواند درباره بعضی با مرتکب مصالحه نماید، نسبت به بعضی دیگر گذشت و بعضی را قصاص کند.
- **نکته مهم:** اگر در جنایت عمدی بر اعضای متعدد یک نفر، امکان قصاص همه آنها نباشد مانند اینکه هر دو دست یک نفر را قطع کند و خود یک دست بیشتر نداشته باشد **مرتکب در مقابل جنایت هایی که قصاص آن امکان دارد قصاص می شود و برای دیگر جنایات به پرداخت دیه و تعزیر محکوم می شود.**
- رعایت تساوی مقدار طول و عرض در قصاص جراحات لازم است. لکن در میزان یا عمق جنایت صدق عنوان جنایت وارده به **تشخیص عرف** است.
- اگر عضو مورد جنایت، سالم یا کامل باشد و عضو مرتکب ناسالم یا ناقص باشد، مجنی علیه می تواند قصاص کند یا با رضایت مرتکب دیه بگیرد. **نکته:** هر چند عضو سالم در برابر عضو ناسالم قصاص نمی شود اما عضو ناسالم در برابر عضو سالم امکان قصاص دارد.
- **نکته مهم: آیا عضو ناسالم در برابر عضو ناقص قصاص می شود؟** اگر عضو مورد جنایت و عضو مورد قصاص هر دو ناقص یا ناسالم باشند، فقط در صورتی که نقصان و عدم سلامت در عضو مورد قصاص یعنی در عضو جانی مساوی یا بیشتر از عضو مورد جنایت باشد حق قصاص ثابت است. (متن ماده ۳۹۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲)
- در جنایت مأمومه، دامغه، جائفه، هاشمه، منقله، شکستگی استخوان و صدماتی که موجب تغییر رنگ پوست یا ورم بدن می شود، قصاص ساقط است و مرتکب علاوه بر پرداخت دیه به تعزیر محکوم می شود.
- اگر شخصی چشم کسی را درآورد یا کور کند، قصاص می شود گر چه مرتکب بیش از یک چشم نداشته باشد و دیه ای نیز به وی پرداخت نمی شود این حکم در مورد همه اعضای زوج بدن جاری است.
- اگر شخصی که دارای دو چشم است چشم کسی را که دارای یک چشم است درآورد یا آن را کور کند مجنی علیه می تواند یک چشم مرتکب را قصاص کند و نصف دیه کامل را دریافت کند یا از قصاص یک چشم منصرف شود و دیه کامل بگیرد مگر اینکه مجنی علیه یک چشم خود را قبلا در اثر قصاص یا جنایتی که استحقاق دیه آن را داشته است، از دست داده باشد که در این صورت حق مذکور را نداشته و فقط می تواند یک چشم مرتکب را قصاص کند و یا با رضایت مرتکب نصف دیه کامل را دریافت کند فلذا او حق تقاضای قصاص هر دو چشم جانی را ندارد.
- قطع کردن هر یک از دست ها موجب نصف دیه کامل است خواه مجنی علیه دارای دو دست و خواه به هر علت دارای یک دست باشد.



## بخش چهارم:

نکات مستخرج از سؤالات دکتری





♣ رسیدگی به جرایم مطبوعاتی در صلاحیت کدام دادگاه است و جلسه رسیدگی دادگاه با حضور حداقل چه تعداد از اعضای هیئت منصفه رسمیت مییابد؟ دادگاه کیفری یک مرکز استان محل وقوع جرم، ۷ نفر نکته: رسیدگی دادگاه به جرایم مطبوعاتی و سیاسی، به صورت علنی و با حضور هیئت منصفه خواهد بود؛ البته دادگاه حداقل یک هفته قبل از زمان رسیدگی از تمامی اعضاء هیئت منصفه دعوت می کند تا در جلسه محاکمه حضور یابند. براساس قانون مطبوعات رسیدگی در دادگاه با حضور هیئت منصفه می باشد که در تهران ۲۱ نفر و در شهرستانها ۱۴ نفر طبق مقررات از بین افراد مختلف طبق مواد ۳۶ و ۳۷ قانون مطبوعات انتخاب می شوند و جلسه دادگاه با حضور حداقل ۷ نفر از اعضای هیئت منصفه رسمیت خواهد یافت و اکثریت آراء حاضر ملاک تصمیم گیری هیئت خواهد بود. (ماده ۳۸ قانون مطبوعات) و به استناد ماده ۴۳ قانون مطبوعات پس از اعلام ختم رسیدگی هیئت منصفه وارد شور می شود و نظر خود را بصورت کتبی اعلام می کند. پس از اینکه هیئت منصفه نظر خود را در خصوص دو موضوع گفته شده به صورت کتبی به دادگاه ارائه کرد، دادگاه با ملاحظه نظر اعضای هیئت منصفه اقدام به صدور رای می کند. اگر نظر هیئت منصفه مبنی بر بزهکاری و مجرمیت متهم باشد، دادگاه الزامی به رعایت نظر هیئت منصفه ندارد و می تواند حکم به برائت متهم نیز صادر کند اما اگر نظر هیئت منصفه، دایر بر عدم مجرمیت یا برائت متهم باشد، دادگاه نیز باید نظر هیئت منصفه را لحاظ کند. اگر دادگاه با توجه به نظر هیئت منصفه، حکم به مجرمیت و محکومیت متهم صادر کند، این حکم قابل تجدیدنظر خواهی است البته در رسیدگی مجدد در مرحله تجدیدنظر نیازی به حضور هیئت منصفه نیست و دادگاه تجدیدنظر با توجه به اوراق پرونده و نظر هیئت منصفه، به پرونده رسیدگی می کند. نکته آخر در خصوص اعضای هیئت منصفه این است که بر اساس قانون جدید آیین دادرسی کیفری، تنها در جلسات محاکمه جرایم مطبوعاتی و سیاسی حضور هیئت منصفه الزامی است و در مرحله دادرسی، تحقیقات مقدماتی و صدور قرارهای قانونی، نیازی به حضور هیئت منصفه وجود ندارد.

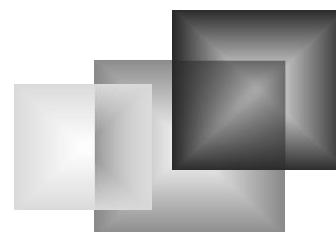
♣ شخصی مرتکب یک فقره کلاهبرداری در تهران و یک فقره جعل مبیعه نامه در ورامین شده است، لیکن در کرج دستگیر می شود، رسیدگی به اتهامات متهم در صلاحیت دادرسی عمومی و انقلاب تهران است.

♣ رسیدگی به جرایم ذیل در صلاحیت دادگاه انقلاب است:

- ✓ الف) دخالت غیر مجاز در امور پزشکی و دارویی
- ✓ ب) دخالت غیر مجاز در امور سمعی و بصری
- ✓ ج) قاچاق کالاهای ممنوع

و  
و  
و  
و  
و  
و  
و  
و  
و  
و

**بخش پنجم:**  
**آرای وحدت رویه**



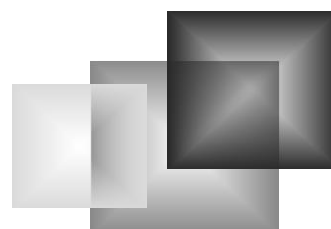
### استفاده از سند مجعول عملی مستقل از جعل است (رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور)

نظر به اینکه به موجب مواد ۷۵ تا ۸۲ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱ برای جعل و استفاده از سند مجعول مجازات جداگانه تعیین شده و بعلاوه در ماده ۸۳ قانون مزبور نیز برای استفاده کننده از سند مجعول در مواردی که جاعل خود استفاده کننده باشد مجازات مقرر گردیده است؛ بنابراین بر طبق مواد مزبور استفاده از سند مجعول عملی مستقل از جعل محسوب و نسبت به جاعل نیز بزه جداگانه است بنا به مراتب دادنامه شماره ۷۶-۶-۲۸ که به موجب آن با رعایت تعدد و ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی برای جعل و استفاده از سند مجعول کیفرهای جداگانه تعیین شده، صحیح و منطبق با موازین قانونی است. این رأی که بر طبق ماده ۳ اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری صادر گردیده در موارد مشابه لازم الاتباع می‌باشد.

و  
و  
و  
و  
و  
و

عدلیه - ناشر بسته های دکتری - ۰۹۳۶۴۴۶۳۱۴۹-۶۶۹۲۱۰۰۲

# بخش ششم: محشای قوانین



## قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵:

### (تعزیرات و مجازات های بازدارنده)

#### فصل اول - در جرایم ضد امنیت داخلی و خارجی کشور

ماده ۴۹۸ - هر کس با هر مرامی، دسته، جمعیت یا شبه جمعیتی بیش از دو نفر در داخل یا خارج از کشور تحت هر اسم یا عنوانی تشکیل دهد یا اداره نماید که هدف آن برهم زدن امنیت کشور باشد و محارب شناخته نشود به حبس از دو تا ده سال محکوم می شود.

- ✓ برای شمول ماده نسبت به تشکیل دهنده یا اداره کننده، حضور حداقل سه نفر در این تشکیلات لازم است.
- ✓ هرکسی با هر جنسیت و شغل و سمتی می تواند مرتکب جرم موضوع این ماده شود.
- ✓ هدف خاص افراد موضوع این ماده، برهم زدن امنیت کشور می باشد لیکن لازم نیست عملاً امنیت کشور برهم بخورد؛ همین اندازه که قصد برهم زدن اثبات شود کما اینکه امنیت کشور به مخاطره نیفتد کفایت می کند.
- ✓ در صورتی که افراد موضوع این ماده علاوه بر قصد برهم زدن امنیت کشور، قصد براندازی هم داشته باشند؛ محارب شناخته شده و به مجازات محاربه محکوم می شوند؛ در غیر اینصورت بر اساس این ماده به دو تا ده سال حبس محکوم می شوند.

#### تست: تشکیل جمعیت در صورتی جرم است که به قصد.....(قضاوت سال ۸۰)

- (۱) ضدیت با حکومت اسلامی باشد.
- (۲) برهم زدن امنیت کشور باشد.
- (۳) تشویش اذهان مقامات رسمی باشد.
- (۴) تشویش اذهان عمومی باشد.

#### گزینه ۲ صحیح است. با استناد به ماده ۴۹۸ قانون تعزیرات مصوب ۷۵

ماده ۴۹۹ - هر کس در یکی از دسته ها یا جمعیت ها یا شعب جمعیت های مذکور در ماده (۴۹۸) عضویت یابد به سه ماه تا پنج سال حبس محکوم می گردد مگر اینکه ثابت شود از اهداف آن بی اطلاع بوده است.

- ✓ مقررات ماده فوق در مورد کسانی که عضو نبوده بلکه صرفاً حامی یا مبلغ دسته یا جمعیتی می باشند قابل اعمال نیست و دیگر اینکه هرگاه کسی در بیش از یک دسته یا جمعیت عضویت داشته یا آنها را تاسیس یا اداره نموده باشد، اعمال او را می توان جرایم متعدد مشابه دانست.

ماده ۵۰۰ - هر کس علیه نظام جمهوری اسلامی ایران یا به نفع گروهها و سازمانهای مخالف نظام به هر نحو فعالیت تبلیغی نماید به حبس از سه ماه تا یکسال محکوم خواهد شد.

- ✓ تبلیغاتی مشمول این ماده می شود که علیه کلیت «نظام» و در واقع به قصد براندازی یا به نفع گروهها و سازمانهایی انجام گیرد که قصد مبارزه با کلیت «نظام» و براندازی را دارند.
- ✓ مقررات ماده فوق درباره کسانی اعمال می شود که «مباشرت» در فعالیت های تبلیغی داشته باشند و کسانی که صرفاً در اینکار مساعدت و معاونت نموده اند از شمول ماده خارج می شوند.
- ✓ جرم موضوع این ماده را می توان نمونه ای از جرایم سیاسی دانست.
- ✓ بنا به تصریح ماده، هر نحو فعالیت تبلیغی از قبیل برگزاری تظاهرات، راه انداختن ایستگاههای رادیویی در خارج، چاپ و نشر اعلامیه و... همگی تحت الشمول این ماده می باشد.

ماده ۵۰۱ - هر کس نقشه ها یا اسرار یا اسناد و تصمیمات راجع به سیاست داخلی یا خارجی کشور را عالماً و عامداً در اختیار افرادی که صلاحیت دسترسی به آنها را ندارند قرار دهد یا از مفاد آن مطلع کند به نحوی که متضمن نوعی جاسوسی باشد، نظر به کیفیات و مراتب جرم به یک تا ده سال حبس محکوم می شود.

- ✓ عنصر مادی جرم موضوع این ماده ارائه نقشه ها، اسرار یا اسناد یا تصمیمات راجع به سیاست داخلی و خارجی به افراد فاقد صلاحیت است.

- ✓ منظور از سیاست داخلی یا خارجی آن چیزی است که به اداره حکومت از بُعد داخلی یا خارجی مربوط می‌شود، اعم از اینکه نظامی، سیاسی، اقتصادی یا اجتماعی باشد.
- ✓ دادن اسرار بایستی عالماً و عامداً باشد؛ همچنین وی باید به محرمانه بودن اسناد و تصمیمات و هم به صلاحیت نداشتن کسی که اطلاعات را در اختیار وی قرار می‌دهد، آگاه باشد؛ در ضمن، داشتن سوء نیت خاص مثل قصد ضربه زدن به نظام یا قصد دیگری ضرورت ندارد.
- ✓ تحقق جرم موضوع این ماده منوط به آنست که عمل فرد متضمن نوعی جاسوسی باشد.
- ماده ۵۰۲ - هر کس به نفع یک دولت بیگانه و به ضرر دولت بیگانه دیگر در قلمرو ایران مرتکب یکی از جرایم جاسوسی شود بنحوی که به امنیت ملی صدمه وارد نماید به یک تا پنج سال حبس محکوم خواهد شد.**
- ✓ با توجه به قید «صدمه به امنیت ملی» جرم ماده فوق از جمله جرایم مقید می‌باشد و در صورت عدم احراز ورود صدمه به امنیت ملی ایران، این جاسوسی مطابق قوانین ما جرم و قابل مجازات نیست.
- ✓ تابعیت مرتکبان تأثیری در تحقق جرم ندارد.
- ماده ۵۰۳ - هر کس به قصد سرقت یا نقشه‌برداری یا کسب اطلاع از اسرار سیاسی یا نظامی یا امنیتی به مواضع مربوطه داخل شود و همچنین اشخاصی که بدون اجازه مأمورین یا مقامات ذیصلاح در حال نقشه‌برداری یا گرفتن فیلم یا عکسبرداری از استحکامات نظامی یا اماکن ممنوعه دستگیر شوند به شش ماه تا سه سال حبس محکوم می‌شوند.**
- ✓ عناصر تشکیل دهنده جرم مذکور:
- ✓ الف) عنصر مادی: ورود به مواضع مربوطه می‌باشد
- ✓ ب) عنصر معنوی: ورود عمدی و آگاهانه به عنوان سوءنیت عام و قصد سرقت یا نقشه‌برداری یا کسب اطلاع از اسرار سیاسی و یا نظامی یا امنیتی به عنوان سوء نیت خاص است.
- ✓ برای تحقق عنصر مادی جرم، بایستی ورود شخص به مواضع مربوطه به صورت غیرمجاز انجام گیرد و ورود غیر مجاز اعم از آنست که شخص به طور پنهانی و مخفیانه یا به عنف و زور وارد محل شود.
- ✓ جرم موضوع این ماده نیازمند سوءنیت خاص نیست بلکه تنها شرط لازم برای تحقق جرم آن است که از مقامات ذی صلاح اجازه عکس برداری و... نداشته باشد.
- ماده ۵۰۴ - هر کس نیروهای رزمنده یا اشخاصی را که به نحوی در خدمت نیروهای مسلح هستند تحریک مؤثر به عصیان، فرار، تسلیم یا عدم اجرای وظایف نظامی کند در صورتی که قصد براندازی حکومت یا شکست نیروهای خودی در مقابل دشمن را داشته باشد محارب محسوب می‌شود والا چنانچه اقدامات وی مؤثر واقع شود به حبس از دو تا ده سال و در غیر این صورت به شش ماه تا سه سال حبس محکوم می‌شود.**
- ✓ عنصر مادی جرم مذکور در این ماده **تحریک مؤثر** می‌باشد که منظور از تحریک مؤثر، تحریک مهم و اساسی می‌باشد.
- ✓ **اگر تحریک مؤثر با سوءنیت خاص به قصد براندازی حکومت یا شکست نیروهای خودی انجام شده باشد، فرد تحریک کننده محارب محسوب می‌شود** در غیر اینصورت اگر تحریکات مؤثر واقع شود، یعنی عملاً موجب عصیان، فرار، تسلیم یا عدم اجرای وظایف حتی از سوی یک نفر شود، شخص تحریک کننده به حبس از دو تا ده سال محکوم می‌شود و در صورتی که تحریکات مؤثر واقع نشود و کسی از آن تاثیر نپذیرد، مجازات مرتکب حبس از شش ماه تا سه سال است.
- ✓ جرم تحریک موضوع این ماده از مصادیق معاونت به عنوان جرم مستقل می‌باشد.

### تست: تحریک نیروهای رزمنده به عصیان یا فرار در چه صورتی جرم است؟ (کارشناسی ارشد آزاد ۸۴)

(۱) هرگاه موجب عصیان یا فرار آنها شود.

(۲) هرگاه در زمان جنگ رخ دهد.

(۳) هرگاه مؤثر باشد.

(۴) هرگاه به قصد براندازی حکومت انجام شود.

**گزینه ۳ صحیح است. با استناد به ماده ۵۰۴ قانون تعزیرات. علت نادرستی گزینه ۴ این است که قصد براندازی حکومت صرفاً برای محارب شناخته شدن عمل ارتكابی لازم است و شرایط تحقق جرم موضوع این ماده نیست.**

**تست: تحریک موثر نیروهای رزمنده به فرار در چه صورتی محاربه محسوب می‌شود؟ (کارشناسی ارشد آزاد ۸۴)**

- (۱) در صورتی که در زمان جنگ بوده و با قصد شکست نیروهای خودی باشد.
- (۲) در صورتی که باعث اسارت یا تسلیم نیروهای خودی یا شکست جبهه اسلام شود.
- (۳) در صورتی که به قصد براندازی حکومت یا شکست نیروهای خودی باشد.
- (۴) در صورتی که در زمان جنگ بوده یا باعث شکست جبهه اسلامی شود.

**گزینه ۳ صحیح است. با استناد به ماده ۵۰۴ قانون تعزیرات مصوب ۷۵**

و  
و  
و  
و  
و

عدلیه - ناشر بسته های دکتری - ۰۲۱۰۰۲۱۰۰۲-۶۶۹۲۱۰۰۲-۱۴۶-۳۱۴۶۳۱۴۶-۰۹۳۶۴۴۶۳۱۴۶



## قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ (بخش کتاب سوم - قصاص)

### بخش اول - مواد عمومی

#### فصل اول - اقسام و تعاریف جنایات

ماده ۲۸۹- جنایت بر نفس، عضو و منفعت بر سه قسم عمدی، شبه عمدی و خطای محض است

✓ ملاک عرفی تقسیم بندی این ماده، عنصر معنوی است.

ماده ۲۹۰- جنایت در موارد زیر عمدی محسوب می شود:

الف- هرگاه مرتکب با انجام کاری قصد ایراد جنایت بر فرد یا افرادی معین یا فرد یا افرادی غیرمعین از یک جمع را داشته باشد و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن واقع شود، خواه کار ارتكابی نوعاً موجب وقوع آن جنایت یا نظیر آن بشود، خواه نشود.

ب- هرگاه مرتکب، عمداً کاری انجام دهد که نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن، می گردد، هر چند قصد ارتكاب آن جنایت و نظیر آن را نداشته باشد ولی آگاه و متوجه بوده که آن کار نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می شود.

پ- هرگاه مرتکب قصد ارتكاب جنایت واقع شده یا نظیر آن را نداشته و کاری را هم که انجام داده است، نسبت به افراد متعارف نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن، نمی شود لکن در خصوص مجنی علیه، به علت بیماری، ضعف، پیری یا هر وضعیت دیگر و یا به علت وضعیت خاص مکانی یا زمانی نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می شود مشروط بر آنکه مرتکب به وضعیت نامتعارف مجنی علیه یا وضعیت خاص مکانی یا زمانی آگاه و متوجه باشد.

ت- هرگاه مرتکب قصد ایراد جنایت واقع شده یا نظیر آن را داشته باشد، بدون آنکه فرد یا جمع معینی مقصود وی باشد، و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن، واقع شود، مانند اینکه در اماکن عمومی بمب گذاری کند.

تبصره ۱- در بند (ب) عدم آگاهی و توجه مرتکب باید اثبات گردد و در صورت عدم اثبات، جنایت عمدی است مگر جنایت واقع شده فقط به علت حساسیت زیاد موضع آسیب، واقع شده باشد و حساسیت زیاد موضع آسیب نیز غالباً شناخته شده نباشد که در این صورت آگاهی و توجه مرتکب باید اثبات شود و در صورت عدم اثبات، جنایت عمدی ثابت نمی شود.

تبصره ۲- در بند (پ) باید آگاهی و توجه مرتکب به اینکه کار نوعاً نسبت به مجنی علیه، موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن می شود ثابت گردد و در صورت عدم اثبات، جنایت عمدی ثابت نمی شود.

✓ مقصود از جنایت اعم از جنایت بر نفس، عضو و منفعت است.

✓ قتل عمد یعنی شخصی با قصد قتل یا با فعلی که نوعاً کشنده است، موجب مرگ شخصی بشود.

✓ در جنایت عمد محض وجود قصد فعل و قصد نتیجه لازم است.

✓ بند ب در حکم عمد است یعنی مرتکب قصد فعل دارد ولیکن فاقد قصد نتیجه است لیکن قصد نتیجه بر اساس نوعاً کشنده بودن عمل وی مفروض گرفته می شود

✓ بند پ نیز در حکم عمد است یعنی مرتکب نه قصد فعل دارد نه قصد نتیجه لیکن بخاطر وضعیت خاص مجنی علیه مفروض گرفته می شود.

✓ اگر جانی نسبت به وضعیت جسمانی و موقعیت مکانی محنی علیه آگاهی نداشته باشد بر اساس بند پ این ماده عمل وی قتل عمد محسوب نمی شود.

✓ انگیزه مرتکب تاثیری در مجازات قصاص ندارد.

✓ برای احراز رابطه علت میان صدمات وارده و قتل ضرورتی ندارد که این علت بدون واسطه باشد یا بلافاصله تاثیر نماید.

ماده ۲۹۱- جنایت در موارد زیر شبه عمدی محسوب می شود:

الف- هرگاه مرتکب نسبت به مجنی علیه قصد رفتاری را داشته لکن قصد جنایت واقع شده یا نظیر آن را نداشته باشد و از مواردی که مشمول تعریف جنایات عمدی می گردد، نباشد.

ب- هرگاه مرتکب، جهل به موضوع داشته باشد مانند آنکه جنایتی را با اعتقاد به اینکه موضوع رفتار وی شیء یا حیوان و یا افراد مشمول ماده (۳۰۲) این قانون است به مجنی علیه وارد کند، سپس خلاف آن معلوم گردد.

پ- هرگاه جنایت به سبب تقصیر مرتکب واقع شود، مشروط بر اینکه جنایت واقع شده یا نظیر آن مشمول تعریف جنایت عمدی نباشد.

✓ بند (الف) ماده فوق مصداق معروف و بارز غیر عمدی بودن را بیان میکند.

✓ در جنایات شبه عمدی، مرتکب قصد فعل دارد با اینحال قصد نتیجه ندارد.

- ✓ حکم بند (ب) شامل افراد مهدور الدم، حیوان و اشیاء می‌شود بنابراین اگر مرتکب، جنایتی نسبت به شخص محقون الدمی انجام دهد و بعد مشخص شود که شخص دیگری است عمل او اشتباه در هویت محسوب و جنایت عمدی است.
- ✓ اشتباه از جمله مصادیق تقصیر است و تقصیر مرتکب موجب شمول عنوان جنایت شبه عمدی می‌شود.
- ✓ در شبهه موضوعی اصل بر عدم اشتباه است بنابراین کسی که ادعای اشتباه می‌شکند باید آن را اثبات نماید.
- ✓ عنصر معنوی قتل شبه عمد ممکن است ترک فعل باشد.

ماده ۲۹۲- جنایت در موارد زیر خطای محض محسوب می‌شود:

الف- در حال خواب و بیهوشی و مانند آنها واقع شود.

ب- به وسیله صغیر و مجنون ارتکاب یابد.

پ- جنایتی که در آن مرتکب نه قصد جنایت بر مجنی علیه را داشته باشد و نه قصد ایراد فعل واقع شده بر او را، مانند آنکه تیری به قصد شکار رها کند و به فردی برخورد نماید.

تبصره- در مورد بندهای (الف) و (پ) هرگاه مرتکب آگاه و متوجه باشد که اقدام او نوعاً موجب جنایت بر دیگری می‌گردد، جنایت عمدی محسوب می‌شود.

✓ در جنایات خطای محض، جانی فاقد قصد نتیجه و قصد فعل نسبت به مجنی علیه است .

✓ مقنن صغیر را بصورت مطلق بکار برده است و شامل صغیر ممیز و غیر ممیز می‌گردد.

و

و

و

و

و

### قانون جرایم رایانه‌ای

و

و

و

### قانون تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه‌دیدگان ناشی از آن

مصوب ۱۳۹۸/۷/۲۱

و

و

و

و

و

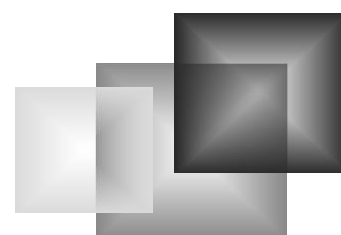
### قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی مصوب ۱۳۹۶/۵/۳۱



**بخش هفتم:**

**مجموعه آزمون‌های دکتری نیمه متمرکز**

**(سال ۱۳۹۰ الی ۱۴۰۰)**



## حقوق جزا - آزمون دکتری نیمه متمرکز سال ۱۴۰۰

در حال اضافه شدن

## حقوق جزا - آزمون دکتری نیمه متمرکز سال ۱۳۹۹

۱. شخصی مرتکب سه فقره قتل عمد می‌شود. چنانچه اولیای دم یکی از مقتولین خواهان قصاص و اولیای دم مقتولین دیگر خواهان اخذ دیه از قاتل باشند، کدام گزینه در مورد حق مطالبه کنندگان قصاص درست است؟

(۱) تا زمانی که تکلیف پرداخت دیه از سوی قاتل مشخص نشده است، حق اجرای قصاص را ندارند.

(۲) تنها با پرداخت دیه دو مقتول دیگر از اموال خود می‌توانند قصاص را اجرا نمایند.

(۳) به شرط رضایت اولیای دم سایر مقتولین، می‌توانند قصاص را اجرا نمایند.

(۴) بدون هیچ شرطی می‌توانند قاتل را قصاص نمایند.

گزینه ۴ صحیح است. به دلیل اینکه اجرای قصاص مشروط به شرطی نیست بلکه قاتل را قصاص می‌کنند و بعد از آن بایستی حق دیه دیگران را بپردازند. ماده ۳۸۳ - اگر یک نفر، دو یا چند نفر را عمداً به قتل برساند، اولیای دم هر یک از مقتولان میتوانند به تنهایی و بدون گرفتن رضایت اولیای مقتولان دیگر و بدون پرداخت سهمی از دیه به آنان اقدام به قصاص کنند.

✓ اطلاق ماده شامل حالتی نیز می‌شود که قاتل در یک دعوا مورد تعقیب و محاکمه قرار گرفته و در یک حکم به قصاص محکوم شده باشد.

✓ ماده فوق از باب حق قصاص انحلالی تدوین شده است و ناضر به فرض وحدت قاتل و تعدد مقتول است.

۲. «الف» مالی را در حیاط یک اداره دولتی پیدا می‌کند. «ب» که کارمند اداره است؛ با ارائه مدارک هویتی جعلی به «الف» خود را مالک مال گم شده نشان داده و آن مال را از «الف» اخذ می‌کند. «ب» مرتکب کدام جرایم شده است؟

(۱) کلاهبرداری و اختلاس

(۲) استفاده از سند مجعول و کلاهبرداری

(۳) استفاده از سند مجعول و خیانت در امانت

(۴) استفاده از سند مجعول و تصرف غیرقانونی

گزینه ۲ صحیح است. استفاده از سند مجعول: مراد از استفاده فایده عملی بردن از سند مجعول نیست و شامل اعمالی مانند به کار بردن، تسلیم و ارائه کردن، انتشار دادن، واگذار نمودن و مواردی نظیر اینها است. عنصر قانونی جرم استفاده از سند مجعول، همان عنصر قانونی جرم جعل است؛ چرا که هر جا مقنن از عنوان جعل استفاده کرده است؛ اصولاً عنوان استفاده از سند مجعول را نیز آورده است.

**شرایط لازم برای تحقق جرم استفاده از سند مجعول:**

۱. ماهیت جعلی بودن سند یا نوشته باید احراز شود؛ لذا اگر مجعول بودن آن احراز نشود؛ این جرم نیز قابل اثبات نخواهد بود. لذا همانطور که ساختن اسکناس صد هزار ریالی سفید رنگ جعل محسوب نمی‌شود؛ خرج کردن آن نیز ترویج اسکناس مجعول محسوب نمی‌شود.

۲. برای تحقق استفاده از سند مجعول، علاوه بر ارتکاب عنصر مادی (استفاده) محقق بودن عنصر روانی در کنار آن است؛ به عبارتی مرتکب اولاً عمد در استفاده از سند مجعول داشته باشد و ثانیاً قصد ایراد ضرر اعم از مادی و معنوی را به شخص حقیقی یا حقوقی داشته باشد.

۳. قابلیت ورود ضرر باید محرز باشد؛ یعنی حداقل باید احتمال ورود ضرر اعم از مادی یا معنوی به شخص دیگری اعم از حقیقی یا حقوقی وجود داشته باشد. بنابراین اگر کسی سندی را علیه شخص موهوم یا مرده‌ای بسازد و احتمال ورود هیچ ضرری از ساختن آن سند یا استفاده از آن به اشخاص زنده متصور نباشد؛ جرم جعل با استفاده از سند مجعول محقق نمی‌شود.

**نکته:** هر نوع ارائه‌ای می‌تواند جرم استفاده از سند مجعول را محقق سازد؛ مشروط بر اینکه اثری بر این ارائه مترتب و در واقع ضرری متصور باشد هر چند که لازم نیست این اثر حتماً همان چیزی باشد که سند در ابتدا برای آن درست شده است.

**نکته:** برخلاف جرم کلاهبرداری که در آن فریب خوردن یک انسان، شرط تحقق آن است در جعل چنین شرطی وجود ندارد؛ به عنوان مثال در کلاهبرداری، عمل فردی که با انداختن یک سکه تقلبی به درون دستگاه مواد خوراکی اخذ می‌کند؛ کلاهبرداری شناخته نمی‌شود

ولی کسی که کارت اعتباری جعلی یا کارت تلفن جعلی (به فرض که جعل آنها قابل تصور باشد) برای اخذ پول از دستگاه یا تلفن کردن استفاده می‌کند؛ عملش استفاده از سند مجعول است.

و  
و  
و  
و  
و  
و  
و  
و  
و

### حقوق جزا- آزمون دکتری نیمه متمرکز سال ۱۳۹۸

و  
و  
و  
و

### حقوق جزا- آزمون دکتری نیمه متمرکز سال ۱۳۹۷

و  
و  
و  
و

## حقوق جزا - آزمون دکتری نیمه متمرکز سال ۱۳۹۰

**۱- «الف» مبلغی پول به «ب» می‌دهد تا او «ج» را به قتل برساند ولی «ب» پس از گرفتن پول از کشور خارج شده و مأموریت قتل را انجام نمی‌دهند. این مقدار از عمل «الف»:**

- (۱) شروع به قتل عمد است.  
 (۲) فقط شروع به قتل (است).  
 (۳) معاونت در قتل عمد است.  
 (۴) اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم علیه نفوس مردم است.

هیچکدام از گزینه‌ها صحیح نیست.

به استناد ماده ۱۲۲ ق.م.ا. که حداقل برای جرم شناختن عملی باید شخص شروع به اجرای آن جرم نماید علاوه بر لزوم مقدم یا همزمان بودن رفتار معاون نسبت به مباشر، شرط دیگری که برای تحقق معاونت در جرم ضروری است، جرم بودن عمل اصلی و نیز ارتکاب جرم یا شروع به آن از سوی مباشر است این دو شرط ناشی از عاریتی بودن مسئولیت معاون می‌باشد. بدین ترتیب با توجه به تحقق نیافتن نتیجه مجرمانه از سوی مباشر جرم معاونت در آن نیز جرم نمی‌باشد و از آنجایی که اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم علیه نفوس مردم مستلزم آن است که حداقل ۲ نفر مباشرت در جرم داشته باشند و علاوه بر آن وسایل ارتکاب جرم را نیز فراهم کنند، لذا عمل مزبور نیز مشمول ماده ۶۱۰ ق.م.ا (کتاب تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ قرار نمی‌گیرد. ر.ک جرایم علیه اشخاص دکتر میرمحمد صادقی چاپ بیست و سوم زمستان ۱۳۹۲ ص ۲۵۸.

**۲- اتهام به یک فقره کلاهبرداری و یک فقره شروع به کلاهبرداری چه حکمی دارد؟**

- (۱) تعدد اعتباری  
 (۲) در حکم جرم واحد  
 (۳) تعدد مادی جرم مشابه  
 (۴) تعدد مادی جرم مختلف  
 گزینه ۴ صحیح است.

تعدد وسایل متقلبانه‌ای که مورد استفاده کلاهبردار قرار می‌گیرد لزوماً به معنی تعدد جرم کلاهبرداری نمی‌باشد، ولی با توجه به حصول نتیجه مجرمانه می‌توان حکم به کلاهبرداری واحد یا متعدد دارد و از آنجایی که شروع به کلاهبرداری خود جرمی مستقل است و دارای عنصر قانونی خاصی است لذا با جرم کلاهبرداری تمام مختلف بوده و در حال حاضر باید مورد را مشمول تعدد جرم ماده ۱۳۴ ق.م.ا مصوب سال ۱۳۹۲ قرار داد.

ر.ک. جرایم علیه اموال و مالکیت - دکتر میرمحمد صادقی - چاپ سی و هفتم: زمستان ۱۳۹۲ ص ۱۱۹ الی ۱۲۲

و  
و  
و  
و  
و

# ضمیمه

## سوال و پاسخ از قانون کاهش حبس‌های تعزیری



مطابق قانون کاهش حبس‌های تعزیری حبس‌های ابد غیر حدی به حبس درجه چند تبدیل شده است؟ مطابق تبصره ۶ ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ (الحاقی سال ۹۹ به موجب قانون کاهش حبس‌های تعزیری) تمام حبس‌های ابد غیرحدی مقرر در قانون به حبس درجه یک تبدیل شده است.



مطابق متن ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ (الحاقی سال ۹۹ به موجب قانون کاهش حبس‌های تعزیری) «دادگاه می‌تواند فردی را که به حد، قصاص یا مجازات تعزیری محکوم کرده است، با رعایت شرایط مقرر در این قانون، متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات وی به یک یا چند مجازات از مجازات‌های تکمیلی بندها و تبصره‌های این ماده محکوم نماید.» حال در کدام یک از جرایم دادگاه نمی‌تواند مجازات‌های تکمیلی اعمال کند؟ تنها جرایمی که در مورد آنها نمی‌توان مجازات تکمیلی اعمال کرد؛ جرایمی است که صرفاً مستوجب پرداخت دیه یا ارش هستند؛ اما مطابق ماده ۲۳ در جرایم مستوجب مجازات قصاص، حد و تعزیر (اعم از اینکه عمدی یا غیرعمدی باشند و اعم از اینکه دارای مجازات حبس باشد یا مجازات دیگر صرف نظر از درجه جرم) امکان اعمال مجازات تکمیلی وجود دارد.



علی مرتکب جرم تخدیش سکه با مجازات قانونی ۱ تا ۳ سال حبس شده است؛ در صورت وجود جهات تخفیف قاضی کدام یک از مجازات‌های مقرر در قانون را می‌تواند اعمال نماید؟ مطابق ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی، جرمی که حداکثر مجازات آن ۳ سال حبس است؛ حبس درجه ۵ محسوب می‌شود و مطابق بند ب ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی (اصلاحی سال ۹۹ به موجب قانون کاهش حبس‌های تعزیری) دادگاه در مقام تخفیف حبس درجه ۵ می‌تواند؛ به حبس درجه ۶ یا ۷ یا جزای نقدی درجه ۵ حکم دهد.



کدام یک از جرایم ذیل قابل تعلیق است؟

۱. جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور و شروع به این جرم

۲. جرایم علیه عفت عمومی

۳. کلاهبرداری و جرایم در حکم کلاهبرداری و شروع به این جرم

**پاسخ:** مطابق تبصره ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی (اصلاحی سال ۹۹ به موجب قانون کاهش حبس‌های تعزیری) در جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور در صورت همکاری مؤثر مرتکب در کشف جرم و شناسایی سایر متهمان، تعلیق بخشی از مجازات بلامانع است. مطابق تبصره ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی (اصلاحی سال ۹۹ به موجب قانون کاهش حبس‌های تعزیری) تعلیق مجازات جرائم علیه عفت عمومی (به جز جرائم موضوع مواد (۶۳۹) و (۶۴۰) قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی)<sup>۱</sup> بلامانع است.

۱ - ماده ۶۳۹ - افراد زیر به حبس از یک تا ده سال محکوم می‌شوند و در مورد بند «الف» علاوه بر مجازات مقرر، محل مربوطه به طور موقت با نظردادگاه بسته خواهد شد:

الف - کسی که مرکز فساد یا فحشا دایر یا اداره کند

ب - کسی که مردم را به فساد یا فحشا تشویق نموده یا موجبات آن را فراهم نماید.

تبصره - هر گاه بر عمل فوق عنوان قوادی صدق نماید علاوه بر مجازات مذکور به حد قوادی نیز محکوم می‌گردد.



مطابق تبصره ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی (اصلاحی سال ۹۹ به موجب قانون کاهش حبس‌های تعزیری) تعلیق مجازات جرم کلاهبرداری و کلیه جرائم در حکم کلاهبرداری و جرایمی که مجازات کلاهبرداری درباره آنها مقرر شده یا طبق قانون کلاهبرداری محسوب می‌شود بلامانع است.

**نکته:** در هر سه جرم فوق، شروع به جرم نیز قابل تعلیق است.

**تبصره ماده ۴۷ اصلاحی ۹۹ به شرح ذیل است:** در جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور در صورت همکاری مؤثر مرتکب در کشف جرم و شناسایی سایر متهمان، تعلیق بخشی از مجازات بلامانع است. همچنین تعلیق مجازات جرائم علیه عفت عمومی (به جز جرائم موضوع مواد (۶۳۹) و (۶۴۰) کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی) و کلاهبرداری و کلیه جرائم در حکم کلاهبرداری و جرایمی که مجازات کلاهبرداری درباره آنها مقرر شده یا طبق قانون کلاهبرداری محسوب می‌شود و شروع به جرائم مقرر در این تبصره، بلامانع است. رعایت ماده (۴۶)<sup>۱</sup> این قانون در خصوص این تبصره الزامی است.

و  
و  
و  
و  
و  
و  
و

**ماده ۶۴۰ -** اشخاص ذیل به حبس از سه ماه تا یک سال و جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا شش میلیون ریال و تا (۷۴) ضربه شلاق یا به یک یا دو مجازات مذکور محکوم خواهند شد: ۱- هر کس نوشته یا طرح، گراور، نقاشی، تصاویر، مطبوعات، اعلانات، فیلم، نوار سینما و یا بطور کلی هر چیز که عفت و افکار عمومی را جریحه‌دار نماید برای تجارت یا توزیع به نمایش و معرض انظار عمومی گذارد یا بسازد یا برای تجارت و توزیع نگاهدارد. ۲- هر کس اشیاء مذکور را به منظور اهداف فوق شخصاً یا به وسیله دیگری وارد یا صادر کند و یا به نحوی از انحاء متصدی یا واسطه تجارت و یا هر قسم معامله دیگر شود یا از کرایه دادن آنها تحصیل مال نماید. ۳- هر کس اشیاء فوق را به نحوی از انحاء منتشر نماید یا آنها را به معرض انظار عمومی بگذارد. ۴- هر کس برای تشویق به معامله اشیاء مذکور در فوق و یا ترویج آن اشیاء به نحوی از انحاء اعلان و یا فاعل یکی از اعمال ممنوعه فوق و یا محل بدست آوردن آن را معرفی نماید.

تبصره ۱ - مفاد این ماده شامل اشیائی نخواهد بود که با رعایت موازین شرعی و برای مقاصد علمی یا هر مصلحت حلال عقلانی دیگر تهیه یا خرید و فروش و مورد استفاده متعارف علمی قرار می‌گیرد.

تبصره ۲ - اشیای مذکور ضبط و محو آثار می‌گردد و جهت استفاده لازم به دستگاه دولتی ذیربط تحویل خواهد شد.

**ماده ۴۶ -** در جرائم تعزیری درجه سه تا هشت دادگاه می‌تواند در صورت وجود شرایط مقرر برای تعویق صدور حکم، اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را از یک تا پنج سال معلق نماید. دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری نیز پس از اجرای یک سوم مجازات می‌تواند از دادگاه صادرکننده حکم قطعی، تقاضای تعلیق نماید. همچنین محکوم می‌تواند پس از تحمل یک سوم مجازات، در صورت دارا بودن شرایط قانونی، از طریق دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری تقاضای تعلیق نماید.